



کمر ۵۲ ق

جای اول خردار ۱۳۴۹

جای دوم کشور ۱۳۵۰

جای سوم آمل ۱۳۵۲

نقصی چهارم (۴) حب ۲۱۲۸۸۸ ۱۳۵۸

شماره ثبت در دفترخانه

۱۳۰۱
۱۳۵۲, ۹۱۵

مهدی موعود

,

مکتب ریاضت

شماره
۲۱۴
پرست

نگارشی

میرمحمد پادانا

نام کتاب
تاریخ اسلام
شماره ۲۱۴
۴۰۲۴۵

فهرست

- ۱- نادرش
- ۲- خدا
- ۳- جان آفرینش
- ۴- عالم صغیر
- ۵- عالم کبیر
- ۶- سکر جبر و سکر دهر
- ۷- دور و نادر و بیست و نسی
- ۸- سر تکامل آدم
- ۹- ~~سفر~~ بازگشت ارواح
- ۱۰- ملکوتی تکامل روح
- ۱۱- ~~کتاب~~ ریاضت و خرد آفرینی
- ۱۲- نیای مصلحت خرد آفرینی
- ۱۳- مردان علم و صنعت
- ۱۴- کتاب راز در بیان خیر و شر
- ۱۵- و نیم از آن صورت همه
- ۱۶- معجزات صورت همه

تعارف

۱۷- معجزات صوتی

۱۸- رر - فاطمه

۱۹- - - امام حسن

۲۰- - - امام حسن

۲۱- - - امام زین العابدین

۲۲- - - امام سجاد

۲۳- - - امام مجتبی

۲۴- - - امام موسی کاظم

۲۵- - - امام رضا

۲۶- - - امام کریم

۲۷- - - امام علی

۲۸- - - امام حسن

۲۹- معجزات صوتی در باره ظهور صوتی

۳۰- تواتر و مردان طریقت در باره ظهور صوتی

۳۱- تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۲- ردای اسدای در باره ظهور صوتی

۳۳- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۴- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۵- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۶- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۷- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۸- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۳۹- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۰- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۱- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۲- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۳- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۴- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۵- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۶- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۷- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۸- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۴۹- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۵۰- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۵۱- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۵۲- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۵۳- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

۵۴- تواتر و تواتر اسدای در باره ظهور صوتی

نیا شی

مرتبط
مجموعه خدای عالم هستی از صبه تا شب در وقت نانی ترین
نیایی که و محاط بر عظم ترین بی نهایت که برای وصول و یگانگی
بالجود خدای تعالی که در شش زانو الوصف کلماتی که در هر
و در هر یک وادی بر اسرار کائنات و صفه بی پایان جلیت که از حد فکر
و سیرت و از دامنه نگاه دور تر است به توفیق خدایه حقیقی را
خداوند یاکت که در هر یک است تحت اشعاع آن قرار میگردد
در این تلاش در حق ترین اوزار از حق ترین ظلمات ایجاد
میکرد و ذرات نظم که هر یک در لایتنای سخی دنیا می بزرگ
استه برای وصول بر تبط خدای بر مصلی و شادان برداشته اند
که از جنبش آنان در مقام بی پایان افلاکی با عظمت ایجاد شده
میکرد و منی که در هر یک بر عالم مجموع سر امیر است و حیرت
و در مقابل است بمنزله گردش از هر یک از آن است در آدم من
میدارد که نظریه که در هر یک از آن است که برای سبب متناهی نامعلوم نشسته
بیش میرند و حق حرکت دانا در حال انقباض و انبساط است
این چرخ عظیم آفرینش تنها بر این پایه است و منور است

تدائش کنکر

در سیر دوار انگیز
 و کبر دوار روشن خلقت
 طریقه دایره دگر دایره
 و کبر دوار روشن خلقت
 طریقه دایره دگر دایره

بوجود آید و در سر تکامل خود را بیابان خواهند رساند . در این حشر که در کمال
حیات بود و در آن روزی از آن میسر شود
ضمین و شمس و ماه و غیره در دنیا دادند باز گشتنهای متوالی تا از انجا

و ملک دینی بوجدهت مزایک می شود . در این کتاب و بیش از

مقادیر ذرات عالم بوسیله شکر و خردآبی و دیوار سنت قلبا

شکانه و شعله‌فروزان متنی درون آمان افزوده شد

برای هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است

مستغرق بکشتی و مدراسر کائنات و مرمی اگر ان خلقت مرمی
را در مکر

و هیچ چیز معجزه‌گر "مترصف" آن که وضع نامی ^{عکس} کبر است

محقق می سازد و این ابهام ناشی از غفلت از باب اول قس است

استاد ما را در این شایسته ترین آفرینش کتبیه - سترگس - حد - نهج - ۱۸

از یاد و ذکر و مایه حقیقت را در نهادان بر او نشاند

بادر حشیش و آن شکر سردی و در دانی خام شده ۵

موا آرمید، بهمان آب و سینه در میاب شکافه شود و امراء

کتابی در آموزش کتابی که موسی سومرد جان نقره‌نخ‌خام ۱۳۱۰

سہ ماہی شکر دار

۱۔ قرآن مجید

ان

مخبرانی میگوید که درون تر است. ~~بسیار~~ به دو سه صبح

سید محمد رفیع شاگمان و صاحبان بیانیش

۲- آئینی سند - (مقدمه) - ضابطه مدیریت اداری و مالی و نظامی و تربیتی و اجتماعی

الف - ریب ودا «د سکر»

ب ۹۹۱ «د شکر»
 حذایات احمد ادما آفریده، سیکر آمان برونه، معبود

محصول اندیشه آنالست، تنها آنگاه کام که بار بار صفت - فکر

ملک - استغراق شخصیت خود را بپیرایش هم پرآی

از سیر و دیگر در دونهان در حشاش مگر در

۱-۲-۳

آگهی که تصور کنه مادر میت خدارا بشناسه با و حرف

پ۔ ۱۲۲ - ۱۲۳

سید مرد خردمند بطرف دعد است ^{چشم} دوشه چون دوانه

ہم چیز در و جہدش ہفتہ است

ت- او یا بنیاد

برسد و با صفت بابیه از وجود خود در غایتش نمود زیرا
جز در کل منحرفه

ث- کتاب منو

کسی که ترانسه در وجود خود روح مطلق را

بشمارد با برهائی که خواسته

س- حکیم یا یان جلی (برگ)

نزدیک به چیز خداست

ج- بودا

رهر و انگلیسی که از بسیار شدن یکی گردد و با بنیادی درون

خدا را ستایش نماید

ه- مهابهرا (جنیزم)

هر فرد بابیه از وجود خود استمداد کند زیرا نادانست

جز در کرمیک است از کل مطلق

۶- بیسی مسیح

خود را از طعام خوردن محفوظ بدار تا آنکه طبعه خداوند
در او تر درختان گردد

۷- مولانا حلاله بن اومی

۸- نیوتن

زمان و مکان صفات ذات هستند و چون

نامشایی میباشند پس آن ذات نیز نامشایی است

۹- اسپینوزا

سیر تکامل جهان تابع قانون مکانی است که بهر دو

مربک و غیر متقابلش میسر شود و این اراده خداوند است

۱۰- موریس متریگ

لابنای سنی و گردش الکترودها نشانه از وجود خداست

۱۱- کل

جان خود دست رفته و جان او دست است

تامنون بقادر جرم ودم اطاعت نوترون مارا
وادار مکنه که بمشیت ایزدی بارینه بشیم

برای ایجاد جوی یک علسه اعتباری لازم است

که در سرمن قراین حاد و دگ و لغت نبرد

۱۴ - شیخ السخی لرووی
هان تا سر رشته خرد گم نلنی
در و تونی و راه ترک منزل تو
هش دار که راه خرد بخود گم نلنی

هان تا سر رشته خرد گم نلنی

خود را از برای یک دیکلم نلنی

در و تونی و راه ترک منزل تو

هش دار که راه خرد بخود گم نلنی

جهان آفرینش

۱ - قرآن مجید

الف - (ذاریات - ۴۷) عالم را به نزدی بنا کردم و آنرا
دست و دهم

ب - (انبیاء - ۱۰۴) روزی افلاک را چون طماری بهم
می پیچم و آنرا بحالت اول برگردانم

پ - (رحمن - ۳۳) از اطراف زمین دالم که فقط با
تسلط می تواند بیرون برده

ت - (لمه - ۴) خدایه افلاک را با نیروی رام کرد

ث - (دخان - ۹) در آسمان مفری از زبان آتش پیچ
و آید

۲ - (ابراهم - ۴۹) این جهان را به عالم دیگری تبیین میکنم

ج - (قیامت - ۷) چشم که منزه و مشو و خورشید و ماه بهم
جمع خواهند شد

ح - (ق - ۲۷) افلاک درش روز آفرینش نه

خ - (لهم - ۲۸) آفتاب و ماه در گردن تاملتی معنی دکت

تشیخ آن

د - (زوج - ۱۴) جان از صفت عالم تشکیل شده

ذ - (مصارف - ۴) مملکت و روح بجای فردی حرکت که مملکت

نیگاه هزار سال رده است

۴ - حضرت علی (ع)

ستارگان و مافوق زمین دارای نزدی جاذب و دامنه و باشته

۵ - امام محمد باقر (ع)

خداوند در جزو اولی عالم ~~موجود~~ (نیمایی موجود دارد

که اجرام مصادیق بقایای آن هست

۶ - آن صند

این - ریل و د

۱ - عالم وجود لا یتناهی است و ذرات آن طه دائمی

تغییر باشد مشکل گرفته

۲ - در فضای لا یتناهی افلاک ~~موجود~~ و صحن

حرکت آنرا به طیش و ضربان نواز

۳ - ستارگان خداوند بجای آن که اعداد را دوست بخشد

ب - او یا بنیاد

جان پوسته در حال انقباض و انبساط است و طی هزاران سال

و سرعت کم کرد و سپس منقبض گردد

۵ - ملاحظه را شریانی

این - هر هر عالم دائماً در حال حرکت و تغییر است و یک دانه

مستمر سال و باشت و امتداد زمانی حوادث را در یک رشته

طرح قرار داد

ب - وجود عالم متغیر متجدد و سیال است

پ - عالم حادث بر او هر لحظه تکرار و انقضای بی پناه

ت - زمان متدار حرکت جبراجام است

ث - روح مکرر باین حادث و مجده آن مجرد و مانع

۶ - اشتبهن

اصل عالم حرکت است و از تنوع حرکت اجسام مختلف

برچیده و آینه امتداد زمان بر امتداد مکان قرار دارد و حجم عالم

از چهار به تشکیل شده: طول - عرض - ارتفاع - زمان

عالم صغیر

۱- قرآن مجید

(نمل - ۹۰) کوهها مانند ابر در حرکت هستند

۲- کریم و دانا

ارتیست و ابستیا ، به نهایت علیا و لایتناهی سفلی از وجود
او در بخش آغاز کردن و بهمانند دایره ای محدود ابتدا و انتهای ندارند

۳- حاکم اصناف

دل هر ذره را که بشکافی

آفتابیش در صاف بینی

۴- مولوی

کنگر رفتن از باطل سوی حق

بجز دانه به بیرون کل مخلوق

مکمل و اتم

۱۵

۱- کوپلر بن ذره هر جسم که خاصیت اصلی و اولیه آن جسم
داشته باشد مکمل می باشد

۲- سازمان دهنده هر مغز اتم است

ساختار اتم :

۱- ذرات پروتون و آنتی پروتون از هسته مرکزی

۲- ذرات نوترون و آنتی نوترون

۳- الکترون و پوزیترون که به دور هسته مرکزی می چرخند

۴- ذرات فزوتون

۵- یک گرم جرم از سه میلیارد تریلیون اتم تشکیل شده

۶- جرم یک الکترون 9.1×10^{-31} کیلوگرم است
جرم پروتون 1.67×10^{-27} کیلوگرم است

۷- جرم پروتون 1.67×10^{-27} کیلوگرم است

۸- سرب سبکترین 288 برابر کوبورت سرب ثابته است

۹- مسامات هسته ای 10^{-12} متر در ثابته است

تألیف

۱- نسبت اتمی - قطر بستار

۱۱- قطر اتمی 10^{-9} متر است

۱۲- شعاع اتم 10^{-8} متر است

۱۳- شعاع بستار 10^{-10} متر است

۱۴- در جدول ترکیب جدول یک گرم کربن و اکسیژن ۹۲ کالری

و در جدول تمام شدن اتمی ۱۴ پیچیدگی کالری دارد ترکیب شود

عالم به هم ایستاده

۱- قرآن مجید

الف - (فصلت - ۱۰) حادثه تأخرینش کرات سعادتی بود
که نصرت دودی بود و با بزرگی آنرا مذهب بیکدیگر بود

حالت متعادل آغاز بخش نوزاد
ب - (حدید - ۴) پیروزگار عالم را در پیش رو آفرید
۲- دریب و در

الف - در معنای وسیع دلاوتیابی افلاک هم فخره شده و انفرادی

بر قریب پس و زندگی درون آن آغاز شد و اجماع دوباره هم
فخره همراه شد و پس از آن زندگی نوزاد شروع کرد

ب - چرخ دوازده پیر و دیگر چه خورشید و اجرام اعطال شده
آنها بر گردن مکرر شده

پ - معاذ ذره است محو شده در وجود او و علم حقیقانه
جزئی از فضا باشد

دانشی از اجرام سماوی

۱- اجرام در فضائی قرار دارند که بی آغاز و بی پایان است

۲- تا زون عبادت عمری بر تمام اجرام سماوی حکومت کند و مقدار آن

برابر است با حاصل ضرب دو جرم تقسیم بر فاصله آن دو جرم از یکدیگر

۳- اجرام سماوی که در مرکز قرار دارند و به مرکزیت در حوزة ما

کمپ میبارد سال نوری است و در فطر فضائی اجرام سماوی را

در منطقه عالم ما تا ۲۰ میبارد سال نوری تخمین زده اند

۴- میبویا جرم در فضا شناورند که هر یک تنهایی در مجرود خود

منقبض و منبسط میشوند و هر قدر مجرود بزرگتر باشد دور از زبان

آن طرفی تر است

۵- هر میبارد که در فضای بین ابرام ارم میگیرد جرم پیرشته

۶- استعد کیهانی از افق ترا خضرات که حدود سال یکبار در اثر

انقباض حادث میگردد ایجاد میشود

۷- از توافقی که با سماهی که ایجاد میگردد و فضا را پدید میآورد

سماهی است

۸- کهن است میبارد که از این جرم که یکشماره که تا تلسکوپی موجود
دید میسر شده از فضا مجرود داشته باشد

۹- بعد از سیست تمام عالمی که ما آنرا مشاهده میکنیم ذرات عالم

دکتری میباشند و همین عالم در فضا گنجه بزرگ قرار داشته باشد و در

عالم بیشتر در فضا دو عالم (کبیر - صغیر) از آنرا کشف نمود

وجود حیلست در عالم کبیر

۱- قرآن مجید

الف - (ماتر - ۱) ستایش پروردگار که موجود است

عالم کار را آفرید

۲- مبدع حضرت

ستارگان آسمان مرکز زمین مانند نخلهای زمین مانده

۳- سرشیل نی

(فصل ۲۲-۲) سفینه ای از آسمان بر زمین آمده از پیش آفتاب

دود متفصله بر سرش و از دماش آتش سوزان می جوشد و تاریکی

خلیجی زیر پا کایش برود و در ایجاد می کرد

۴- ابر سبانی

(فصل ۴۱-۸) سفینه ای از آسمان بر زمین آمده از وسط آتش

نزد ساحل بر سرش و از دماش شده که از پیش آفتاب دود متفصله

مگر در و اگر شمشیر و فلافن به آن انداخته همیشه کارگر می د

۵- حریق بال نی

الف - (فصل ۱-۲) نیروی سفینه آسمانی در چرخهای آتشین

بر که برسد آن از زمین به آسمان رست

ب - (فصل ۱-۴) مادی غلیم در گرمی و ابر در یاد و آتش

چند ماهه - اگر دیده و سفینه آسمانی مانند دانه بر نمی در میان شده که

پیر به ارشد

پ - (فصل ۱۰-۱۵) آت سفاین آسمانی چرخ داشت

و در اطراف چرخا شده از زیادی روزی صورت چشم وجود

داشت چرخا چار هر بود و با آن سفاین کرو بیان -

آسمان صعود کرده

د - کتاب دوم پادشاهی

الف (فصل ۳-۱۱) ایلای نی با سفینه ای که نیروی

آتشین داشت در میان گرد و غبار آسمان صعود می د

ب - (فصل ۶-۱۷) در اطراف ایشع سفاین غلزی

و آتشین آسمانی فرود آمده و مردمی ایستاده اند و بپناش

نظرات در باره حرکت و معنی اقطار
درست
درست
درست
درست

۱	خواجه	۵۹۶	۱۳۹۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰
۲	طاهر	۵۸۱۰۵	۴۸۵۲	۴۷۸	
۳	زهره	۱۰۸۱۰۵	۱۲۴۰۰	۴۵	
۴	زهره	۱۵۰۱۰۵	۲۴۰۵۴	۲۹۷۵	۳۵۵
۵	مرخ	۲۸۸۱۰۵	۲۴۰۵۷	۵۷۸	۲۴
۶	سیاره	-	-	-	-
۷	سرس	۴۱۴۱۰۵	-	-	-
۸	مشتری	۷۷۹۱۰۵	۹۰۵۸	۱۴۳۰۰	۱۴
۹	زحل	۱۴۲۷۱۰۵	۱۷۱۴	۱۲۰۰۰	۹۰۵
۱۰	اورانوس	۲۸۷۲۱۰۵	۱۷۱۴	۴۷۴۰۰	۵۷۸
۱۱	نیوتن	۴۵۰۱۰۵	۱۵۰۴۸	۴۴۵۰۰	۴۱۵
۱۲	پلوتون	۵۹۱۵۲۱۰۵	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۷۷

.....

تکلیف حیات در روی کره زمین

۱- میزان شیب زمین
(مورد - ۸) منای آفرینش از آب بود

۲- رنگ و دما

الف - رنگی در آب به صورت پس از آب بجنگلی خزه
در پی ریا باطن باغضل گردید پس به صورت کره پست و برهه ظاهر گردید
ب - در فضای وسیع و پستایی افدک می حرکت طیش
و ضربان نمود درین باره ویر و رگبار در گردنی مستر شد
پس به حیات ~~تکامل~~ درون آن همه گردید
ب - درون جرم دوازده سیره اشغال گردید و سزم رود آب
زنگی ~~در~~ نقطه کرد و حیات به محب که با قالب متالی
شناخته می شود در مکانی از فضا جادو شده است

چگونگی پیدا ایش زندگی

۱- پس از تشکیل وکلای زین و گردش آن دور خرابه حکام یک
میبارد سال سلط آن برار زینت آماد شد

۴- در اثر عقل و انفعال اسباب سببائی و منزهه‌های شخصی و مقادیر اعیان در برابر آنها و در بامنت استعدادات بخش (ایران) شخصیت درون ذرات نفیسم گرفته

م. زیت اولیہ ~~در ذرات~~ و پس در کربنات اولیہ

در سلبی تکامل خود را دنبال نمود و بصورت سلولای گیاهی و جانوری نمود کرد
م - آدامیش میلر + کسیرل + فرادینج

اسے۔ از ترکیب ^{میرا اسرار} حشر و ذن - آب - اویات

و میردادن ده هزار و ست جرق اسیر اعیان ساف

ب۔ از ترکیب کریم - هیدروژن - اذیت و اکسید

پروٹسٹین بومبارڈر

پ۔ احکام از پرستین واسیہ امبا وکرونی

سیدہ امجدہ بی بی محمد داؤد

۵ - از ترکیب پنبه رزن - کریم ...
۶ - پنبه رزنی ...

5 - جیہ اکر برہما مادہ پر و شریا مسم اولیہ را اترتہ ہند

۷- روز نوکله میزدتبه کا مشبه و سردها بود آمدنه

۸- و سیرده سال اول سیرده ای سیرده ای آب رنگ بوند و با کرم من بار الکتریکی

سلو ۷ / ایچ ال دایم جی ڈاؤنڈ

۹۔ سدا اولی میں از کلتیر کمرہیں۔ کف دیباچہ پنہ و ادنی

سکیمات را میجوید آرد از دگر دی در آب شستار شده و با نرزان

اسی لئے ماہرین کا کہنا

۱۰- سدا/اجتهالی باذخیره مراد کتبشتر کردند و سجد است

پیر یافتہ اس را کہ لہر مژدہ

۱۱ - در دور سلورین از سومات است سر بافتن سوزن و سوزن

ایجا دشنه و ادنی اعداد (دز مسیان برجه دامنه حه

جانم از دست داده در پناه تو پناه می‌دهم

ایک دکنی

۱۲۔ اردو زبان و ادب میں سیرنگان و خزانگان و پس

از خجسته گمان چنانکه آید این بود که

دلائل تغییرات احوال

۱- تشریح مقایسه ای : که در حق بین جانوران عالم بیان است
و کامل تدریجی آنها را آشکار می سازد

۲- دیرین شناسی : بررسی قبیلها و دورانها که نشانه تغییرات
انواع و نیز متاسیرون (جوش) را نشان می دهد

۳- جنین شناسی : مقایسه جنین باکر جانوران
از ابتدا سر تشکیل تخم (ادول) و (اسپرما توزوئید) تا
ایجاد جنین کامل حامله که سر تکامل را به صورت کوتاه
نشان می دهد

دورانهای زمین شناسی

۱- قرآن مجید

(فصلت - ۹) خداوند مبدء است زمین را در طول

چهارمه است آخر

۲- تورات (سفر پیدایش)

(مض ۱ - ۲) مه است چهارم گیاهان و جانوران آخر به پیش

الف - دوران نخستین

۱- دوران پیش از آدم اول

طول مه است آن ۲ میبارد سال در رسوبات آب

آثار آتش فشان دیده می شود و مورد گرافیت دال

بر موجودیت گیاه در آن دوره بوده است

۲- دوران نخستین

در این دوره اسفنجی - مرجانی - جلبک - بنده پامان

و کرم ها به وجود آمده

الف - آرکئن (۸۰۰ میلیون سال)

ب - آلکونین (۸۰۰ میلیون سال)

محل زمان آن ۲۵۰ میلون سال در سربات آن
په کپوتر در این دوران سری لومیت کا - ماهی مکر زرد دار
دیز در اداج دوران دوز پستیا و خزنگان په پر رشت
وار گیان سر حسن کا و پیچ کر گیان بر م د آینه
دوره کل دوران اول

۱- کامبرین

هوا آگ گرم و د زمین مکر آن سری لومیت کا
گرا پتولیت کا (۷۰ میلون سال)

۲- دینین

هوا آگ گرم و خشک و منس مکر آن
براکتوپر دم - ماهی مکر زرد دار - نخستین دوز پستیا
(۴۰ میلون سال)

نخستین خزنگان په پر رشت

مب - دوران دوم

منین مکر مستحق آن آسونیت کا - بلنیت کا
خزنگان و پرنه گان دغه دوز باز دنگان په پر رشت
دوره مکر دوران دوم

۱- تریاس
منین مکر مستحق آن خزنگان اولیه (۲۵ میلون سال)
۲- ژوراسیک

خزنگان مکر دینه و آسونیت کا و بلنیت کا
په پر رشت (۲۵ میلون سال)
۳- کرتاسه

غان دنگان همد پر رشت (۲۰ میلون سال)

ت - دوران سوم

۱- پالئوژن از منین مکر مستحق آن لومیت کا
بے سراو - کلم پامان - نخستین پستانداران جفت دار
و فامبرین

ب۔ ایک کلوگرام (۱۰۰۰ گرام)

اسے - میسن (۱۴ ملین سال)

در آن سه روز است

ث۔ دریاں پیرام

طہران کی ایک میٹروپولیٹن دوسری دنیا کی ہزار سال

در این دوران اجساد آدمها اولیای ظهور خوانند

دوره ۱ / دور اول چارچ

۱۔ بیسٹرن (ایک میٹروں)

۳- علوش (۲۵۰ هزار سال)

د کونړ ښار

[illegible]

سیرت کامل آدم

۱- پیشگامتر مپ

الف - هومپیدا (۱۴ بیرون سال)

ب - هومویلیر (آدم نام) که دارای مده کوتاه و پیشانی

مکتب رسته با چهره کوچک و فیه زان برده (۲ بیرون سال)

پ - زنجیان تروپرس با حجم ستر ۳۰ - ۳۵ سانتیمتر مکتب
(یک بیرون سال)

ت - ا ف ن جاوه (ادرتر ادرنگ) با حجم ستر

۹۰۰ - ۹۲۰ سانتیمتر مکتب (۴۰۰ هزار سال)

ث - که بول برگ (۵۰۰ هزار سال)

ج - نشانه رتال با حجم ستر ۱۲۰۰ - ۱۴۰۰ سانتیمتر مکتب

که در دوره پنج بنده ان ستر بسته

د - هوموسایفیس در آفرین دور پنجده ان

زنگی مکرده

ه - کرد مانیر دارا ستر ۱۵۹۰ سانتیمتر مکتب

فهرست

آرام‌بخش

د- گریه‌های دلداری پسین آردار. هر بسته (۲۰ هزار سال)

۷- شامتلار (۱۰ هزار سال)

مشخصاتی از آخرین تکامل آدم

۱- سزا نشان کنون دلداری ۱۴ پیارد سلور و سبب فوس

بدون عصبانیت و قوس ابروی

۲- طرز انقباض ۴۸ کیلومتر

۳- رتبه ادیکولار سفید و قرمز ۲۵ سر پیچون

۴- چانه دلداری هر جگه

۵- پسین دلداری هر آگهی

سیر قضا میں ارواح

۱۔ قرآن مجید

است - مانه آفرینش اول شماره ۱ بهرین بازی گردانم و

هز در دهن شفا سپر

(آمارت مرید)

(اسرا - ۵۲) - (مرد - ۹) - (صاف - ۱۵) (صاف - ۵۲)

(دنام-۲۹) - (انام-۹۱) - (ق-۳) - (ق-۱۵) -

(جائزہ - ۲۵) - (اعصاب - ۵) - (اعصاب - ۱۵)

(رخاں - ۱۴) - (وامتہ - ۴۷) - (مجاہد - ۷) - (میں - ۲۱)

(مریم - ۱۰) - (مریم - ۵۷) - (مطہین - ۴) - (مریم - ۱۸)

(تاریخات - ۱)

ب۔ سن ابراہیم، شہ پہ واپس مردہ و مہو آہنی باز است

کنز الدین و صبیح فرید سرد و مسرور ادب گردان، دستیار

آیات مربوط

(سج-۱۵) - (م-۱۵) - (م-۳۴) - (ع-۲۵)

(ط - ۵۷) - (دوم - ۳۹) - (پرسن - ۳۱) - (ج - ۹۵)

(خج-۴۸)

در بیان احوال و کیفیات

ب - در زمین سیر کند و انعام نماید شغلش را که گنگار بود

و بارگشت نموده بپسند

(آرامت هر روز)

(سوسن - ۲۲) - (سوسن - ۵) - (۸۲ - ۸) - (۸ - ۲۰) - (۴۱ - ۴۱)
(آرامت - ۱۴۱) - (۸ - ۸) - (۸ - ۱۹) - (۱۹ - ۱۱) - (۱۱ - ۱۱)
(۶۲ - ۴۲) - (۴۲ - ۱۱)

ت - پس از آنکه شمارا بصورت دیگر که از آن بهر چه بازگشت

مردم

آیات هر سه ط

(سب - ۷) - (سوسن - ۷۸) - (سوسن - ۱۴) - (سوسن - ۹)
(وامت - ۱۵) - (دعای - ۳۴) - (دعای - ۵)

۳ - ریک و د

الف - ای بشر روح تو بار دیگر بر این دانی - عیادت -

اخته نبرد بر جسمی بازتاب میگرداند تا بتوانی بیرون خواهی شد

خود را کنی گردان این بهمن روحی است که از آتش دریا

به آتش گیسو و قتل بلبل پرواز نمزد

ب - روح جو در حالت خاص که با هر چه وحدت تمام حاصل
مکنه یک سلسله تجزیه و جدات را طر و ناهیه تا در یک
مرحله بعقل آید و خود را به بیرون نماند

پ - ای روح ای شخصیت برتر من تو را در این دین و بهمن
از ریاضت نفع گزینی و با ریاضت در کفرم بر ابرام
می در فتنه و گنگی در این افلاک بپردازد و بر ابرام می در مسیحا
۳ - بودا

دنیای تاریکی خارج شد عوامل بدی هر نوع باقی را تشکیل
دادند و سپس جانوران و انسان پیدا شدند با این
تکامل جسمانی روح نیز با نمودن مکرر تکامل یافت
۴ - اوپانیشاد

هر کس می تواند با ترکیب نفس و دوری از هر سه از
فردیت رهایی یابد و به روح مطلق پیوندد

۵ - تورات (سفر فردی)

۵ - تورات (سفر فردی)
(مصلح - ۴) از این شد آتش میسر و از آن کلام روح شنید
صیغه

دست (مضم ۴-۱) به بنای دیگر و در پس از آن در بنی بازگشت
مکتوب

ب- (۱۴-۱۴) اگر بهر در قالب دیگر بنی برگردم

(مضم ۴-۷) بتجرب منبذ که تقم پس از آن بنی بازگشت
مکتوب

اسیریتیم

۱- از هر صفت نزدیک ناسه نزدادی قرائی صدمم منبذ و باشد

۲- این اشعار که غالباً در نام باشد صدمم (واسطه) و باشد

۳- ادواح صدمم منبذ را از آنان افتد و پس از ساختی قالب شالی

(پیرسیر) سر اسر یا مستاد اسر میگردد

۴- پیرسیری را در آن بودید معلول کلرال صدمم در یک

ضرف ملو می باشد

۵- رتبه ای ترین صدمم اعظم روح میرسد پای با صدمم چ غنای

۶- حاضر شدن روح به صدمم صدمم؟ بپزد و با صدمم میر از بنی مستحق میگردد

۷- روح زنی و مرد را با یکدیگر تفاوتی ندارند

۸- هر چه تکامل روح کند باشد زودتر میمیرد

۹- که مکتوب می کند در دنیا با مادی تا شرمستقیم در تکامل روح دارد

۱۰- روح که از لوث مادی ^{تقلید} جدا شود در جهان مرد تکامل باقی ماند

تا بعد از آنجا که برسد در مرتبه کشتی و او کشتی مادی آنرا بگذرد و تکامل یابد

و با روح احسانت غلبه دارد و بهر چه در دنیا بود و میبود

تا به آنجا که مبارزه کند و بهر چه در دنیا بود و میبود و بهر چه در دنیا بود و میبود

و کما حق با حق میماند تا به آنجا که کمالی طایفه تعلیم از یکدیگر

۱۱- اگر ارواح در اهل بیت باشد بعد از نقل مادی در مابین عالمی میماند و تا به آنجا که از آنجا

آینه بر او در آنست پس بعد از آنکه از عالم مادی جدا شود و بهر چه در دنیا بود و میبود و بهر چه در دنیا بود و میبود

۱- برسد خراب معنای می شود روح را از کماله خارج نمود
و در آن حالت روح برسد بر سیری (کماله شالی) باین

در کتاب دارد

۲- به پیش روح روح را سوخته در خواب است و مشاهد می کند

۳- بار ملاکس کامل می شود روح را از بدن جدا نمود

۴- روح به جنسیت با هم که انجام داد و تکامل یافته در دگر بدن
در هر دو قالبی است و بگویند

۵- هر که مراده در راه عمل هر و انگیزه که از خود متادست و دانش

توان به و خود را با آن تربیه نماید روح به تکامل می رسد و اگر در
و اگر این عمل با تکرار و قدرت اراده انجام گیرد اثر آن بسیار زیاد است

خوابهای مانیه تیسیم

۱- خوابهای سبک

الف- سوختن کتیف : اراده مهرن سلب میشود
و من در کاملاً نادانست و احساساتش بنابر خواه تغییر
میکند و حیثیتش بازا است

ب- کاتالپسی : چشم مالر سوخته سبته میشود
و انصر به او به دو حرکت میگردند و با تلقین خشک میشود
و در بین حالت مورتان مهرن را جراحی کرد

۲- خوابهای سنگین

الف- سنا مهرن : مهرن مورتان صدامان در دریا میشوند
و هر دست آینه را در کف کند این خواب دارای منش مده

است که در مده بنوع آن سوخته روشن بین میگردند

ب- تبارژی : هر مهرن از مهرن که مختصر فزاری

به هم خفک میشود تنفس و مورتان قلب مرتب

است و مده مشیچ برگ سوزده دست مده

۳۰ - خرابای منق کنتلین

است - خروج دو شعاع نورانی از چشم که در فواصل
بزرگهای زرد و آبی از پشت سر سرشته

ب- تشکیل قالب مثالی از هم پرستی دو شعاع
منق الزکر

ترشح

۱- از روی که با قالب مثالی باشد نورانی برسد صواب

حس منیزیم یکس گروست

امواج اود

۱- آرایش ریختن باغ و پیرل

دستگاه ابراز عمل دی سیانین و انکل در

نزدیک به شخص بدون لباس بزرگم خروج امواج (اود)

در مشاهد اخلاص کرد

۲- آرایش دیگر گرامر

برسد بپاس متالکسی و از دیاد امواج اود وزن

به ن سرشته را می توان کم نمود که اود را از عمل به کل دیگر متقل کرد
آنها از بین سروده خارج و سروده سروده - نرم - مزاج است

۱- قرآن مجید

است - انسان را در سیرین و منق آفرینم اگر ایمان نباشد
نور سحر و دما؟ او را بازگشت و دهم

(آیات مربوط)

(تین - ۵) - (ج - ۵) - (نمل - ۷۵)

ب- پیش از آمدن مشاء مسخ کنیم به آنچه در آن کلام ایمان پیدا کردیم
(الف و - ۵) - (یس - ۵۷)

ب- خدا بر آمان - خشم کرد و او را در پناه خود نمود
(آیات مربوط)

(۵۰ - ۵۵) - (اعراف - ۱۵۵) - (زمر - ۵۱)
(تحریم - ۵)

مکتب لکھنؤ

«خود آئی»

آئین هندو

۱- اصلت مکتب هندو که معتقد است قاره آتلانتیک

در هندو

۱۲ هزار سال قبل از میلاد مسیح ذکر کرده اند

۲- کت ودا که در (۵۰۰۰-۶۰۰۰ ق م) توسط کوشا وای یا پانا

و فرزندش یاداسرا گرد آورده شد اینجمله کلام هندو

۳- کت آئین هندو :

- ۱- ریک ودا (سرود)
- ۲- سامودا (آفتاب)
- ۳- یاجور ودا (قنای و غیره)
- ۴- آتمار ودا (تسمیه است)
- ۵- اوپانیشاد (تفسیر ریک ودا)

الکر

مکتب لکھنؤ

آئین هندو

۱- کت ودا

آئین هندو

۲- کت ودا

۳- کت ودا

۴- کت ودا

۵- کت ودا

۶- کت ودا

مکتب لکھنؤ

۱- کت ودا

تعالیم اوپانیشاد

تعالیم اوپانیشاد

- ۱- آهنگام که روح انسانی واقع میگردد و اتحاد خود با روح جهان گشت و آتما، با برهمن، یکی شده جذب روحی ایجاد میگردد که عقل از وصف آن بیرون است
- ۲- انسان عالم صغیر است یعنی سازمانی واحد در گرد، بزرگتر که کل عالم را در هر حلقه کوچک می نمایند
- ۳- ای بشر تو شد مشتعل روح مطلق هستی مانت آتش که بر خیز و بود و بماند است و منی به جهان در می گردد به تناسب چیزهای که میسوزاند شکل هر مختلف میگردد و همه در روح تو نیز به تناسب مردمی که در آنها حلول آتشی تغییر می یابد اما خود شکل ندارد
- ۴- کسی که همه چیز را در وجود خود و خود را در همه چیز می بیند هیچ چیز را در نظرش نیوان نمی ماند
- ۵- خالق، مخلوق یکی است و تمام اشیاء و جمیع صور را یکی میکنند هستند و هر شکل زمانی صورت دیگری داشته

۵- آنگاه مستر آفرین قطرات آب آسمانی بسیار بود.
و با مانند برق که در آسمان می‌جست و آب کلمه آب از ریش رانده
پایان آتش مرستی انطباق می‌یافت و در آسمان در پیش دارد

۷- سرانجام در یکی از دور، که (کافا) اوداع معیوس مجزا
از جسم مرده و آن دور، (پارالایا) است و پس از یک

دور، سکون مبداء دستگا، آفرینش عالم بجنبش می‌آید و دوره
جبهه (کافای نو) ایجاد می‌گردد

۸- اندک در چرخ دوار و مراتب حیات (سامارا) هر چیز
پسندیده و هر کار مطلوب را که انجام دهد اثر و انفعال در
روح او ایجاد می‌کند که چون بار دیگر می‌گردد و در آن باره آن
اثرات الزاماً باید تعلق می‌گیرد

۹- هر چه هر چه در سر من حواس رخسار می‌کند و آنجا که
خارج می‌شود و می‌شود و در آوازها و در آوازها

۱۰- از نایابی که دست بکشد و در آوازها و در آوازها
سر باز زنده و دودعه فقط آب خالص می‌شود در آن
و دست ذهن بر حسی سکوت و آوازها و در آوازها
اقتباس عظیم روح را احساس می‌کند

۱۱- آنگاه آوازها در بار بافت می‌جست و هرگز باین بیان
هرگز می‌گردد

۱۲- من تقیر را می‌جست و در آوازها و در آوازها
و هر چه در آوازها و در آوازها

۱۳- ای انسان طبعه مشغور باطن را با چشم دل
و درون بینی مشغور کن همه چیز را می‌بینی

۱۴- در خشت برها در آوازها و در آوازها
و در آوازها و در آوازها

۱۵- شخصی خردمند بارهاست که در آوازها و در آوازها
و در آوازها و در آوازها
و در آوازها و در آوازها
و در آوازها و در آوازها

تعالیمی از باب و مت لیتا

۳۷

- ۱- یارسانی که باطن خردالین دارد از آنچه ظاهر است بگذرد و از ششها متاثر نمی گردد چشم - ترس - کلاه - محنت را میر و جامه اسکنه به دور میبرد
- ۲- خراسان که در ابتدا مانده شد آتش صغیر است و اگر آتش را شده آن شده بلند می شود و جان را میسوزاند
- ۳- زاهد کسی است که کار دنیا را از خردی دور می دارد و با غیر امن آنرا انجام داده و با بیجهل میست

۴- جنیزم

- الف - پیشوای جنیزم نام مهادر (مردم تک) و نام امیر (جناتی یوسترا و اردکان) بود که در سال (۵۹۹ - ۱۳) در قبه و شام در ریاست بار در قبه بیست شاد سرگشته و پیران را در لایم جنای (پروزم) خواند
- ب - مهادر تمام شردت خود را در اثر عداوتی بهر (سید کارتا) و مادرش (مراشا لا) پیروزان مجتهد و خود به آئین هند گردید

پ - در سال ریاضت کتب در سال تیز دهم هفتم و دهم
 در دین و تاسیسات در فقه از کنگره در سال دهم و یکم و یکم
 در دین و تاسیسات در فقه از کنگره در سال دهم و یکم و یکم
 در دین و تاسیسات در فقه از کنگره در سال دهم و یکم و یکم

ت - مادر و در سال (۵۳۷ - ۱۲۳) و ناس نامست
 ت - کتاب خیرم نام آلا ماسد

تعالیم خیرم

۱ - ماده درسی مرتب غلبه و وقت است و از لطیفترین
 مردم و فلاح از دین حراس انسانی تا حالات ثقل
 تغییر مرتبه مردم و دین و جایگاه است و حراس و
 ادراکات ما نیز صورتی از استحکال ماده مبادی

ب - لطیفترین حالت ماده روح (کارها) مبادی و هر وقت
 روح در مرتبه انسانی قرار گیرد مظهر از ماده غلبه در آن نمود
 ممکن و بالعکس در مراتب وقت به عالم ایدل سرخشاگرد
 ب - نبات روح بدون ریاضت مستقیم است

ت - جان ازلی و ابدیت زمان غریبه از دین است
 و دور بازن از دین طالع صعود و نزول را می گویند
 ت - روحی که از لوث ماده غلبه خارج می شود به مراتب
 ج - که ملک نه گنیز است و به یک دارای ملی است
 که به نظر نه دارد

درج اول خیرم

- ۱ - مانی گون (مردم)
- ۲ - سوزنی گون (دانش)
- ۳ - مانی پانچا (دین)
- ۴ - مانی پانچا (دین)
- ۵ - والا گون (شماره)

۵- بردائی :

۴۹

الف- نام بردا (مؤرخه بر علم) سید داتا و فاضل گوتاما برد
ب- در سال (۵۴۵-ق ۱) در کعبه معین بنابر منواله شد
ج- بهر بردا بنام مؤرخه دانا بهر مرقم کمال لادست از قبیل کاشا
مکتوبه کرد

د- بردا در سال (۵۰۷-ق ۱) فقره در اثر کعبه
ه- ۷ سال در نزد مرقمین بزرگ ریاضت کعبه و در
اور بر والا (بردا گاما) در زیر یک درخت ایستاده به سزاوار
ث- بهر در سال (۴۸۴-ق ۱) در کعبه دانا در کعبه

تعالیم بودا

۴۰

۱- صفت اصل بودا

فریشتن داری - حقیقت جوی - قدرت - آرامش

شادی - تکرار قهای دمانی - ملو طبع

۲- دهر و بحال فریشتن شرف گوگرد و چون آسمان کلل

آزاد در دست صفا میاید و عبادتش بکانه میگرد

آتش که ادرا میسوزاند، خاموش نشود که در جبهه ای

لذات آب سرد و دلپذیر در دره امانه منهدم و آبی سراپا

سعادت و صفات

۳- دهر و یس از رگای از بهجوم احساسات و لذت

به سپهر با سپهری میرسد جانی است که هیچ چیز نیست

نه هستی - نه نیستی - نه حرکت - نه سکون - نه برگ

و نه عبادت

۴- آشفته گمان در دهر و دهر و سرگردانه و راه را از دست

و سرگ را در پیش دارند آنها نیابند و با پایینی رنج

سعادت و روشنی را از نیای بودا

الهی حقیقت

۵- از هرگاه دانای زانیه شود و هر کس مجاهد و دانش نیاورد
و باطنی از بیگانه پاک گردد و به سیر و باطنی و جادو

خداوند رسیده

۶- باطنی به مرکز و صفت ذین فردا به هر کس و نورانی
مردمان است و هر کس به سیر و نورانی و با هر کس
کتاب و به روح و جسم به سیر و نورانی و به

۷- هر چه در عالم وجود دارد در سیر و نورانی و به

مکرمی در عالم نیست

۸- و در وجود در نورانی و به سیر و نورانی و به

(من) را از او شد کرد به هر چه عالم میرد

۹- آنکه پای به پای در هر چه از صفت و نورانی

به سیر و نورانی - پستی - خردن - خشم - کثرت

دوری و به سیر و نورانی

۱۰- هر چه در سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

از عالم خاک دور گشته و ادب و زلاله است به سیر و نورانی

۱۱- در تلاش یافتن دورترین صفت و نورانی و به سیر و نورانی

در راهاتش آسا در آغاز سیر و نورانی و به سیر و نورانی

۱۲- تا به هر کس به سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

نقطه آرد در وجود و نورانی و به سیر و نورانی و به
به سیر و نورانی

۱۳- در وجود و نورانی و به سیر و نورانی و به

خاسته و نورانی

۱۴- آنکه در سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

و به سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

و به سیر و نورانی

۱۵- آنکه به سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

۱۶- به سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

۱۷- هر چه در سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

۱۸- راه هر چه در سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

۱۹- راه هر چه در سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

به سیر و نورانی و به سیر و نورانی و به

۲۰- بمن دنیا، سریر و از ~~پنج~~ بیست و یک ساله در دوران گذشت

آخرین گفتار بود
۱- چیزهای ترکیب یافته از جن سرده از اجزایان هر یک جنین یافته

نماند. سه ماه دیگر چنین یافته خواهد بود زیرا عمر بیابان

رسید. میردم تادر خدایا. عجم

۲- دنیا بعد از دنیا بیست و یک ساله با گذشت گذشت آخرین پاس

است. هر یک جنین یافته خواهد بود رسیده

۳- چیزهای ترکیب یافته هم اکنون دستم است از میان رفتن

به او و هوشتار در راهی جزو حقیقت که شش کینه

((و سبب بود آمد))

کتاب بود:

۱- تزیینات (در سبب دانش)

۲- دنیا با چشما (انداز)

۳- سوتایستاکا (بیدار و در)

۴- آیه که چشما (بکلاس قدر)

کتاب یوگا

۴۲

۱- این کتاب اصل و ریشه آیین هندو است ^{که در آیین هندو}

۲- کتاب یوگا در سال (۲۰۰- ق م) توسط حکیم پاتانجلی ^{که در آیین هندو}

کام در آمده ~~در آیین هندو~~

۳- یوگا معنای پرستی است و با آن نام یوگا سرور
(آزادی و پروردگار) نام دارد

پنج اصل پاتانجلی

۱- دوری از شهوت

۲- اجتناب از اشتیاق

۳- استقبال از ترک

۴- درناوی

۵- ششیت

لاکیم بستانه

دستورات یوگا :

- ۱- یاما : اقامت ارج آزار هر چه است (ش) - فریب - مکر - خشم
- دزدی - کثرت شرا - فریب - خواب - خردان -
- ۲- نیا یا : نطانت - خشم - ناز - مطامه - آراش
- ۳- آسانا : نشستن در یک حالت
- ۴- پیرانا یا : نظم نفس
- ۵- پراتیا هارا : ترک نفس
- ۶- دهرانا : تکرار قوا در دمانی
- ۷- دیپانا : اخذ نیرو
- ۸- تارکما : یقین حاصل کردن

مکملات ریاضت

۴۳

- ۱- راجا یوگا (دکتر ثابیت) : مضمون - قناعت - ثبات - مطامه
- ۲- بهانی یوگا (محمود زبیر)
- ۳- کارما یوگا (آزار هر چه بر سر و سرور هر دست)
- ۴- جاتا یوگا (محمود زبیر)
- ۵- مترا یوگا (تند بانی)
- ۶- لایا یوگا (بهاری انصاف پاداسپاتیک)
- ۷- حانا یوگا (دکتر ثابیت)
- ۸- سوترا یوگا (جبار دین روح انبیا)

تقسیمات سوترا یوگا

- ۱- سامادھی پاداس (اندیشه)
- ۲- سامادکا پاداس (مراقبت)
- ۳- ویب هرتی پاداس (ریاضت کامل)
- ۴- کپالیه پاداس (ارتباط با ذات مطلق)

گفتاری از یون (علم پاتان علی)

۱- عالم وجود از یک ماده و سه سافته شده که شکل آن بطور مداوم
تغییر میکند و مجموع سه سافته تغییر است که بنزد مادر ایجاد میکند
بهرار یکسان است و مقدار است ثابت

۲- توضیحات در باره هر یک از اشیاء باید در درون طبیعت
هند ایشان جبر شود و هیچک از مردم است یا
موجود دیگر خدای برادر شریع آنچه در عالم است باید در طبیعت
۳- آنچه با الهم خوانیم در دامن تکامل است دیگر
بیج الهم و کاشفان با عقل تصادف دارد

۴- اگر منتهی با آزمایش صغیف شود چه داناست چه نیست
۵- در جابری که بر این ادراک و تجربه کلی است که ظاهر
و پدید می آید و صفت با و نیز در درون عامی تواند
از یکدیگر جدا شوند و از نظر طریقی تا از ترکیب گردند و در هر
کمرش مغل و انفالات مستحق در درون صورت یک
ترکیب کلی تا از این را بخواند دیگر

سایگان و التفات

۵- در سماع اس با تکرار مکرر آن یکتا و تجسس قلب و مراس
خارش و آرام و سرگرم به (ص) و مستغرق در راه نشسته (ص)
ش به پیروی و در آموختن گفته

۷- تا سیم برگها قدس مشاء را به ناسبت مریضه و با
ریاضت مریضه به تدریج دست یابید

نمونه ای از تفاتی که در این کتاب آمده است

مکتب ریاضت

۴۵

«خود آتی» از هرگز نه فلسفه بحث، چه پردازی دست بکشید
و آئین عملی ریاضت را پیرو کردید تا قه رتبه های شرف
«خود آتی» در دودش درخشش یابد و برهمنی
حکیمانی نمود و روح خود را از قید و اسارت ماده
نجات دهبه ~~خود را~~ زیرا
«دو هفته گفت چوت نیم کردار نیست»

۱- از خوردن هرگز گوشت و روغن حیوانی برای همیشه پرهیز
نمائید و غذاهای پخته شده توسط آتش را حتی المقدور استفاده
نمائید

۲- از تمام انواع حیوانی بجز شیر پرهیز کنید آنهم شیر گاو و بکر
که سخته و ماریزی را اشتداد کنند که از علوفه محفوظ مانده
به نوبت شست و شسته کرده باشند و آنرا کائو کنترل کرد با شیشه
در ظرفهای شیر پرهیز مانده گاه میش خوردند و نماید

تندرستی

۴- از معرفت مشتقات سبز مانند مکره - سرسبز - خا - ~~و غیر~~
و نیز ~~و غیر~~ خردار که فقط در صورت انتظار از دانه نداشتن

از است سبزین استوار کیه

۵- تازی ترابیه در عصاره سبزیجات و میوهات میل نمایند
و دست کیه که در هر دانه مقدار یک نوع خرداک مصرف
کثیرا بر آب آلوده با یکدیگر سازگار نباشد و ش

آگاهی ندارد

۶- سوزاننده عصاره سبزیجات را بطور امرادی با عمل
و نیز میل کنند تا مطبوخ باشد

۷- غذای شایسته کما که خام باشد و طبع سرد و تر
و نیز میوه را در صورت پخته میل نکنند اگر چه انتظار
از خشک شدن آنها بایستد استوار کنند آنرا در آب مخلوط

حتی کینه و سپس با خرد آرد یا عصاره آنرا مصرف نمایند
آل که آب سبز که داخل آن ~~و غیر~~ و معرفت کنند

۸- عصاره سبزیجات را سوزاننده و سوزاننده است لیکن کزاح
افزاید

۹- از هر نوع میوه و یا سبزی که بوی نامطلوبی دهد و یا مایه
و رنگ از دست بدهد خردار کیه

۹- از معرفت سبزیجات و میوهات و دانه ها بوی خوب
و ترکت است - ماته نارنگی - گردو - پیاز - سره - پیازچه خرداری
نمایند

۱۰- بهر چه که درشت از دانه ها شناخته شود سبزی و دانه های
ماته فندق - بادام - لبناب را به دانه خردا اضافه کنند

۱۱- آب زبادی بنوشند و بیست دقیقه بگذارد چنانچه آب
میل بر نماند و ترکت داشته باشد ~~و غیر~~

حق المعده و از معرفت آب زبادی سرد و با زبادی گرم
خردار کیه و از دوا سبک به از دانه

دسته به هم نماند که میل شود هر چه سبک است بپزد
آب - میل کنند اگر آب چشیده و کوبیده شود
باشد بهتر است

۱۲- تنفس عمیق را در هوا مطبوخ خفیف صبح و آلوده نشوند
زیرا سبزیجات و میوهات را با این دست اضافه کرد و
تنفس را در هوا خفیف و با این دست اضافه کرد و

که در تنفس شب در زیر درخت کمالا خردار کینه را
گذازد که رنگ را از دست بدهد و مصلحت کم کند

(ثبت بعد)
در شد / تنفس متنی (تکلیف دست بر تنفس سر بطرف شمال منقلب و یا بطرف
(سینه چپ) منقبض و معقب
الف - حالت پاد ماسانا (Padmasana) :
این حالت در حالت سحر و جادو

بشینه سون فقرات کردن و سر را مستقیم (در یک خط)
نگه دارد و ~~پای راست~~ یا شده پای راست را در چپ و
کنایه پای چپ را در راست دستا در دراز باشد طوری که
انگشت شصت سبزه را گیرد چشم بسته و هیچ چیز ننگذرد
دل با انگشت سبزه دست راست بر سینه راست و با سر را در
پسینی چپ شش در کشیدن هوا به داخل ریه نماید بطوری که بتواند
کدام (Om) (Om) (Om) ۱۵ دقیقه تکرار کند و نامان سوراخ
پس هوا را خارج کند بطوری که در جوار این کلمه (۵) بار تکرار کند

در دس در تکرار نماید پس عمل را با سوراخ پس راست انجام دهم
ای فرق را ۱۵ تا ۲۰ مرتبه تکرار کند البته اگر ضربه مرشد به اوزنی
اول کمتر انجام دهم تا بعد در مادت کینه وقت کینه در
نفس تنفس بهیچ در ریه و سینه نشود و عمل مشابه
حق الله در کلمات سکتی باشد در وقت خدج هوا سعی کند هوا را باز دم

را که از سگاز آنها اشباع شده کماله از ریه خارج کند و تنفس را
از سبک به متوسط کشین ادا نماید و بتدریج به ثانیه
دخول و خروج هوا بیاورد

ب - دراز کشیده بطوری که سر بطرف شمال منقلب و پا بطرف
چپ منقلب باشد در حالت ریلکس و خلسه و چشم را
بسته بصورت فوق تنفس کند

پ - در همان حالت دراز کش دستا دایره وار بطرف بالا
سر برود و از هر دو سینه تنفس کرد و نفس را پس از
پسینی که خارج کرد

د - وقت کند که هر کلمه در تنفس با هر کلمه با هر
آزاد صورتی گیرد

ه - ۴ بار راست بخوابد و دست راست دایره وار کش
و تنفس کند

ج - به پهلوی چپ بخوابد دست چپ دایره وار بطرف سر و ک
کند و تنفس کند

۱۴ - از مصروف اندک مشروطه زیر خرد داری کنی :
 اکل - قند - گوشت - شکر سفید - چای - سرکه
 قند - دارچین - پیاز - سرکه - انواع کپورت ها -
 انواع مربعات - انواع کنسروها - غذاها که مانده -
 از اینها و نشت به هر گانه دار - انواع پودرها که هر یک -
 انواع ساس ها - سرخ شده در روغن - غذاها که در بسته -
 ژله ها - مواد پخته شده ترسها آتش - مواد بخرات معطر شده
 مصروف انواع صابون که در دست پیو که هر یک - کیک ها که روغن -
 آلو - خامه - سرشیر - پنیر - ماست - کره -
 سبزیجات کنسین - نارنگی - کدو - حب فرست
 انواع کدو - انواع قوت ها - انواع مصل ها -
 نان سفید - ماکارونی - اسپاگتی - کرم - شکلات
 شیرینی ها - تخم مرغ - مصروف انواع مواد پاک نشسته معنوی
 - خانها - و یا هر یک از اینها که در دست
 اعضاء و جوارح - باقی که بگذرد - با دما
 کدس -
 و یا هر یک از اینها که در دست اعضاء و جوارح

۱۵ - مکرر احوال را در وقت و شش و مزاج و نشانیها با هر وقت که در
 مزاج معاطیس باشد در اوقات سال سر و شست بدن
 معاطیس را در آب گرم و صفت سینه و کف پا با دکن
 دستا معاطیس و ابرو و ده در روغن زیتون و آب و سرکه
 قطب نامست معاطیس را معین و طرز بخوابد سر طرب
 شام معاطیس و یا طرب مزاج معاطیس باشد و در کد
 سست معاطیس مرتباً هر روز وقت یکبار تغییر مکن
 و یا به تقسیم کرد

۱۶ - از مصروف اندک مشروطه زیر خرد داری کنی :
 اکل - قند - گوشت - شکر سفید - چای - سرکه
 قند - دارچین - پیاز - سرکه - انواع کپورت ها -
 انواع مربعات - انواع کنسروها - غذاها که مانده -
 از اینها و نشت به هر گانه دار - انواع پودرها که هر یک -
 انواع ساس ها - سرخ شده در روغن - غذاها که در بسته -
 ژله ها - مواد پخته شده ترسها آتش - مواد بخرات معطر شده
 مصروف انواع صابون که در دست پیو که هر یک - کیک ها که روغن -
 آلو - خامه - سرشیر - پنیر - ماست - کره -
 سبزیجات کنسین - نارنگی - کدو - حب فرست
 انواع کدو - انواع قوت ها - انواع مصل ها -
 نان سفید - ماکارونی - اسپاگتی - کرم - شکلات
 شیرینی ها - تخم مرغ - مصروف انواع مواد پاک نشسته معنوی
 - خانها - و یا هر یک از اینها که در دست
 اعضاء و جوارح - باقی که بگذرد - با دما
 کدس -
 و یا هر یک از اینها که در دست اعضاء و جوارح

۱۵- تکرار کامل دمان در مدد حالات و سامات مفروضه

در حکام و کاس پرگما و بار تنفس عمیق و در ارضی و خوابیدن
و بار از خانه کعبه اوقات راکد بار داد. خود رنگی بکنند و بر باری کاملاً
از حکام منبر ارادی بر هر چیز و در باطرا داشته باشند از شروع
این اعمال را به وقت نه تنها بر فرد هر یک که تمام بود و اس عالم
حکفر مای شود و بنا بر این جابر نیست که عمل غیر ارادی انجام
دیده، بتواند اصحاب بار اسباب است تحت کنترل اصحاب سبک و در دیده

۱۶- کاملاً شاد باشد زیرا هر لحظه و هر سبکی که بکند و در

نیز قدرت نظم (خود آئی) منزه است و هر چه و عالم
تحت تسلط اراد. شاد در خواب آید و هیچ مسند لا ینحل
نیم از شاد باقی می ماند. هر چه و در خفته و برنگی را
شمار خود قرار بدیده مفروضه در حکام صبح در کمال قدرت
موترا نیز در آید. به طور جزو نگا کینه و با صراحت بدیده و بکنند
و بخود آید و آن دیده به همیشه کاملاً شاد - آرام
و پر دعبه و سرور و بانشه و دنیا بر ارشاد زیارت

۱۷- از هر گونه محاسبت - خود خوری - ترس - افسوس

افکار به محض خورش شاد بر آید از کینه و بد اندیشه کین
محاسبت و به لحاظ این ممکن است تمام نیز در شادمانی
هر که معصوم کند دایره محاسبت را از سرش که بر جهان مسلط
بر شود معنوی نخواهد داشت

۱۸- از کمال سر پرستی و در ب سبب و هر امان

خفته و حتی اگر کمال پیش و لغو به تابستان و بخاری از سر
هر در دستشویی - کمال سر پرستی و هر که می تواند
پر هر کینه شود و صوب با فطرا و حتی المقدور می در دست
نیز کینه امان خواب بر باز بارت

۱۹- بر هر ~~چیز~~ از کمال سرانی محبتی (حق المقدور) - کینه خوری

هر سبازی - جاده طلی - طلع

۲۰- امان به قدرت عالم و نظم خود داشته باشند و ممکن

باشند که بالاترین و بالاترین بر سر کار را دارا خواهند شد
اگر دستور است را به وقت ارضی المقدور انجام دیده

۲۱ - میرهیز از شب زنده دار - سینه ها - تاثر ها - کثرت ک
باله ها - رقص بکر فایز میهمان عصاب و غیره
۲۲ - سترین یاس صفا نفس

است - در درون یک صناع بنشیند در حالت آراستگی کامل
(ریلاکس) قرار بگیرد و سپس دست راست خود را بکنه کند
و به بقدر امکان از هر دایس به بیرون و سعی کند ادرت تسلط
خود را در این عمل و در مکملات استیلا - نشسته
در از گشت و یا نگاه در آینه (کریستال و ماسی) - عام جان ها
بر تر است انجام دهنده در این حالت به دست چپ مانده در آینه تری کس
بهر جهت ~~آینه~~ در هر جهت که بخواهد دست و پا در دو طرف
آینه بگیرد و هر چه در هر جهت که بخواهد دست و پا در دو چشم
بین دوام داشته گم کرد اراد کند که شخص - محل - شئی مورد نظر را
در آینه ببیند و به هیچ آینه چیز به هر شد ظاهر و شود
صفت - هر تر است در حالت پاداماسا (padasana)
بنشیند و در هر اوضاع سوز در حالت چشم بسته بشخص مورد نظر
ادامه صانع کند (تداپاتی)

۲۳ - از حالت تداپاتی در حالت دراز کش به هر تعلقین بخورد
در مورد از دایس در مقابل نفس - شادی - قدر است -
تسلط - سلامتی و غیره - هر چه از استیلا کند

۲۴ - سترین کند که در صانع غیره مترقبه هنر است این کار را
بر سید صفا صورت و یا بکنند به کار خود هر تر است سترین کند
و سعی کند به هر جهت که بخواهد - هر چه از استیلا کند
مادری کند

۲۵ - قبل از خواب در حالت ریلاکس کامل قرار بگیرد
و شروع به تعلقین کند و در نظر خود کند و بخود آرامش
دیده که در هر روز به قدر استیلا شود و به
سین از انجام تعلقین ریلاکس را شروع از به ادا دهنده
شروع به تنفس عمیق نماید و دست و پا در حالت به
سین آرام به در ریلاکس را به هر جهت که بخواهد در حالت به تنفس
ادامه دهنده سین به سید اوضاع سوز از سست کند به بیابال صفا
است و بنظر آید که شدت تری بطور بالا در آرام در اکت
است و به هیچ بدن شادی و سستی بخورد

پاسبان و متوسط ابراج منزل ادا میسر و به قلب بر سر میزند
 و تا به توفیق نماند پس بطرف بین دو ابرو بر روی توجیه
 داشته باشد که در تمام حالات چشم را بسته باشد و در
 الحاق نور نباشد و بعد از غلبه سترقه نگه داشته باشد
 و یکس را از بین دو ابرو بطرف راست و بالا
 کشد و به پای راست ادا میسر و بعد از آن یک بار چپ
 شروع کند این کار در آن راه که ادا میسر و پس
 دو بار در هر بار از چپ به راست و سه بار از راست
 به چپ در بین هر بار سه مرتبه تنفس عمیق نماید
 و خود را سنگین تر کند در تمام حالات و به توجیه نماید
 انجام دهنده تمام این کارها را در زیر زین سنگین باشد و توجیه
 داشته باشد که بار را پیش و پس سنگین و خف کند و در
 هر دو داشته باشد بار را با ادا این پاها بجای
 هر دو پا که یک طرفه مانده به رنگ بخش هر
 دو دست و یکبار روح شش از کالبدتان خارج
 شود و به هر یک به روح شروع حرکت کند

در تریب اول سرگردان هسته گامی در هر یک و زانو
 در فک و در نظر در هر یک و زانو و در هر یک
 بیرون در هر یک و به توجیه و به توجیه و به توجیه
 خطر ندارد و بار را در هر یک و به توجیه و به توجیه
 بیرون در هر یک و به توجیه و به توجیه و به توجیه
 خارج شود و به توجیه و به توجیه و به توجیه
 بالا و پس از چند بار که ممکن است در اجهت هر
 سلطنت داشته باشد که هر دو در سلطنت و از وقت
 بار را بیرون در هر یک و به توجیه و به توجیه و به توجیه
 و توجیه از محل به محل دیگر منتقل کند

۲۵ - هر شب در حالت نعل و بیدارست صبح خواب و
 زبان به در و کار با کرم و اساد. اوزر و آفران و آن در
 و به اینکه با آب و آب گرم است و به در زبان به خواست
 و خرابی و به تریب و تریب شود
 ۲۶ - حق الله در از مردم و صحبت با آن حضرت در مورد
 ربا و صفت خرد و در کتب و به هر دو گونه سکوت و به زبان به
 با مردم و آثار متشعخ آنجا رفتن و تفسیر چیز که در
 و در هر دو معنی از آثار خرد و آن حق تبلیغ ربا و صفت
 صحبت و به زبان به انطباق آثار و در آن حق گفت و هر
 بحکم و صحبت به در حکام صحبت آفران و صحبت و شفا
 دو چشم و شایسته و در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 به است و با صفت طرف نگاه کنه در هر دو طرف و شفا
 در شفا و شفا که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 و به هر دو طرف و شفا که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا

معرف
 ۲۷ - از نفع انکار متشعخ در یک و در هر دو طرف و شفا
 و نفع به نفع و نفع به نفع و نفع به نفع و نفع به نفع
 با هم می سازند فقط در صورت افطار از غسل و با نفع
 به در هر دو طرف و شفا که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 در هر دو طرف و شفا که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 (چهل روز) از یک نوع نفع (خدا) و آب فالح و شفا
 کنه و به این دست و در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 منفرد به ریح و نفع که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 در هر دو طرف و شفا که با در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 ۲۸ - سعی به در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 صبح و هنگام ظهر استعدا کنه و در هر دو طرف و شفا
 در آب خرد و در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 به نفع از هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 استعدا کنه و به نفع و در هر دو طرف و در هر دو طرف و شفا
 به نفع

۴۴ - از انچه در ونداد که منتهی گشته - حال - آینه
شد و آخر که کینه و به این قدر کامل از آن مناسبت
و به میزبان در برابر (خود آبی) مناسبت و توان و
مناسبت نهاده

۴۵ - به هم نواز از بود و ~~است~~ و دارد ماکر معنوی
و از انچه آینه ~~است~~ و در صفا استعدا بلند و اگر به تمام خردی
عادت کند تمام بهادر ماکر شایسته و اقبال به دیگر
هو دارد و آینه نواز به داشت

۴۶ - از رفته اس و با او سرش نرم و به رشتی و پر فر
و انکه آینه و فله و در اقصای ماکر از کینه زیرا
به نواز و در کثرت ~~و در میسر~~

۴۷ - سر خیز باشد و قبل از سپید دم از خواب بر خیزد
در آینه ~~است~~ و به خواب ~~است~~ و آینه باشد آینه
فقط خواب شب و از خوابیدن در روز چه آینه در دلی
کینه و پس هر روز فقط یک ثانیه از خواب خورده
کم کینه و سوز کینه در مدتی ~~است~~ سال خواب خورده

بیک ریلکس و بهش روح از کالبد و پس مراعت
آن منتهی باشد زیرا چار مایل خورده - خوابیدن -
خشم - کثرت با به از به نواز شود
۴۸ - کثرت که در ۱۱ از نوازات با یک کینه

~~کثرت که در ۱۱ از نوازات با یک کینه~~
به نواز و به نواز ماکر که در عالم وجود است
~~کثرت که در ۱۱ از نوازات با یک کینه~~
به نواز و به نواز ماکر که در عالم وجود است
و به نواز ماکر که در عالم وجود است
که استعدا غیر مجاز نهایی زیرا ~~است~~ و به نواز آینه تمام
می گیرد

۴۹ - سوز کینه پس از یک قدر ~~است~~ (خود آبی)
به نواز / آورد به کثرت و ان نواز که به نواز
غیر از خورده قبل از آنکه نواز کینه و به نواز تمام یک
نارده عمل خارق العاده آن را از ماکر کثرتی می برد و آینه در
به نواز و به نواز ماکر که در عالم وجود است
نواز به نواز ماکر که در عالم وجود است
نواز به نواز ماکر که در عالم وجود است

۱۴ - در انجام تریاک (خود آئی) زیاد در کینه زنی و آزار
~~بسیار در کینه زنی و آزار~~ اگر از صمیم قلب و ایمان
 کامل قدم بردارد آنقدر در عمر و اسیر است که سیرت و سیرت او
 در سیرت و حکام طوطی و زردی ~~بسیار~~ باران و خندان است
 ۱۵ - با گذر از تریاک به انجام آن نماند کینه تا جزو
 و انتقال از کینه شود و اگر در انجام تریاک صراحت از مرتبه
 رشتنا و باره آساحه کرده باز هم سرگردان و ادا داده و
 و به اسیر هر قدر بر او شتابان ایجاد شود و شتابان
 کینه قوی تر و خنجر منتر خنجر است زنا که سبب تلخ به حال
 خنجر و کینه زنی است ایجاد و تا هر چه اراد کینه بر او خندان و دیگران
 ۱۶ - اگر کسی بخواهد از کینه زنی که چای سرد دارد
 خنجر در کینه و امر و سستی ایجاد و سستی کند اگر می تواند
 که آنرا از کینه زنی که سستی و باره مله یی بکار
 ۱۷ - در کار هر لحاظ و حس الحاح در خنجر در کینه و سستی که
 کار و اطوار انجام دهنده که قسمت نه به بار و مدام
 انجام نکرده و سستی روی ایجاد نکند

۱۴ - سترانه بر افتاد ~~بسیار~~ مفاطیس و سید و آزار
 روح خلایق و مس در آتش کینه و آزار و آزار
 زنا دکنه و در آن ~~بسیار~~ روح یاس به به
 ۱۵ - در حالت یاد ما سنا همه روز بنشیند و سستی کینه
 بهیچ چیز فکر کینه و سستی در غل کمال و از به
 ۱۶ - در کینه و زنا و زنا و سستی و سستی کینه
 و سستی کینه و سستی کینه و سستی کینه و سستی کینه
 ۱۷ - اگر می خواهد از کینه زنی که چای سرد دارد
 با به و نه ادا ~~بسیار~~ فرصت بخوبی
 ۱۸ - از کینه زنی که چای سرد دارد و با خنجر پس از صرف
 نه ادا خنجر در کینه
 ۱۹ - از کینه زنی که چای سرد دارد و با خنجر پس از صرف
 خنجر در کینه و در صورت افکار از آب و لرم استغفار
 کینه

۵۰ - هفت از یکبار با فزان مزد و بارها به کوه و صحرا
برده و از هر دو آب جلی استغاد کعبه

۵۱ - بهج فزان ~~و~~ فزان را در دلم خزانده شود و سعی
کند که تا شتر قمارخانه دشت صحرای کوه را از کوه به زیر آب
رشته شود سدا گاری است که مار از بند کابل غلطی خردانی دور نگردد

۵۲ - از جام آفتاب فیلی کم و قطعه بر آن چند دقیقه
سپین از استقام استغاد کعبه و در سر را در مریض
تا بش مدام آفتاب بکشد از این بهر دگر بهی برقی زیر آفتاب
همیشه میرسد و با بار به سینه بکشد و همیشه محفوظ ماند

۵۳ - صبح زود و غروب آفتاب به آن قدم زدن
و تنفس بسیار مفید است

۵۴ - فقط در صورت گرسنگی باید از استغاد شود
و اگر نه ای و دم نه است و نه از آب خالص بیار
نمونه استغاد بماند

۵۵ - در هنگام حرکت با قامت راست و پیر قدری و اول باد
مربا به سر باد و در کمر لگال باشد و هر قدم دیر میرسد که آفتاب بر کعبه
تیره صاف شد و در راه در باد باشد

۵۶ - اگر شتر میخاید به معروف کند هنگام صبح بارش بهی است
که تا شتر بهی نرود آثار آن در رود و سینه شتر مانده از معروف
شتر خشک گردد و کعبه

۵۷ - از پریشانی بسیار چسبیده در در آن کعبه
و در آب بماند
۵۸ - در پریشانی که شتر ته را بشی خرد شود بهی بهی مانده
۵۹ - حتی با لگال خرد در آب از کار روزانها بشود

۶۰ - از خطر ^{ی طایف} آفتاب اگر کم استغاد کند که مانند ترکیب الکعبه شود

۶۱ - سعی کند روزانها چند دقیقه با پا بر سر هفت حفره در زمین
قدم بزند

۶۲ - اگر در ^{ایران} رفتن - در یونان و در آنجا سنگین و خسته کند و در آنجا
۶۳ - نگاه در آفتاب را بهی که میماند مانی می آید و بهی

۵۵ - ہم اس صلطہ میں بہ حیرت انگیز درہم اوقات کسر کر
 رہے ہیں اور اس قدر اس سے نہیں سمجھتے کہ اس صلطہ سے ہم دنیا
 صلطہ فریبہ سے

۵۷- از بهیت زدن عضو در سرد استخوان من خرد دلبر کس

سید و سرور کمال ایام رسیده خبر از اهل تعزیت
گفت از اهل خراسان (پیشانی) منتهی است

زیر پر قدرت از راه به نشاء و مثل درء التوله و لستوی
زیر اکب قدرت فقط لستویست در شارب غفر خدی
میست کند میراث

۷- سعی کنید شما با سنج و مترکز قوا به پیوسته در خستگی
مرسد و بلا کسی اعمال خود را آراش به پیوسته

۷- بهترین اتحاد به اشخاص در از راه دور و نزدیک بطور آسان
انجام دهنده در فاصله نزدیک مترجم مزاد بشود در هنگام بیست
او به بعضی نتایج او نگاشته و در فاصله دور تله باقی مانده

۷۵ - حریم مقدس نقوسه با محو کردن یک نقوسه (باشده ششم)
در اترسط منرا انجام دهم

۷۵ - طرکان خدایستای نقاشی را نامزد کنند و با قهر و
اراده بر خود مسلط باشند

۷۷ - ~~فصل در رسم نوک و دوش کینه و آینه~~
نماز را از هر جهت که بخواهد از او بیرون ببرد (پیشانی) است

۷۸ - ~~باید که در هر حرکتی که بخواهد از او بیرون ببرد~~
استد باشد و بعد از کینه که در او است کینه شود
به شکر و اطمینان باشد و کلام هر الله اکبر و یا بی جاد است
دست در پیشانی قرار گیرد و آینه است و در هر حرکت
و در کلام قهر و سوز و یا بی آستان دست در

پیشانی قرار گیرد و با تکرار قهر و سوز و یا بی آستان
هر که از او بیرون ببرد که در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد
استد که در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد
۷۹ - کینه که در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد

باشد

۸۰ - سکوت طلق نهایی و در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد

خود را در کینه

۸۱ - در تمام مدت بخود تلقین و اتقاد در

و شکر در بخشش نماید

۸۲ - هنگام نماز ایستاده از نماز اولی که از آب پودمان
ایستاده آن خالی باشد

۸۳ - تکریم حرکات کرده چشم را از انباشت دیده (اصغی - نمودن)
(دوران - نگاه ثابت)

۸۴ - نماز را در وقتان B معرفت کینه (گرمی و کینه - بر کلم
کلم کلم - کاهو - استقام - جو - کینه یا بیرون - کینه
سب - پرتال)

۸۵ - از آنکه بر سر و صدای حق اله در دور کینه

۸۶ - جویدن کامل نماز یعنی مهم است

۸۷ - در هر وقت که بخواهد از او بیرون ببرد و در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد
نماز را در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد
تا آنکه تمام آرام شوند و بیرون نماز را ببرد

۸۸ - از هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد و در هر حرکت که بخواهد از او بیرون ببرد
خود را در کینه

۹۸- در موقع خرابی بن عتیقه و در بین در یک سال باری
و در آن سال باشد در زمان سرخس و در آن سال
۹۹- در یک سال و در وقت خرابی بن عتیقه و در آن سال
تحت کنترل خرد در آورده

۱۰۰- سرکینه خردان باشد و از انکار بر آید خردان باشد

۱۰۱- سرکینه خردان باشد و در وقت خرابی و در وقت خرابی
سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
حالت الله اکبر نماز بر سر آید و در وقت خرابی
و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۲- در حالت یادمان سرکینه خردان و در وقت خرابی
سبب دست راست سرکینه خردان و در وقت خرابی
نماز

۱۰۳- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
کف آید و سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۴- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۵- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۶- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۷- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۸- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۰۹- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۱۰- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۱۱- سرکینه خردان و در وقت خرابی و در وقت خرابی
نماز و در وقت خرابی و در وقت خرابی

۱۱۴ - صبح زود در بستر بر وقت تنفس است و در زیر درخت
نباشد که تا لحظه آخر از خود در ~~مستخرج~~ منتشر گردد

۱۱۵ - در ترنای زبانه در کلبه ملکه هم در آن مدت کلبه

۱۱۶ - حقه یا با دانه از کار سبزی (پس از وقت شلایا)

۱۱۷ - اگر نمی توانی به نام مهره لبه لاله زیر درخت را تعویض

کنی ۱۱۸ - از منطقه یا گلزار در روزه استعدا کلبه و تنفس کلبه خانه

۱۱۹ - از نظر این ملام ~~استعدا~~ کلبه

۱۲۰ - اگر آب فنی سرد و غیر گرم نوشیده و به بدن

رساند آن شستنی نماید

۱۲۱ - در آینه هر روز بنوا آینه را در آن دیده و به دهنه میگوید

خود بخندم

۱۲۲ - ~~بجای~~ نزد بیات و بنود و کمر از انگار

در ~~کار~~ کار تنه که دهنی جان و زنی من

۱۲۳ - در ترنای سالم و آرام بخش سرت کلبه

۱۲۴ - از خاکی در اطلال بر نور به هرگز

۱۲۵ - هر امر استعدا از سبز به استعدا ترانه از معاصر

آن استعدا کلبه و استعدا با بل من خانه و دهنی
رومن ز جویان با خاکی

۱۲۶

۱۲۷ - از دانه هر رسیده پس از ترک گشت

استعدا خانه و در ~~بجای~~ از معاصر ~~بجای~~ و ~~بجای~~
~~بجای~~ دانه هر گشت با کلبه

۱۲۸ - از مصرف نقد غذا در کلبه دهنه

شیر آب هرگز کلبه و کم کم معی کلبه غذا به بطور معز

استعدا شونده ~~بجای~~ و در هر دهنه مقدار یک نوع

صبر و در سبز استعدا کلبه

۱۲۹ - در شستن گرمی هر ترانه از معاصر در کلبه استعدا کلبه

و در ~~بجای~~ در و در ~~بجای~~ آب خنود و با طای

بخود به تا تک اضافی کلبه را دهنی کلبه

۱۵۴- سعی کنی به ارنگ از گویان به پیر و بار دراز کردن
یا خدو در کتب

۱۵۴- مرستی بشر حرکت حالت غلبه ایجا کنند در دست
۱۵۵- سوار بر کبوتر حاکم قتل تقسیم بگیرم

۱۵۵- عمل را بهر در حکام غرض ۲۰ از سبز باری
دارد و نه استوار بکنی

~~۱۵۶- سر را بهر از کبوتر از حاکم و بار حاکم بگیرم~~
~~در حاکم~~

۱۵۶- هر سه در کبوتر بهرستی سر را خنای حق تعالی شود

۱۵۷- قتل از طبع آفتاب از ذاب بهر خنای

۱۵۸- از محمد مصطفی خنای قدر خنود در شود

۱۵۹- در دست عبد شمس سر را آواز را نشنود

۱۶۰- از حسن کتی در در قنار حکام کتب در در کتب

در در در قنار حفظ در در در کتب

۱۶۱- حالت ریاکس کلان را از کتب

۱۶۲- انجام و در شد بر کتب و کتب ایجا شود

۱۶۳- روزی از روز من کتب و کتب از ریاکس بهر دست خنای

طیور کتب خنای سر را بهر دست و بار از کتب

و از کتب بهر دست در در (به بار) بهر دست در در حالت

قدیم سر را بهرستی مایل طوطی درین باشد و بهر دست مایل سر را

باز خنای که تا بهر دست بهر دست خنای این کلان انجام

دست و سر را بهر دست بهر دست خنای این کلان انجام

نام سر را بهر دست در در کتب از کتب در در کتب

کتابت هر سه از کتب در در کتب در در کتب

1. The first part of the paper is devoted to a discussion of the

theoretical aspects of the problem, and to a review of the

literature on the subject. It is found that the existing

theories are in general in agreement with the experimental

results, but that there are some discrepancies in the

details of the calculations. It is therefore necessary to

investigate the problem further, and to determine the

causes of the discrepancies. This is done in the following

sections of the paper. In the first section, the

theoretical aspects of the problem are discussed, and the

literature on the subject is reviewed. It is found that the

existing theories are in general in agreement with the

experimental results, but that there are some

discrepancies in the details of the calculations. It is

therefore necessary to investigate the problem further,

and to determine the causes of the discrepancies. This

is done in the following sections of the paper. In the

first section, the theoretical aspects of the problem are

discussed, and the literature on the subject is reviewed.

It is found that the existing theories are in general in

agreement with the experimental results, but that there

are some discrepancies in the details of the calculations.

۴- حالت کادر (Siddhahana) (سید کانا)
 رات در خواب کف پا بر سر می نهاده که سبب بار بار
 از زانو فرزند می آید و در وقت خواب و در آن وقت
 قرار می گیرد و به آن با سگوان زنگار (عظم ناب) گشاید
 به درد کتیه و سینه و شکم و زانو و کمر و زانو و کمر و زانو
 بگذارد

۵- حالت آسان (Soudhahana) (سودا آسان)
 در خواب سینه بر دامن دراز می آید و پا در فراموشی
 می آید و حالت خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

حرکت یوگا - آرام - بافت - حرکت در خواب - آرام

یوگا (योगا)
 در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

۶- تمرین چشم (Tratakam)
 حالت نشسته نماز بنشیند پاها را از فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

۷- تمرین ورزش شکم (Capalabhati)
 در حال نیم خیز یا بستر و سینه و شکم را با دست و پا
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

۸- حالت تمرکز (Pranayama) (پرانایاما)
 در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

۹- در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی
 می آید و در خواب در دست و پا در فراموشی

دستور صورت مسلمه بنی باشد و با لاسی بنی

۱۵۔ ہر روز پڑھ کر قلب شوق

بہن در حال بلائیں کہ پانچم صبح است دیکھ

پیر

۴- استیاد در سر بابا بطرف صحرای کهنه مشق مانده

Paul Moran CB

آساناس = ASANAS
 تعداد تمرینات خاصه را در دستاورد می گویند که در دستاورد است (یا)

۲۱ - ابتدائی درجہ (Sarvangasana) (Sarvangasana)

بیت چهارم در روز سینه تپاک بطرف بالا همیشه
و یا کمالاً عمده تیر کردن قرار گیرد و دست راست
بپایه و حائل است

مجاہد باطلہ دستہ در اطراف سن آزادا باشند

بیست خطابه و دستاورد بزرگوار گرفته و بین مردمی شود
با و سر برادر زینتی که

[illegible]

پیشینه دراز بنیاد و یا (گفته مالیت) (pashmaman)

بہ نسبت کمر ایچہ کالے مارا، وہیں عمر لے لے لے

در آب کشیده با که بظرف پارا سر بریزند دستها در ظرف میست
شده باشد

(H) - 28

در حالت بابا دستا بطرف بابا سر کشید است

(H)₃ - 14

مانند مالک (۲۷) و ایما و ایستاد

Karna Peddaram - C.

مانده حالت (۲۶) با ۱ در طرزی سر هم شونده و از زانو بلند

vatejarana - 51

در ارگنتیه زانری قیپ را در شکم هم کسب و ما دوست مکتوب

parachinatan-asana
parachinathan asana - 55

در عالم نشسته بایک کلام کستید: سر راهی از راهی که
دست داشتند بایرانگی

$$(P)_2 = -22$$

رودر باسن نشسته سعی کن باد و دست یا کارا اطراف

مادر اکبریه و مادر دولت الایلیا یا مادر اکبریه

۳۴ - (P₃) نکته ن یاری در اقلیم
بیشتر در از کمند و باد و دشت تمام بدن را از زمین بلند کند
باشند یا صلی بر زمین است

(Karmaran) - 50

سببشینه یا با از وسر و اعظم وسط یا با باور
و دد دد از زنه یا با از اعظم با دد

Hartha radlaran - CS

بنشیند یا یا لا اله الا الله از و باد و دست انگشتان یا یا
را بکشد - و سر و بدن در وسط یا یا حالت شعلیم

(Janu nicharana)
 (Janu nicharan)
 (حالت زانو سر)
 منشیه و سر رادر زانو است و پای چپ هم
 مادر دست انگشت پا را است (البکه)

$$(J)_2 = -c_A$$

میں نے دیکھا کہ اس نے کہا: دیکھو! یہ وہی ہے جو
اس نے کہا تھا کہ وہ اس کے پاس آئے گا۔

دوست و اکبر

۴۴ - D W I Pada niraran

در از کشیده و دو پا در پشت کردن قلاب و باد و دست
بازن را بکشد

۴۵ Onkarirana (pranavarana)

نشسته با یک دست پشت کردن و با یک دست هم دراز
و با یک دست و دو دست دراز

۴۶ (Krishna Arana)

در حالت بار با یک دست و با یک دست کشیده و با یک دست
و با یک دست از زمین بلند شود

۴۷ (Uththa Kurmarana)

نشسته دو پا پشت سر قلاب دست از زمین

۴۸ - Yoga Danta Arana

نشسته یک پا را از زمین بلند و با یک دست از پشت
قلاب بردارد

۴۹ (T)

نشسته با یک دست هم از زمین با یک دست را با دو دست
باز کشیده تا به سر برسد

۵۰ Eka Pada nirana

نشسته با یک دست کشیده و با یک دست پشت کردن
کف دو دست هم و زیر پا

۵۱ - (F)

در حالت بار با سر را از زمین بلند

۵۲ (E)

در حالت بار با کمانه خود را عقب کشیده

۵۳ (F)

در از کشیده سر که انگشت با یک دست را به سر
باز کشیده و با یک دست کشیده

19

کتابخانه کتب خطی

۵۱ - (ماتقا)
(مکان هندس)

Archola nubilosa - ♂

Salabharan } = 1/2 or

(5)₂ - ۵۴

نہیں ہے

61

Dhanurasa Dhanurasa ~~10/10/10~~ DS

Poorea planurazon ov

۵۷ - (عالمی/۱۰۰) (Vajrasana) مانع عالمی سستہ کار

ساق باد در محله رزمی به ن قوس شکل سر در در (نقش) آرا گره
 ارمالت مراد کعبه - کعبه است با آفتاب بازو و دست راست - کعبه کعبه کعبه کعبه
 در دست راست سر در در دست راست است (نقش) آرا گره
 Kanakha Aram - 59

5. (حالت کزدم) *vriachikararan*
v vruchkarom
سر در دوستی بلاستی سرینه یا که قمر سی شکل

۵۱- $2\sqrt{2}$ $\frac{1}{\sqrt{2}}$

در کف دست مابین بزمه پا تا قوس

۵۳ - حالت درخت *Chakharana* (چاکهارانا)
 درختی است که از دست پا تا قوس دست راست و دست چپ را از
 (از دست قوس کامل کف دست و کف پا) در روی زمین
 بستر و بستر دست و پا تا قوس دست راست و دست چپ را از
 (C) ۵۴

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۵۵ - (C) ۵۶

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۵۶ - (C) ۵۷

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۵۷ - *Anganegaran*

حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست و دست چپ را از

مابین دست و پا تا قوس دست راست

Matrenobrasan

۵۸ - (حالت پیش) *Arsha*

در حالت پیش دست و پا تا قوس دست راست و دست چپ را از
 (A) ۵۹
 در حالت پیش دست و پا تا قوس دست راست و دست چپ را از

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۶۱ - (حالت طاق) *Mayoorarana*

در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود
 در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود
 در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود
 (M) ۶۲
 در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود

۶۳ - (M) ۶۴

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۶۵ - (M) ۶۶

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۶۷ - (حالت کوه) *parvatarana*

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست
 در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود
 در کف دست تمام بدن صاف از زمین بلند شود
 (B) *padmarana* ۶۸

مانند حالت مابین دست و پا تا قوس دست راست

۸۵ - Pada Hasthasana

استیاد بحالت تعظیم سر برانزود دست پا را بگیرند

۸۴ - (P-H)2

دو دست به یکدیگر از راس دست و پد

۸۵ (حالت شتر) - Talhanasana Trikonasana

از پیر خم و دست راست و پا راست و باطن
سر به سمت بالا پا راست در امتداد خط وسط بدن
پایین دست راست و پا راست و باطن

۸۵ - Natarajasana

استیاد پا راست را دست راست گرفته پا راست چپ

گرفته کتف

۸۷ - Vatyasanana

پا راست سر و پهلوی پا راست در کتف پا چپ

کف دست بر زمین

۸۹ - Eka pada

بحالت تعظیم پا راست به پشت کردن و دست و پد پا چپ

در روبروی

Ashtangayama

نشت پا بر دست چپ کشیده پا چپ کتف کشیده

کف دست زیر چانه سر جمع

۷۸ - Aharua Dhanurasana

پا چپ کتف کشیده پا راست در راس

دست راست پا چپ را بگیرند

گرفته پا چپ را

۷۹ - Yoga Mudra

دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ
بکشند دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ

۸۰ - Bandha padmasana

حالت دست کشیده دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ
بحالت پا راست و دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ

۸۱ - Corabhasana

بحالت پا راست و دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ

۸۲ - Veerarasana

بکشند دست راست و دست چپ را در راس دست راست و دست چپ

حالت لاشعوب
Pittana
Larnak
asana

مجاالت نشسته نماز و زبان را کمالاً بیرون بیاورد و دامن باز

۹۱ - رکعت شکر *Shukra* *Shukra*

در رکعت شکر کامل قرار بگیرد و بگوید آمین

بهشت در هر رکعت از پاها از حشون بسته شده و دست از سر و منافی
منفی و تنه هم - آرد - دامن کمر محدود بر منافی
منافی - دهنده منافی در پا کردن منافی منافی باز
سر و دست منافی در منافی منافی کمالاً منافی منافی

۱ - در حالت نماز با تکرار قرائت دعا و استعاذه و بسم
کفر بکنید و بپوشانید و دست خود را در جیب بگذارید

۲ - در رکعت شکر نماز در دست طوری قرار گیرد که انگشت شست
در سوراخ گوش و انگشت بیست و یکم در دست دیگر
به دقیقه باید در حالت رکعت شکر استعاذه و پس (الله اکبر)
گفت

۳ - در تمام نماز رکعت سر به و داد او مشغول تکرار کلمات است و باید
که در هر رکعت در نماز بهای طریقی قرائت الله اکبر کند
۴ - در رکوع آنجا که ممکن است سر را بپوشاند و قرائت
که خوف شود عفت و بعد از نماز بشود ...

۵ - در هر حالتی که آفتاب منقلب می شود که تمام قرائت رکعت کند
۶ - در سجده و بایستی هر کورتا باشد حفره در قوت طرف موی سر
بایستی خم کورتا تر از قوت بعد از پیشانی باشد که کمالاً سر
را به بیست و باید داشت که هر از نظر تکرار قرائت است
۸ - در این از رکعت دوم حکام خواندن قنوت نماز هم
جاء رکعت هر کورتا در بیست و یکم بیست و یکم که ایستادن
کامل انجام شود

۹- در آثار نواز سه مرتبه آمده اگر بهای مرتب فن

و اگر این صفت را با بزرگ کامل انجام دهم یک خلسه بجایی
بجز دست برد که عقل از وصف آن حیران است

۱۰- هر چه نواز بیشتر بخواند مبرها تا که با بزرگ کامل انجام گیرد مبرهاست

~~نواز را با بزرگ کامل بخواند و در هر روز یک بار بخواند~~

۱۱- نواز را با بزرگ کامل در خردتان و شبانه قدری قدری خردتان بخواند

~~نواز را با بزرگ کامل بخواند و در هر روز یک بار بخواند~~

~~نواز را با بزرگ کامل بخواند~~

و بیشتر بخواند

۱۲- مکرر نواز در روز نواز بر بزرگ کامل بخواند و در هر روز یک بار بخواند

هر روز آواز داد - بزرگ کامل - مکرر بخواند و در هر روز یک بار بخواند

خوراک

۱- خوراک همانطور که ذکر داده است - باید فی ساد باشد و مطلقاً

در سه عصر گوشت و میوه است آن - قند - الکل بپرهیز کرد

۲- لطیف یک بر نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

ادامه بخواند

۳- در هر روز نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

۵- نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

نواز نواز که در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند

والله اعلم

۷ وصول و مرقد حضرت امام

✓

67-1

دوای: درگردد - فسر - کلمه - ضمیمه - آبن

A-B-C-E دیتا میں

سنگین خنک: سرطانات - بیماری قند - رماتیسم - صفت - نزد فزونی مایه
زکام - سگودرد - امپرشور - کینه واد - موی بینی - بهال بیرون

کشف فرما : متوی جسم و روح - ممکن الہی است - فن - امر امن و نوری -

قره‌خیای و شوان - در اخصاص سیاحتی - سلطان

کفری خوا (پوست کھود سر) : متوی قسم درج - قلب - دماغ -

امام ابن کبیر - پیغمبر - امام ابن سعدی - اسلام

المطلع (مركز كشمير خٲا) : صفة ٥ - خزانة بزی اربلا - قو لنگ

وحرکت بہت سے اہل

بلغ (صوبہ سرحد، خفا) : دادا و شایبہ - E - فروری ۱۹۸۱ء

ق - اسال - حراحت - جہام - سترافم - آبرہہ شجہ

افعال (مرد دوم) }
سر (مرد چهارم)

موت - مرده - سینه چاق است - اخگر خیز لبت - چشم دوش

سبب گھٹن (ہمدیم) کا مسکن عطر - قطع الال

[illegible]

دسته های : سنگ میده شانه - اسرار - زخم های جری

۲- موز

دارای : آهن - منفر - منیزیم - پتاس - کلسیم -

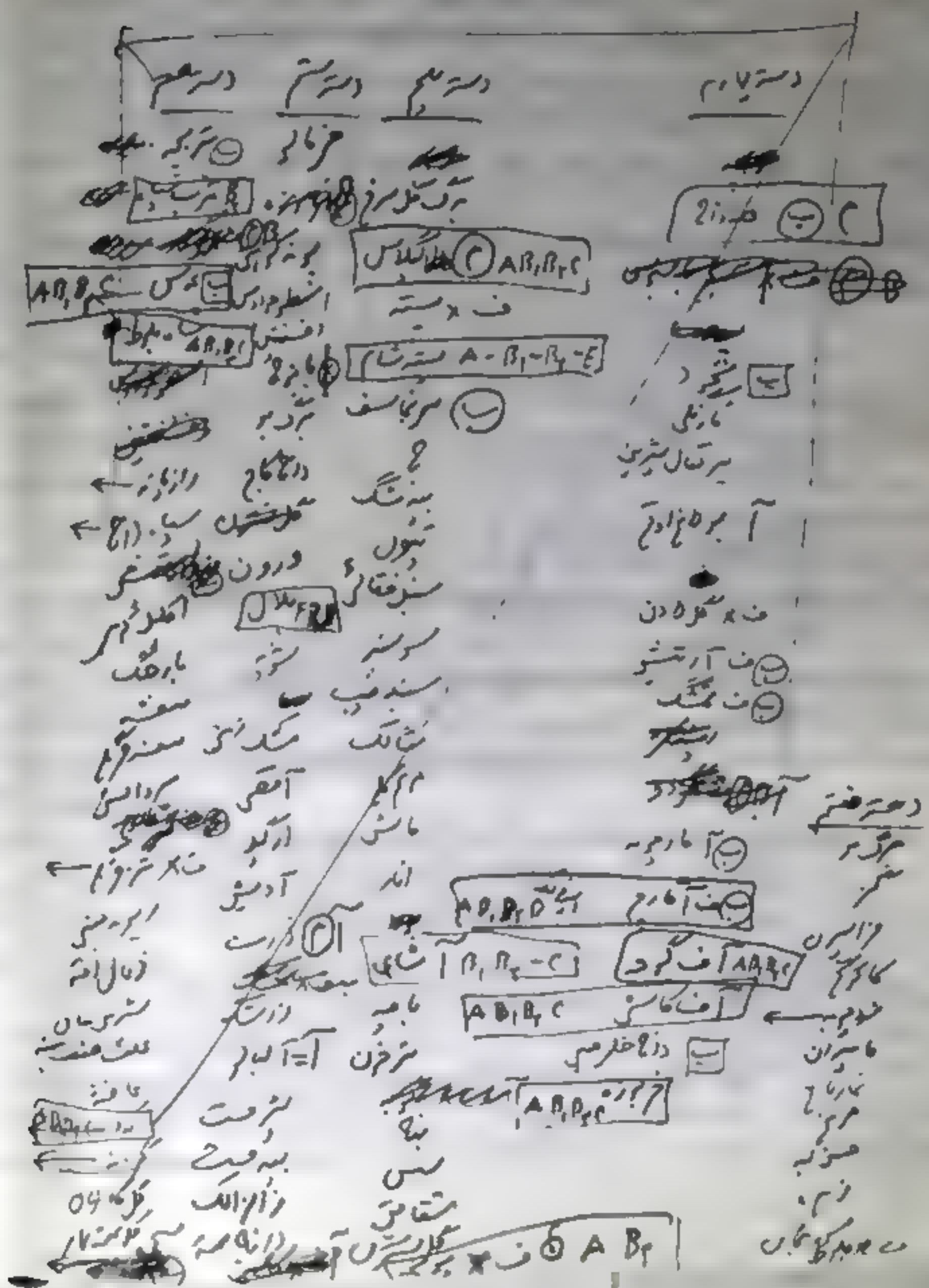
وتیامین : $A - B_1 - B_2 - C - P$

رطابخش : صند - صفت - برابر زایل عامله و بشرد

آلبومین - لیت مارج - شور سر - درماید پوستی
خاکستر آن برابر غلظت زردی - صند گرم

برگ موز های صابون بکاه برود

برگ موز را با ناشتا میل میکنند و سگی بیه با آن آب نمک
مزرده نشود



دسته اول

دسته دوم

دسته سوم

۱- آبراه خاکی

۱- آبراه ۲

ABD₄C

۱- آبراه ۲

۲- آبراه ۳

۲- آبراه ۳

ABEC

۲- آبراه ۳

۳- آبراه ۴

۳- آبراه ۴

AB₂R₂

۳- آبراه ۴

۴- آبراه ۵

۴- آبراه ۵

AB₂R₂

۴- آبراه ۵

۵- آبراه ۶

۵- آبراه ۶

AB₂R₂CE

۵- آبراه ۶

۶- آبراه ۷

۶- آبراه ۷

AB₂R₂CEH

۶- آبراه ۷

۷- آبراه ۸

۷- آبراه ۸

B, C

۷- آبراه ۸

۸- آبراه ۹

۸- آبراه ۹

AB₂R₂CE

۸- آبراه ۹

۹- آبراه ۱۰

۹- آبراه ۱۰

A-C

۹- آبراه ۱۰

۱۰- آبراه ۱۱

۱۰- آبراه ۱۱

AB₂R₂CEHCF

۱۰- آبراه ۱۱

۱۱- آبراه ۱۲

۱۱- آبراه ۱۲

AB₂R₂CE

۱۱- آبراه ۱۲

۱۲- آبراه ۱۳

۱۲- آبراه ۱۳

B

۱۲- آبراه ۱۳

۱۳- آبراه ۱۴

۱۳- آبراه ۱۴

AD₂R₂H

۱۳- آبراه ۱۴

۱۴- آبراه ۱۵

۱۴- آبراه ۱۵

AD₂R₂CE

۱۴- آبراه ۱۵

۱۵- آبراه ۱۶

۱۵- آبراه ۱۶

B

۱۵- آبراه ۱۶

۱۶- آبراه ۱۷

۱۶- آبراه ۱۷

AD₂R₂CE

۱۶- آبراه ۱۷

۱۷- آبراه ۱۸

۱۷- آبراه ۱۸

A

۱۷- آبراه ۱۸

۱۸- آبراه ۱۹

۱۸- آبراه ۱۹

AD₂R₂CE

۱۸- آبراه ۱۹

۱۹- آبراه ۲۰

۱۹- آبراه ۲۰

AD₂R₂CE

۱۹- آبراه ۲۰

۲۰- آبراه ۲۱

۲۰- آبراه ۲۱

AD₂R₂CE

۲۰- آبراه ۲۱

۲۱- آبراه ۲۲

۲۱- آبراه ۲۲

AD₂R₂CE

۲۱- آبراه ۲۲

۲۲- آبراه ۲۳

۲۲- آبراه ۲۳

AD₂R₂CE

۲۲- آبراه ۲۳

۲۳- آبراه ۲۴

۲۳- آبراه ۲۴

AD₂R₂CE

۲۳- آبراه ۲۴

۳- انجیر

A - B - C

شفافیت : حاصلین - بهاران عصبی - گلو درد - سرخه -

مرض قند - افتادگی معدی - بواسیر - آبیانه پس -

اسهال - سرطان - دمل - لثه - قنبریت گنده -

ورم طحال - بهار قدرت حافظه نسبت - برودت دکان

AB₂R₂CE

۱۱- کرم سب

P

۱۲- حوله ب

C

۱۳- شکر

۱۴- شکر

۱۵- شکر

۱۶- شکر

۱۷- شکر

۱۸- شکر

۱۹- شکر

۲۰- شکر

۲۱- شکر

۲۲- شکر

۲۳- شکر

۲۴- شکر

۲۵- شکر

شفا بخش : کلسترل - صافی وزن - قلب -
کم کردید اس - فٹا وزن را کم کنند - سینه بگود کلم را از کم
منوس را کم کنند - زخم سده حوردد - صغرا - دمنه خارش
زخم ناکر خواہ اس - زخم جگر کی - ام اعن چشم

[illegible]

فندق

۱۰ دامای : ضفر - پیاس - آک - دورد - پیاسم - کلیم -
 و تاجین : $A + B_1 + B_2 + C + E$
 شفا بخش : نبرد عقل و فکر + عرض قند - رطل مانتظم -
 ذات الریه - شکم دوش - سر کیم - سینه درد - کم فنی
 اسال - تن - گریپ - سینه پد - قرلنج - فلیت -
 واریس و زخم - طاس - معده - نریشی اسی - مازهر -

دمنی فندق به اس کز بگی عروب و رطل
 فندق با انجیر - پاد زهر سم اس

فندق هندی : سوز مسده - خارش - اعصاب - سرم -
 یک شقال از آن به اس کز بگی مار - عروب - رطل - متب راجه -
 اگر به شقیه مالیده شود به اس سرد درد - لغوه - قلع -
 بخور آن به اس جنون و استعقا

ALP - P سر - سر

سینه

سینه

موسم

A-B-C

۱۰-۱۱

اگر

باز

دانش : کلاسیک - فلسفه - فقه - کلام - منطق -

تجسس - منجم - اهل - به -

وین : A - B

شفا بخش : اعصاب - مغز - استخوان - قلب - ریه - تنفس

سربرد - ناراحتی - امراض کلیه - اعصاب - اعصاب

سربرد - کله - آگزا - رود - کله - منزل - ریه -

روده - ریه - آسم - بواسیر - ناراحتی -

اعتقاد

۸ - گندم مایوس

۷۲

درای : صفر - گلوتن - ازت

وی پی = A-B-C-D-E

سفایکشی = خنجر پی سی

گندم را مایوس در آب پی درش داد. وقتی ریشته دو ایند و شیرین نشد

ی صابون از اصل نمایی (باصل باخرا و لایه ها بهر است)

از خوردن گندم به مایوس خود ددی و نایب

۹- عمل :

درای : صفر - مکسم - آبن - مس - منیزیم - منگانه

آلومینیم - کرم - لیتیم - نیکل - سرب

ویتامین : $B_1 - B_2 - B_5 - E - C - PP - H - K - T$

شفا بخش : ریشه - کبه - مخزنت - زخم صده - داشتنی عشر

اعصاب - چشم - راستیم - در دپا - نرس - باکتری ک

جذب تنفس - قلب - سرما خوراکم - رپا - بیماری جانی

زهر - قرینج - سرسیت - گند مبه - کینه - استقا

ادار - سرمد - درشت فرور - زخم دمان - سستی انجام

عمل سلطنتی دادر ۱۴۵ پردهش است

۱۰- کل مکمل

۷۵

شناختش : سرور - دایم - نر - مس - سبک - اینده اند

$$A + B_1 + B_2 + C$$

و تیا س :

دماوی : سیم - پیا سیم - آکیم - فسفر - کلسیم - کولنودین
کلرین - آ - بی - سی

فتیما : A - B₁ - B₂ - F - C

شفابخش = ترش ترش - دوشه - فدا سازنده - کبه

در دینه - محتب حاد - نیش زدن - سرطان -

کلیه قرمز - سواد حاد - حبس البول - درد کمر - گلو -
بیرقان - سوزش سرش

دارای : و تیا صنی امر مبارکی

مشغولش : حصه - صده - ادرار ذاک کردن - پیرمان

سل - پیرمان - زایان سهل - کبه - صده - سردر

متبر شیه - التهاب صده - صغف - ترکیب پیرس

آکر ۱ -

دندم فسر ز ياره اس و بهار سزا و صاحب خربت
 سول مني و شتر است و ادرار را از ياره کن
 دندم ال پير دشتن و بامنه
 بهار معرفت آن با بهر دم آب منانه سزا و تا کي دست به نه
 و سپي قصار آن با بهر عمر با زنا سزا و

داده‌ی سفر و نیز ۳۴۳ پیر و شین اس

شفا بخش : تقویت حافظه - بیاد گرفتن - سحر سلسله العباب
تقویت بنیان - گنگی نفس - کتب صفا و کتب - هنرهای کهنه
سینه پر - هنرهای کهنه - زخم زده
خود دوست : از دایره کهنه مردان و کمران کهنه زنان

دارای: سفر - مسکن - پاس - آبن - آفت -

مس - کمر - قفلز - ~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ -

~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ - ~~مس~~ -

و تین: $A + B_1 + B_2 + C - D$

شناختش: مرز قند - کبه - هندس عرب - بنان -

ده پیش لوب - ریزش - زخم پوست - قریح

پوست - سرمه - متب - بهار کبه - نرس - فشار

ماساژ - کله - رامبسم - مار زنگی -

مقدمه

۹۱

$$A + B_1 + B_2$$

و نتایج :

سند

موت این روز عصاره آن معرفت کینه

و نیاید =

مشقائش: غم دانه - سبزه سرخ - قرص - اعتدال طالع

متب + مملود - مکرر - مکرر - درم پستان -

مکرر - بادکن - صندلی - زکام - سینه درد

سرمد - اسال - وبا - حزن دماغ

سفا نبش بکرمه دگرارش - امراض کبدی - عصب - اگر
 سوختن - عفونت - چارتفنس - قلب - اعصاب
 نشخ - مکرر و نیز نبش - کنگد - کنگلی عفن -
 درد - زخم - غلظت فون - سردرد -
 معده و با عمل دیگر شکر کبابه سردیم اگر شکر درد - درد دندان - حافظه -
 نفع -

دنیای A+B+E+E

دارای : تاسم - ستم - سفر - آفت -
 شمشیر - حزن و ایاک ترند - شاد - کبه - کبلی نفس
~~بسیار~~ رماستم - مالدار - نر - کبلی نفس
 زکام - ۵ - ۱ - کوکلی - آسم - زردی - مودود
 مزاج - حلقه - حلقه - حلقه - حلقه - حلقه -
 حرکت - حلقه - حلقه - حلقه - حلقه - حلقه -

$$A + B_1 + B_2 + C$$

سفارش - متب - سلامتی - مرز قند - ملطت خن
 ناتوانی - رنگام - سرمازدگی - مکرر - عارضه ساری
 زخم متب - رفرشتاد و مار - کم خون - درد - پیوست
 سرک - آبد - مملک - مرز سه - کبه - صزا
 پیوسته - طاس - متب - امر از مغزی - واریس
 آرم - مرست خن - سور چشم - ازم سه - مرگ آب

آب خالص

دارای اوری آب اعلیٰ مدح

از آب عیندار در کویتان متا همدا ان و بیا انستاد کینه

سیب

معناشتا میں مشرد و آب پرست سیب قنات میں مشرد^{۹۱}

دلدای : پتاسر - آئی - سرد - برم - آریک - سیس - آفک

منیزیم - کلر - آدیوم - اسپیکٹ - فرمیک - منفر -

و تاجین : A - B₁ - B₂ - C - D - PP - E - K

شفافیت : اسپیکٹ + کمر + مدہ - ادارہ - سپنادر

حصہ - اسال - درم اسال - منکر - رجا - دماغ - شب فال

رامسٹر - سرمد - پیری - انصاب - ہر دکان - صم منقذ

قلب - محراب مذکی حوا زبذہ مذکی - سرما ذکا - سکوم ہیں

صنکرم

ذاتی $C + E =$

...
...
...
...
...

...
...
...
...
...

۱- مطالعہ

و تیارین :

A - B₁ - B₂ - C

دوسری : گنتی - آسن - کلر - مہر - پیاسہ - گنتی - کدو - بالہ

شفاغشی : اعصاب - ریش - سل - کم خونی - مرعزہ -

اسید - لکڑی - لکڑی - ورم - حاصل - دبا - ستارہ - صہ - ہزار - دکان -

بہرہ - سہ - وید - الال - درد - مدہ - عتاد -

بہرہ - سہ - لکڑی - عصابیت - کدو - بہرہ - عتاد -

موز - ملب - کسم - بہرہ

۲- کاهر

وتیام: $A - B_1 - B_2 - C$

درای: آبن - منتر - پاس -

شفافیت: امراض - فرز - مزاج - کلرولوز -

انصاب - برتاق - امتهاد - مال و کبه - نفس

۴- شلغم (مردانه بصورت کصاده میل نمایند)

دارای : صفر - کلمه - آبی

و غایب : C - B

شفا بخش : کبه - میزدی جوان - قره باد - صد کرب -

بنیان - دلداس آبی - بویک قوی - سینه درد - آمیزی

برکت - آسم - سیاه سرخ - ترک بدن از سر مارگام - دمل

گلوردد - نقره سو - جزام

و یوین A - B

شفا بخش: سرود آدر - میرای خرد العاصب - معده -

ملای به غذائی - خرنیز - صفا - الهاب معده -

اسرار خرد - سرود - زکام - کلفت زبان - کنه ی ذی

احدا لاسه کامه گئی

اصلاح : آیین - مبرم - آرد - همدگرین -
و تاجیز A - B - C (مفردت و صلو)

شناختی : سنگ شانه - زمان عامله - حفظ درم بقیای خون
کبه - قند خون - پوست - سب - سرمن - حرکات پوست
ورم چرکی - اعتدال کبه - سب - دمن کرم (آلودگی)
و کرم کدو - ادرار - مکن - عزیز جنسی
بهسته هلو = برای جراثیم

دستایین = A - B₁ - B₂ - D - C

املاح = آبن - گنیز -

سقاغش = درد سده - سب - کعبه - پیری - قلب
 مذر - صد کرم - صغرا - بهادر کبدی - نورس -
 سوزنی - سودا - کوراک - نوریت بد در نقابت -
 منور استرا - حصن غذا - نغم گوازده - برهان -
 حبس ابول - نوریت جسم - نوازشم - مقاصد ارباب
 کعبه - از دوازده باد - تنظیم عبادت ماهانه - گنیز در دگرگونی
 ارفقاص و دگرگونی - سب - دلا در دگرگونی -

گنر
ترکیب

$$A - B_1 + B_2 = \text{ویناسی}$$

مشافهت = استقا - کله - لوزالمعه - کله لوانظم مکه

۱- چقدر (در آن صورت که در هر مورد)

— ایداع = آبن - سفر - مکس —

و تیز = $A - B_1 - C$

سفاخش = خن - ایش - اصاب - در افاصل

نقرس - سردرد - دندان درد - شوره - کله

اطلاح : آبن - شفر - مس -

دقیقین : A - B - C

شفابخش بنو آسمان - سولالین رازنده مکنه -

طرح کردن عمر - کم خونی - بواسیر - ~~خون~~

خونریزی - گزافه‌دانی - شب‌گوا - مکرر بصری

کرم صده

ادام : آبن - مکتبم - کتابم - منیرم

وینا : $A - B_1 - B_2 - C$

سنگینی = خرم - بارکردن تانک - صند عروسی -
 سرطانی - کوفتی - دریا پستان در دناک -
 تانگی سخت - صابو (دور نه)

لم - کرم - قزلی (بصیرت مصار)

ترکیب سے = منفرد - آہن - سبیل - کلمہ -

$$A - B_1 - C - K = \text{دیکھو}$$

شمالی = راستہ - "منازل" - کتب - و شائد و کتب - پاک نہ خوں

منہ عالم حرکتی - "نور" - محرم - اصاب - اشیاء - آگاہ - بیتابی

مترس خوں - کتب - کتب - و شائد - ورم - ورم

سیب زمینی (عمر ۳۵ ساله) -

ترکیبات : تاسم - فنز - لمب - منیزم -

$$A + B_1 + B_2 + C = \text{مجموعه}$$

شعاعی - رعشہ - فسخ امعاء - اراضی - کم خونی -
 رحم - قلب - قرعہ باور و زرد کمر - اولس معدہ - سونگی
 صریرہ خردک - جرب (کمال) - دبابہ - السال - آئرن پیرازول

ترکیب
ترکیب

دنیای - ۵

مغنی - دسم جلد کتب و کلیه

همه دوا

۱۱۵

و تبیین = ح

کم کرس صزا - حزن ردا پاک کن - کمر مازنا

کلم (معبره معمار می شود)

ترکیبات =

وکیلی = $A - B_1 - B_2 - C$

مشاعی = سستی استخوان - سل - کم وزن - اراضی پوی - منکر

صه ارضی مرکب - طلال - ادرار - اال - بروشیت

متران - نریب - درواغصاب - رامتر - سیکت - م

... ..

برنج (در آب سبزه زنده شود)
۱۶۱
سبزه آبی در آب و نمک با نودان است و نمک پزی است و در آب نمک

بسم الله الرحمن الرحيم

برگه اول سرخ

برای از دیار عمر

ترکیب

$$A - B_1 - B_2 - C = \text{وتیاسین}$$

شناختن: با وجود این - ادرار - مرعز منبه ورم منفس
 مکن اضمح - برداشت - پرست - ۰ یت

مکتوبه ای. س. مراد کبه کوکله

$$A - B_1 + B_2 + C = \text{مغزی}$$

مشاورین - خرمرد - راستم - قند - رشک

شفا بخش = دریا - پرش - دریا - گنجه - سرتان
سرمد - قلب - عقیق - پرش

قرنوت = منفر دارد - ر

شش = زهر قرب - سرخ - تخم آن چهار دارد و خرد آن را در کوزه
 حلاله دارد به خایت - حرد او در باره - از آن شکر کدورت - (با تخم شکر)
 سونگیک - در اصاب - راستم - آن را در چهار تنفی
 آنزدن - سبب سرخ - خنجر بر نه - شکر مراد -
 نند تر دین - سم قرص -

داده هر خاصیت نهائی و مراد مستفیده از

مترکب = من - این - منفر - ادراک

دتیاس = A-B-(E-F)

مشتک = موزر - حد فاضل - حد کرم - حد فاضل

اسرائیلی - سلطان - کرم خان - دل درد - ترمش معده - کرم کبوی
(با بسم الله الرحمن الرحیم)

موزر اسکوان - عالم رفق - کرم کرم - کرم کرم -

مشتک - زرد - آرنج - کرم - کرم - کرم -

مشتک - کرم - کرم - کرم - کرم - کرم -

۱۲۷
شعور (در آب پودمانه بعمیق کف میزنند)

ترکیب :

و تیان : E - C - B_۲ - B_۱ - A

شعاعی - پاک نه بجا در آید - امر اخلاقی - هنرم

عزیز را میخواند و گوید - تفریت میزد و العباد -

از دایره دهن - محرک است - هم میزند -

صدا آن مایل - چراغ است سر طبع در آید -

هم از جوانی - مادر میخواند و بر سر -

شعور را به جمع است از شعور سعید است

خلع - در شیر + ادرار - حیض را از آدم که

لکس : (نائب میرزا و میرزاخان علی شون)
 مرکز سکس آهن - فستق - مکیم - پروتئین
 ویتامین = $A - B_2 + D_2 - C - E$

مستغنی = مزاج کردن سینه - کم کردن مزاج ^{مزاج} قاعضی
 و با بریدن آرمی -

— ۱۰۰ —

مترکب ک = منیزیم - آہ - این - منگز - کمر - پو - اہ - کسند

وہابیہ :-

$$A - B_1 - B_2 - C$$

شفاعتی = کم خیز - دردناک - رماہ - سرطانی -

اسرار الیماں و کتبہ - دوسرا معاد - انتقاد - ہریت

م از صفت دم و بنگی - متب - ای - قلب -

سکرم ہیں۔ اور ہنوں۔ مریستی فنوں نے سرور کا صحنہ۔

ترش کردن - ترش ریختن - محراب

یونانی (Barriatle) (Farrarum Hortensis)

سنگابشی = استقامت - برهان - بلغم - مکرر القاب
محرک مزاج - حار - در اشتها - اسهال - اختلالات مزاج
جران بزرگی - کعبه - رمانتیک - سرخ - وارسی - گرم
عقل - استقامت - فارسی - لثه دندان - مکرر مکتب

سنگابشی (برهان) یاد دهنده از تاریخ - عفت - جهاد
معدن - سد - آب - در - مکرر - دگر - بهار - گرم - در

نیش و شرات

و تین = $A - B_1 - B_2 - C$

ستفامینز = سوز و ملتب - (انزفققان - سکر اهاک)

ترکیب = ۱۱۰۰/۱۰۰ جزئی

دقیق = $A - B_1 - B_2 - C$

سفیدی = انواع آئرینک - زرد زخم - کھنکھ
 آئرما - الال - ترک دستہ - منہ پر لٹ - منہ پر لٹ
 منہ پر لٹ

آب دریا را به کوه ~~مک~~ شوق در خنجر در حدیث چل روز از پیر سال ۱۳۵۱
 خواجه ~~مک~~ مراد ~~مک~~ و امیر محبت حضرت در

میرزا محمد علی میرزا و امیر محمد علی میرزا

پرتقال :

۱۴۴

رنگین

B - P - C

شفا بخشی

ماهیچه - اکسیرم - کمر استخوان - قرص - دل درد - سب
سکین - بنموا - بین درد کمر

کرمک

120

دینار
A - B - C
مقامات

السرمدان - کمد - میزدک - نر - راسم -

رق - ادر - حسب الیوم - دهم - سرمانگرا

از این دست نمناک بیشتر منفر و آبن دارم که می
 اعصاب و مزاج معیاض و می شود اگر فکشد آب
 در آب معیاض شود و پس همان آب و عصاره آن
 گرفته شود و می فرماید

گمرده الف

۱۴۷ اسطوخودوس (*Leonardula vera*) (*la lavande*)
(در آب خیس شده و مالیده آن به پخته جوشانده)

مشفای کتبش = آسترین - قرلنج - سیا - سرفه - نوزل - اقله - کتبش

مرهم سینه فانی - ادر - کربجه - بوس

سندنبشته اعصاب - ج خرابی - کرم - کم خونی - ضعف بطنی - پرتاب - بران بوی
 - تا مکرر، منظم

سفاغیش = قره بیت کوزه، افساب - دفع کسم - درد افساب -
 اشته آور - دل درد - اعتدالاس حاکمه - اضع در ادرسه و پا
 انزاع بیت مالارار - تکه کت - صده - صفت کت -
 سیم لختن - سفت تانه

اصحاح (مرم) باب ۲ گاهه = کیم خراب - ماله زور -
 کت - سر کیمه

ببرک بو (*Lauras nobilis*) ۱۴۰

مشغول = درد اعصاب - آرتروز - جگر استخوانی - درام و
رگ بزرگ شدن - درد مفاصل - گریب - سست کردن -
تنظیم رگها - درد مفاصل - درد زانو

برخیان سف (Larmino) (*Artemisia vulgaris*)^{۱۴۱}

سفاسنی = افلاک سفی - کم دغ - نوس - انم دجا

نام دجا نامی - کرم سده دود

(coing) ?

(نمبر ۱۵۰۰ میل شہر)

$$A-B-E-P_3 = 555$$

شفافیت = تعریف الیاف - (راوی بنیت) - ترک پس

اساتذہ - ورم - خنجر - ہنجر - ترنس - سنبہ - فام

دفعہ سوم - امر احمد علی - بی بی دجریک - سری سب

تک سحر - سر - درم دود - - - - -

هتاه - در دمه - ممکن دارد - صبر کتب - ورم دهم

روز مریضی -

تفتیه مصراع ۱ ما رخنه زین بر این سال و نیم صد و ده و ده است

سنگ نجش = درد اعصاب - کم استخوان - سنگ کبیر مزاج - کمال

با ذراع - متب - رگول زباد - رماستم - دمن کرم -

آرام نجش

١٤٤
تپول (سکانت) (مزار) (دیزمن)

اقتلاص نصی - تشیع نصی - عتب شرازی - افده کاستان
در دسمه - کرب - بیمزانی - کزن -

دانه کاج

۱۴۸

امتیازات عصبی - با دماغ - آسم - سکود - رماستر - پرست
سکود

رازبانہ (*foenicula vulgar*) ۱۴

مشابہت: اعتلاست بعض - آسم - بیمار چشم - میوه است - میوه سرد -

در دهن - ورم پستان - کبد - معده - کرم -

قاعه آور - از دیار سنه -

بہر آن سبب است

اقتدار سے بھی - قتل و غارت - کم خن - آسم - سرور و عزت - گرب

سوسنبر (نعناع فلفلی) (*Mentha piperacea*) - ۱۴۱

درد سرد - احتیاجات قلبی - در دپا - رماستیم - باد شکم - آسم

مکینج - درد معده - بواسطه

سند مطب (علی گڑج) (valeriana)
۱۴۶

شفا بخش - اعتدال کیمی - خواهر پریشان - آسم -

درد سین - درد معده - قاعده - بهمنی - کپور

تنگ در داک - اعتدال باغ

شالک (*popularnigra*) ۱۵.

درد العصاب - در رگت و میچه گی - نزل - ورم عصبی - روماتسم

سبب گت - سرخ - اعتدالست مجاور

گلشن (colander)

شش نمش - غم دانه - بهنرایی - طیش قلب - الال - دل نیم در اگر
 نریت - صبی ابرو - ریش ششم - انکر بر

۳۱۱ کل (Larange) (salvia officinalis)
۱۵۲

صفف الحجاب - برآمد - الال - درد سر -

سمه درد - اصلاح بارشنگ - تمامه دردناک - راسم

عرو نشانه - سوختن - نبش زخرد و شراب

ورون (*verbena officinalis*) ۱۵۰
سفاسمیری

درد الصواب - برداشت - ملولس - الال -

دل درد - متب - سترن - سینه درد - کر درد

ماش

A - B

و تیر

مستقیم:

سردر بنای - اخصاب

ستایش :

مزدیغه - سیندود - از دایر ادر - ترمیت آباد

الار - زخم بنی - کبه - ناض دو

دنياين = A - B - C

مترپات = آين - منفر - مي - منترن - مکنز - مسماي

منعش :

اکسیرجوان - منترن کتنه - بيار غم باد - سرطان

قنه - طراير - سل - آسم - زکام - کلبه سره -

خه منترن - سلان اوده - برسيٹ - کتب مکيه رخنه -

طاسي سر - حاحنه - منترن اکمران

شماره :

۱۳۶

دینارین $A-B_1 + B_2 - C$ - ع

مستند -
دارد در ج. ا. - ترتیب الحساب - سرطاب - سل - آسم -

رنگام - سی. سرمد - هنر خراب

بام

و نیا

ستایش

A-B-C

۱۵۶

انصاف - متبک - صرا - سودا - متعین

کرم - مزد دانه

دعوت ۱۳

کامل آن

ستایش = بهترین دالاس از دایادادار - در دستان - نیت نامن و در

مترال - ریزش سو - کست نامن

ترخون
املاح
عقارب
شکبش :

امصاب - بیمار در عجز - کرب طامون - انشاء آور

رودود - امانت

در ادب و بیان

ادب و آداب - آشنایان - خدمت - سخن دل - گفتار -
 احسان - گفتار - قریب - از شهرت در زمان

گود (آلوده) داور کلمه - منزه - آهین - منزه - بیکم - منزه
مفتاحی:

اجماع و در قرآن برابر افعاب - کم فاع - بشت داور - منزه

رماستم - عقب شرایر -

سیاه دانه (شوینز) (کون هنر)

استفاده: $A - D - E$ =

مستی اعصاب - آوار و عرق دشوار از بار دهنده - استقامت بر تان -
 ماسکوبه در کرم - ماسکوبه در خال - کپله -

ماسکوبه در دود
 مرق آن اثر بکرم ماسکوبه می شود آکسیداسیون
 تفریت مرقه

نک (میرد منت ستر) (سینه دستی)

دوین A - B - D

ت سنبش

فرانجش - ستر مر اس پیانه - کبه و طار -
از دله لوت - ریشه - تنگ مکی - براسی -
فرانج تاراج را باره کت - صنفج لوت - سرمن -
صفا ن - عیش - مکر کرد -
خود با بادام دنگ بر کز است اعق و رطیل
طاس -

ستر = که صنف درخت است عیله ستری سده - سرطان

جو :

۱۶۴

در ار منتر - مکیم - آبن و دین ۱۸
شفا سنبش : در ار منتر است

فرز دوست (سرمق) (عنقر)

مالیزلار - سرود دیکام - مستی - آدامش بخش

مذتشیج - سده

مشک زمینی

مذتشیج:

دھاب - مادکلن - لٹو - مذتشم کرب

در قریب قلب و دماغ - ادرار آور - ضد کرم -

بامد - ضد سم عکرب - سنگ ساز - درد مار کھسی

سورج مند

سیس (افسیمون) (دواء المجنون) (بیج منبر) ۱۶۶

کریک - منفر - پیاسم

شفا نمبر :

مذہن - سرطان - تشنج کب - امراض کھسی - صرع

مالینزیو - کامبوس - فلیج - باحسی الیاء -

تیار کھنہ - سیرقان - کنگلی عین - دیفتریا

آریشو - - - - -

شفا بخشی

محرک ادرار - کبه - متب - گریب - مالاریا - بزرگی - نرس
رماستم - مکرر کهرت

آقسی (پلم) (sureau) (ambucunigra)

در دالهاب - یبرکت - بروقتیت - ورم همد - جرش بیک
کبه - انزاع رماستم - زکام - -

۶۲۳۳۳۳

آویشن (*Thymus*) (*vulgaris*)

سیاه سرفه - ضعف و ناتوانی - پیچیدگی معده - درد معده -
زخم - اختلالات کبدی - زکام - خشکی - باد زهر نگران در ترابک
کبد - حیرت مان - مهبج لثت - کبودی - زخم جگر -
سیاه سرفه

ازگیل (کنوس)

آشترین - آب دمان - برنگ - سالدک - الال
اختلالات قاعده - زخم زخم کردن سینه - عطش - غش مزاج
جوش - خنجر بر -

{ دست گرفتن چوب ازگیل برابر اعصاب معده است }

اکلیل کروی (*lemonarin*) (*rosmarinus*) ^{*offiginalis*}

آسم - پیچیدگی معده - درد معده - جراحت کبد - بهرام -
سیر - مدفن خاک - ماسم

بارق سرنیزه ای (*plantain*) ^{*lanceolata*} *plantago*

کم خرا - آسم - سرفه - درد معده - مکرر درد - بنه آمدن ادرار
زخم دانه - حرکت کرات چشم

پروانش (گل تلفی) (pereneht)

آشترین - پروانشیت - زرشیت سفید - (گل زرد)

خزیز پر بنک - ورم پستان - ضرب زدگی

نتره رنگ (پورا) (noireau)

عقب شراین - پروانشیت - پروانش - سوجافه -

نتره - پیش نگر عذاب

بنفشه (violette)

آشترین - پروانشیت - سبزه سرخ - لشدن ادا -

سریب - سیرن - بیمار پوست - زکام - اعتلالات کبد

بنفشه رنگ (سند) (penere) (viola tricolor)

تلفی:

جوش صورت - آگر - دلی - ابراهن پوست -

فارش پوست - رماشم - سرخ مزجی -

ذرت

تمشک (Ronce) (*Rubus fruticosus*)^{۱۷۰}

دنیامین A-B₁-C

تکثیر

آهسته آهسته - برگرد - اسرار - در دهن - ورم خونی -
مزه - صفت - ساقه - در دهن - ورم خونی -

ساقش : آهسته آهسته - ساق - در دهن -

ورم سرخ - لقا - ورم سرخ - ورم سرخ -
رما - ورم سرخ

زرنگ (E pine - vine) (*E pine - vine*)

آهسته آهسته - ساق - در دهن -
اسرار - کبه - ساق - در دهن -
صفت - ساق - در دهن -

قرنجان - در دهن -

Raponticum
رپونتیوم (Raponticum) (*Raponticum*)
رپونتیوم - در دهن -
رپونتیوم - در دهن -
رپونتیوم - در دهن -

زغال افته (*vaccinium - myrtillus*)

دربست - الال - بواسبر - باقیدار در ادا - سرفه

سبزین بیان (*Regline*) ۱۶

سینه درد - آثرین - برستیت - دل درد - تب

خونریزی ریه - زکام - شانه - ورم چشم

ملک صفت مند (*chiendent*)

اگزما - کبه - برتقان - سنگ کبه صزا -

مکنزیت کبه - رما تبسم

شقایق (لاله) (*nepes veridorens*)

آسمه دندان - آثرین - آسم - پردشتیت - سیرک -

بیمبراج - درد شقیقه - خج - بی صر - سرفه -

شقایق النواں (لاله سرخ) بیمار سینه - سیرک -

آثرین - عت دانه - ^{ادرار} - ^{حصن} - سیرک -

غافله (Agrimone) ^{expultroria} (Agrimonia)

آسترین - برکت - مگردد - زخم غریب خراگ - الال

جرب - قزیت - واریس

۱۲۲

گره (ortie)

کرم خن - جرب (مکال) - مرض قه - الال - نوزد سر

امراض نوبت - زکریار - رماستم - خن نوزد زنی

سمل گادون (Dourache)

گریب - بروشت - رگام - ورم مکیه - انه اکمبه

سرحد - مملک

که و
نیای : $A - B_1 - B_2 - C$
شغیر : شغل - مسه - بواسیر - ورم زخم -
ورم چرک - کرم اصل مکیه - کرم مسه -

گل سبزه دار (rouel) (calandula officinalis)

سوفت - پوست - منجی - سرما زدگی - درد معده -
جران کبه - زخم معده - قاعده نامرتب - زردی

مارچوبه (sperdize)

طیش قلب - نفابت و جوشان - سرطان -
اصقان کبه - حبس البول

برگه (lavigne) (vatis vinifera) ۱۷۵

سکونت - درم دانه زردی - الال - سرما زدگی - درم معده -
خون زردی بواسیر - جوش - سکه کت - فتح مزه
واریس -

ذغال اخته

B - C

دینا

آین - مدسم

مشاکشیر : آتاپ سده - قنبریت رود - خنجر

لربا سبز

وینا سبز
سراد
A - C
پروین

سفایش:

تخت روم - مپتیر از سقط مین - لدور -
سند شاه - کر قیج آب در بار - ابرام من مبدی
مکنیت دستک بتغس - سرادر آگ - کزما زدا

آلبا

امداد = فسر
سفایش = ادرار - رماستم - درد حاصل - صرنا
مردان لار - سزیه آن بار از بانه چهار سند مبدی -
سزیه پوت -

۱۷۲

سکر (انزه) (بنا سے انار)

سفایش:

منا نقارلو - سرکان - ورم پا - مکنیت -

مدر ادرار - فندق - زباد کردن ستر - مرمی مته -

ما بر کردن حصن - بن آدرودن خون دما - ضداد آن باند بهار کزما

دشمنه کزما با اکل به به روز در آفتاب بهار ابریشم مولد

سکر (باسلق) (گرا نین با کزما)

وینا سبز

سفایش:

سزیه اسمان - میکرب بهری -

سکر تلقی بهار سبز

شرحت

تفکیر

مسور - پاک کننده - جعبه - امراض رود

بهداشت

شستن - و با - طارون - سرطون - ریشه اطفال - کبه

عدم اطفال

کافور

منه منزه آکه ، جبار تنفس

بر اثر توجیه موزه تعجب و در آنجا

مراکز

مراکز

مراکز (براسیون)

کشتی نفس و امراض در بر با گل سفید - آسم - ادار - سل

زرد چوب

ست خنجر

کبهه صزا - چشم - استقاء - برکان

ما صیران (میر صیران)

مانی عمار. آن ~~بصل~~ هزار دنگد - سرطان - کبه -

مسئل مقرر - م عمار. آن با عسل ۲۰۰ گنگ مکروا

پنج (میر. درخت کمر) (پتیه وحشی)

۱۷۵

رنیا پر

زاد الزانک

A - B - C

مده. - صزا ۱ - سینه - قلب - کم خا. - سل -

سمل زاده الزانک = حنه شنج - مقرر مده.

نماز ماغنی (پاورزانهان)

شفا بخش

تفصیل فزون - فادش - مادگن - مومنت

برابر برابر برص :

پس رز باک کردن ص. وردد. بهی ۱۵ روز

اگر نماز ماغنی ایس - میل شود

مرغ (بهی گویا)

شفا بخش :

ادار - نرم نه بهیت - شکم زبان - مومنت

بیمیش شکم - سرخ -

کلفت صفت به : الال - خنجر بر - ایلم ص.

و دم خج - مکن دود

دره سدر (کنار)

و تاسین A - B - C

{ مناد بهر آن دایرستش بهر آن بهر انصاب مانع آن }

سفا بخش - محاش - هزاره - ص. - کشه کرم سیسی الصا

امر و صواب

کونجه

حلیه و بیاتی A - C - K

ستب کورس - حرمز پارت - نرم و سگرا - ایسه -

مادس فغان را بهر کورس - سینه و سرخ - ترک اقب و

موت منی

آب معدنی (شاهان گلاب)

تغذیه :

سرور - جرب - اگرما - جرش صورت - اسرار دیک
شد کبد و شانه - امراض قلب

حزن به

قلب - سرور دشت - کفویت ^{بایا} تنفس - یزدنست
آب برنج ششم - عصاره کشیدن دندان - کرمیت صمد -

کرمیت سر

دشمن

ورم طحال - مسموم - اسهال - کبد - سرور وین دیک

سورنجان

نورس - رماستم - بیاکتب - بواسیر

آب معنی (شکر آب)

سنگین = سردا - جب - اگر ما - در سحر
اسیادرم - سنگ کلیه و نیش - اسرافیل

آب دریا

بهت دلی روز نذر یک ناست عاری مزار

141

۱- یک گرم کلرید پتاسیم (گولگنگ ش. آبراهه بخسین) بمقدار یک گرم
و بعد از آن با آب ولرم در سه تا چهار فنجان
میرستود

۲- یک گرم پتاسف = ۱۵ گرم

۳- شلغم

۴- روغن کرچک

۵- بادام

۶- بابونه و بیض تا یک گرم

۷- ششام سبز

بادام - زیت - مزه پسته کهنه - گندم - چکنور -

پونه - گل لادن - ج - کاهو - سیب - برنج - کرفس

سیب زمینی - کدو - تره گندم - گوجه - کشمش -

سکریه زیت - کاسنی - فو - بادام - قارچ - کدو - آرتیشو -

سردرد خفون

انتهای مغز دار برای اعصاب

سیب - هندوانه - خربزه - قارچ - مارچوبه - آرتیشو -

کدو - تره گندم - تربچه - کشمش - ریزه سر - کدو

سیب زمینی ترش - زرد آلو - انجیر - انگور

انده منیزیم دار بهار العباد

میخدر - کاهو - اسفنج - برنج - گندم - سیب زمینی
 هریج - بادام - سزکرت - فندق - ذرت -
 ج - خا - لوبیا - برنج - گندم - گندم -
 مرکب - صو - زرد آلو

انده دارا و تاسین B₁

سبوس (سبوس) - شلرک برنج - خربوز - گندم - کاهو -
 هریج - اسفنج - کلم - زرد - بادام - فندق

انده آئین دار بهار العباد

سبوس - مارچوبه - گندم - ج - برنج - اسفنج - میخدر -
 صیفی - کاهو - ذرت - شلرک - بادام -
 زرد آلو - گندم - کرفس - خا - سیب زمینی -
 آندور - فلفل - هریج - پیاز - کاسنی - آلبالو

میردشن گیتی

x ستر ۳۰ گرم در ستر
 سکرده ۸ گرم در نصف فتهان
 لوب ب سینه ۸ گرم در نصف فتهان
 x درآه خورجی ۱۵ گرم در نصف فتهان
 نه سر ۹ گرم در نصف فتهان
 سوزد - مبر - کرم ۸ گرم در نصف فتهان

$$\begin{aligned} 24 &= X \\ 25 &= + \\ 26 &= - \end{aligned}$$
[illegible][illegible]

نتایج خود آبی مرتب

۱۸

۱- آراسن

۲- کتین در دما

۳- درک تمام قیام در یکی هرگز نشد و صافیت نسبی را صفت دنگان
 ۴- قطعه بر قندک روی بر کتین در دما یکی نسبی از نسبی دنگان (در صورت آراسن دنگان نسبی)
 ۵- کتین بایقی (انتقاد از ماعدور)

۶- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

در مینش

۷- کتین بایسن (جام ۷۷۷)
 ۸- کتین بایسن (جام ۷۷۷)
 ۹- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۰- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۱- آتش بین عمارا می سوزد

۱۲- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۳- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۴- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۵- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۶- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۷- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱- آراسن

۲- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۳- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۴- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۵- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۶- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۷- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۸- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۹- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۰- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۱- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۲- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۳- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۴- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۵- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۶- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۷- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۸- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۱۹- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۲۰- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۲۱- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۲۲- کتین بایسن (جام ۷۷۷)

۲۴ - ۱۵ - یکم مرداد ۱۳۰۶

۱۷ - علیہ مدارے گئے تھے - حال - آئیہ دردی کم

۳۵ ۱۸ - راجه خردا از سبها و مبه را باز گردانم

۲۵ ۱۸ - در خرد را از سببها و مجرب را بکار درم
۲۶ ۱۹ - در هر سوره که اراد کنی از کتابه خارج مستم و قسم خرد را درم

۲۷ - تمام مندرجہ بالا ۱۷ دسم (دہشت و)

۲۸ - ۲۹ - زبان فہرہاں را و خواہے آن را در کسم

۲۶ ۲۳ - جہانگیر خان "ابو مطہر" (م)

۲۔ افکار پر کردار کا نام

۱۷ - ۲ - استعمال مگر اس عظیم (خدا آئی) محمد مہر کس کی سزا میں

۲۲ ۲۵ - ریحان ترش

۲۵ - احاطه شدن متوسط طبقات حاله نوزاد

۴۴ لا انا وانا مني من

۲۶ - مکتبہ سے منجانبہ، مکتبہ (آسی)

۴۹ - جزائر مشرقیہ کہ درہام عالم وجود عابر تسیر کم (مہدی)

۴۴ - یورکینہ ن (گلی)

۴۸ -۹- بیورسکریس (ٹریڈ)

۴۹ - ۵۲ - کتب معتادہ مخبران دہم

Scari

امام محمد باقر علیه السلام

✓ — علم و نور

۸ - اتم اعداد

9 - آخر فلو

one

۱۰۔ ارتباط، امور است آسان۔

۱۱ - مسعود میرزا

[illegible]

۱۲۔ قلعہ بنامہ

~~10/10/10~~

۱۲) ایجاب بر لزوم محض است

فہرست

- ۲۴ ۱ - سید سید جلال (ان دہم)
- ۲۵ ۱۷ - سید جلال گشتہ - حال - آئینہ در درک کم
- ۲۵ ۱۸ - اردو خرد از سید سید داؤد آزاد
- ۲۶ ۱۹ - در پرستش از ادبکن از کاتبہ خادمہ سترم دہم درک کم
- ۲۷ ۲۰ - سید سید صفت از ان دہم (داشت و)
- ۲۸ ۲۱ - زبان خرد از ادبکن از ادبکن
- ۲۹ ۲۲ - سید سید از ادبکن از ادبکن
- ۳۰ ۲۳ - اکملہ کسرا درک کم
- ۳۱ ۲۴ - استعمال کسرا درک کم (خدا آئی) سید سید کسرا
- ۳۲ ۲۵ - سید سید از ادبکن
- ۳۲ ۲۶ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۳ ۲۷ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۴ ۲۸ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۵ ۲۹ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۶ ۳۰ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۷ ۳۱ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۸ ۳۲ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳۹ ۳۳ - سید سید از ادبکن (سید سید)

- ۱ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۲ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۳ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۴ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۵ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۶ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۷ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۸ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۹ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۱۰ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۱۱ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۱۲ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۱۳ - سید سید از ادبکن (سید سید)
- ۱۴ - سید سید از ادبکن (سید سید)

۲۹ ~~مهر واد~~ ~~مهر واد~~ ~~مهر واد~~

نقد ادبی از ~~مهر واد~~ ~~مهر واد~~ ~~مهر واد~~
۱- آدم / مرد و آن ملتیب و پاهانت خود آید

است - قرآن مجید

(آل عمران - ۳۳) - خداوند عالم آدم - نوح - آل ابراهیم -

و آل عمران را در جانها برگزید

ب- تورات (مغز پیاپی)

۱- (مغز ۲- ۸) خداوند آدم را در باغی در عدن برگزید

۲- (مغز ۳- ۴۴) آدم از باغ عدن بیرون رانده شد در مشرق

آن باغ در کردستان ساکن شد

قرص = عدن کردستان (مغز ۱۰- ۱۵) (مغز ۱۵- ۱۰) قرص

زنگی آدم

۱- دمار (۱۱۵ - بین از نوامه (مغز ۱۵)) آدم از باغ عدن

رانده شد و در سرانجام در عدن ساکن شد

حدیث قبیله

۱- در علم (مجموعه) (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره
 ۲- در علم (مجموعه) (پ ۱۷۴۳ - پ ۱۷۴۴) و نجف و غیره
 ۳- در علم (مجموعه) (پ ۱۷۴۴ - پ ۱۷۴۵) و نجف و غیره

۴- نوح (مجموعه الغفار) (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) ۱۹

قرآن مجید
 (پ ۱۷۴۰ - پ ۱۷۴۱) و نجف و غیره

۱- در علم (مجموعه) (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۲- در علم (پ ۱۷۹۵ - پ ۱۷۹۶) و نجف و غیره

۳- در علم (پ ۲۴۴۳ - پ ۲۴۴۴) و نجف و غیره

۴- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

مجموعه نوح

۱- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۲- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۳- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۴- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۱- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۲- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۳- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

۴- در علم (پ ۱۷۴۲ - پ ۱۷۴۳) و نجف و غیره

م - هرد (۲۱۲۴ - ۲۱۱۲) (پ آ)

قرآن مجید

(ذاریت - م) قوم ماد با طواغیت ناپردستانه

فرزند عبد الله بن حلوت بن مادی بن عمرو بن سام بود که

~~در سال (۲۱۱۲ - پ آ) متولد شد و در سال~~

(۲۱۱۲ - پ آ) وفات یافت

ل - صالح (۲۲۴۸ - ۲۵۲۸ - پ آ)

قرآن مجید

(هرد - د) صبیح آسمان به قوم صالح پیام نمود و از سر

صالح در سال ۲۲۴۸ (پ آ) متولد شد

معجزات صالح

قرآن مجید

۱ - (نمر - ۲۲) صالح به امر قوم خود نافع (مشرور و نیک) بزرگ

ده ساله را از زمین گشاده کرد و بیرون آورد (۲۲۶۸ - پ آ)

۲ - مرد در بنام قه اربن سالف بن ترکی زن نام سلطان مشرور و نافع

را پی کرد و ده ساله را از زمین گشاده کرد و بیرون آورد

صالح سنگی از زمین به خاک در بر سرش انداخت

۱۶۱

۵ - ابراهیم (۵۹۸ - ۵۷۷ - پ آ)

قرآن مجید

(صافات - ۹۵) آتش بر ابراهیم سرد شد

دلت - در سال (۵۹۸ - پ آ) بی نارس (نوزاد) پسر سمراس

ابراهیم را در آتش انداخته و آتش بر او را گدازید

معجزات ابراهیم

۱ - سرد شد آتش

۲ - در او رفتیم در آب نزدیک کرد و جنت الهی

۳ - و نه کردن مرغان گویا

۴ - حکم نمودن آتش و حراره بادش قطعی کرد

خیال تجدد و بسازد بهر ابراهیم دانست

۷- لوط (متر ۷۱۵ - پ آ)

قرآن مجید

(ص ۸۱) - قمر لوط سنگباران شده
(عج - ۷۲) قمر لوط حکام ملک آصاب امام محمد باقر

معجزات لوط

۱- نمایان شدن ستون در در آراسان

۲- کرر شدن جبهه دران در لوط

۳- ریز کردن لوط

۸- ارباب (متر ۱۷۴ - پ آ)

قرآن مجید

(ص ۸۱) - ارباب قزاقان را پیش راه برده

و همیشه از راه می رفته

۹- شعیب (متر ۷۱۵ - پ آ)

۲۴

قرآن مجید

(مکبر - ۷۳) قمر شعیب با زلزله نابود شده

معجزات شعیب

۱- ایستادن زلزله

۲- باران آتش از آراسان

۳- آوردن سگ و گاو و گوسفند و گاو

۴- احباب اکبر را - در زمان آتش فشانده آورد

۵- در نزد مدین کنار راه رسیدن آسمان به زمین

۱۰- حضرت

و در آتش عالم

۱۱- مری (متر ۷۱۵ - پ آ)

معجزات مری

قرآن مجید

۱- (متر ۹) مری از دکان

۲- (متر ۵۱) مری با عمار و سحر - بگم زاده و دوازده هزار

۳- (متر ۱۱) مری دستش از زمین بریده

۴- (متر ۱) بگم زاده و دوازده هزار

۵- (متر ۱۱) مری با عمار و سحر - بگم زاده و دوازده هزار

۶- (متر ۱۱) مری با عمار و سحر - بگم زاده و دوازده هزار

۱۲- البوس (شعر ۸۴- ب. آ)

معجزات ایوان

۱- زود آوردن آتش - از آسمان و سرزبان کنگرگان

۲- آوردن باد صحر

۳- زخم کردن یوسف بن مسی

۴- آوردن آب در آسمان

۵- صعود به آسمان و بازگشت و گویان در بارش

۶- زخم ماعن ناکهون

۱۳- یوسفر (شعر ۹۰- ب. آ)

معجزات یوسفر

۱- برآوردن آفتاب در سرزمین بلقا

۲- شکافتن آب در

۱۴- یوسفر (شعر ۱۱۴- ب. آ)

معجزات یوسفر

۱- برآوردن آب در

۱۵- دادر (۵۵۱- ۵۵۲- ب. آ)

قرآن مجید معجزات دادر

۱- (مر - ۱۷) کوهها در میان مسکن دادر دستان

۲- (مر - ۲۲) دادر آفتاب را برآورد

۳- (اب - ۷۹) کوهها و دریاها دادر را میزد

۴- (ب - ۱۰) کوهها دادر را بستم گفته در میان بالامیت کرد

داین بهشتی / ۱۲۱

۵- (مر - ۲۲) دادر آفتاب را برآورد

۶- (مر - ۲۲) دادر آفتاب را برآورد

۱۵- سیان (۵۷۲- ۵۷۳- ب. آ)

معجزات سیان

قرآن مجید

۱- (مر - ۱۷) سیان با سر عجب کرد

۲- (مر - ۲۲) سیان با سر عجب کرد

۳- (مر - ۲۸) کوهها در میان مسکن دادر دستان

۴- (اب - ۸۱) کوهها و دریاها دادر را میزد

۵- (مر - ۲۲) دادر آفتاب را برآورد

۱۷- البشع (۷۹۴م - پ آ)

سجرات البشع

- ۱- راه رفتن مردم در آب
- ۲- سفار دادن بیس
- ۳- سفار دادن کردن مادر زاد
- ۴- زن کردن مردگان
- ۵- بهر دو آردن احیاء کنگی از آب

۱۸- آرمسار (۸۹۴م - پ آ)

سجرات آرمسار

- ۱- ترجمت للمفرات تا بیت الله سر (م)
- ۲- پس از سه سال مردن دوباره زنده

سجرات بیاں

۱- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس عامر و کورد

۲- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در ادریس و کورد

۳- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں است نادر و سوز

۴- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۵- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۶- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۷- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۸- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۹- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۱۰- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں در نرانی و ادریس

۱۵- ~~سجرات بیاں~~ سجرات بیاں (۵۹۵م - پ آ)

سجرات بیاں

در نرانی و ادریس که در زمان نبی الفریخته است و در وقت

سال از هر یک آنجا که است

حضرت عیسیٰ (ع)

- ۱- در سال (۵۵۹۴-بآ) مطهر ۸۹۴ سال پس از بنا
کثرت عیسی در بیت الله المم در روز ۱۵ دسمبر به دنیا آمد
- ۲- مادر عیسی حنا (م) دختر عمران از فرزندان سلیمان بن داود بود

معجزات عیسی مسیح

الف- قرآن مجید

- ۱- (آل عمران - ۴۱) عیسی در گهواره با مردم سخن گفت
- ۲- (آل عمران - ۴۲) عیسی سر دورا زنده کرد و عیسی و کور مادر زاد را شفا داد
- ۳- (نور - ۱۵۵) او با کوزه عیسی را بقیق رساند نه در آفتاب
نترانسته که در راه در آتش نه بلکه ستنی سینه لایق
- ۴- (آل عمران - ۴۸) عیسی از قبل محسوسه برنی ساخته و در آن
فرد و کور مادر زاد و عیسی را شفا داد و مرد بکامرا زنده کرد
و از نیت مردم را قیود کرد
- ۵- (مریم - ۲۳) عیسی با مردم سخن گفت و در روز دهم سن
چشمه آبکی با خون زد
- ۶- (مائده - ۱۱۵) مائده از آسمان بر او نازل شد

۱۹- اسقیا (۴۹۵۰-بآ)

معجزات عیسی مسیح

- ۱- با استراحت و غیره از نیکوکاران بابل و نام دیگر
- ۲- میزان از زمین از دست است

۲۰- در بکار (۴۹۷۸-بآ)

معجزات در سال

- ۱- بیکسور و آتش
- ۲- با سبیل در بابل و در راه جاده آمدن به زنده ماند
- ۳- محبت السفر به آن در مرد

۲۱- جریس (۵۲۰۲ - ۵۲۵۵ بآ)

معجزات جریس

- ۱- از بند پرست نه
- ۲- به سرش میوه آفتی زد
- ۳- با دزدان در راه نزد
- ۴- با کلبه در دهان انداخت
- ۵- سر بگذاشته به کلبه از دهان کینه لایق
- ۶- با کلبه سرش گداور در راه از آن کرد
- ۷- پس از وفاتش مردم در آنجا آسمان را شکافتند

ب - انجمن برناب

۱ - (مض ۱۱۲ - ۱۴) سیرت گفت آنگاه مردم از کشته خاوری

زیر اخذای من در از زمین به آسمان میرد و نظر آن خاوری در
تقریر مردم تا مردم میگویند که من هستم

۲ - (مض ۲۱۷ - ۸) آهنگ آواز بود و در ادبانه از این شعر

که کت کردان اعتقاد کردند که در میان سیرت

۳ - (مض ۲۱۹ - ۱۹) سیرت گفت چون مردم مرا سیرت خوانند

بود استیمنه و برداشتند مردم خیار که میبرد ام

ب - انجمن لری

(مض ۱ - ۵) اگر تو میستی با من چه گفته تو سیرت

سیرت (بودا) گفته که تو گوئی که من هستم

تذکره شاعران

(مض ۱۸ - ۲۲) سیرت گفت (بودا) که آید تو میستی

هستی سیرت (بودا) گفت این را تو میگوئی که من

مستی هستم

ت - انجمن مرستی

۱۹

(مض ۱۵ - ۵) اما سیرت (بودا) با دین مردم از اخذای

بیدار میست

سیرت سحر است از انجمن مگر اید

۱ - حکام تو میستی و در میان مردم و چایان در ترکیب لریست

لری (مض ۲ + ۸ - ۲)

۲ - مردمیون ایران به لاری میگویند و اظهار داشتند طبع سیرت

در مشرق دیده اند و خبر دین بیرونهای که در دین

در لریست لری (بودا) (۴) مردم با اضطراب بیان کردند و

تا سیرت در سالک لری لقب میبردند و امیناً مردم میسرا

برده بودند تا لری (بودا) (۱) مردم در دین از مردم اکرام

در آداب سیرت

مستی (۲ - ۱۲۱)

لری (۲ + ۸ - ۱۳)

۳ - شاعران لری (ناصر حیدر) مردم از مردم لری

بنا میسرا

مستی (۲ - ۹ - ۱۲)

لری (۲ - ۳۹ - ۹)

لم - هکاتیدیمی دایمسی سم را تیر داد کیمو ترکی از اکتاف
سبر آتانه

متی (عقود ۱۷ - ۱۴)
لوتا (عقود ۳۲ - ۲۷)
مرستی (عقود ۱۱ - ۹)

۵ - ستمون به در بطرس مجن آید مجنر دمسر دست ادبنا بر گفت
تر ستمون به سیر بر نایستی اما با کبفا (صحره) سرو دوشوی
در نزد ستمون به نشانیل اسم او را گفت و از نادستر خبر داد
برضا (عقود ۵۵ - ۵۱)

۶ - در دبه هکانای جیل در مجلس کردی ستمون کرد کیم را میسی
به از خانه میزد
برضا (عقود ۱۱ - ۱)

۷ - در نزد کیمو کتر سو فار ساره وقت ظهر حکام عزت
به جیل احوالات زن سامری را میسی بیان کرد و مردم
سو فار را در معراجی دیدند
برضا (عقود ۴۵ - ۱)

۸ - در ستمون جیل در محل قانا (محل مانده) کیمی از سردارین در باره ستمون
که در کیمو نایتم اکتاف است ستمون ستمون و در ستمون
برود دمی او را شناساد

متی (عقود ۱۷ - ۱۴)
مرستی (عقود ۱۱ - ۹)
لوتا (عقود ۱۴ - ۱۲)
برضا (عقود ۴۵ - ۴۲)

۹ - کیمی در نزد کیمو جیل در نزد ستمون (بطرس) و از بارین
و ستمون در نزد کیمو جیل فاهلان زنادی را دان داد
و در نزد کیمو و ما قلمی باین ستمون ما هیکر در ستمون
لوتا (عقود ۱۵ - ۱۳)

۱۰ - کیمی در نزد کیمو جیل در نزد کیمو، نیر دیم
دیو را را شناساد
متی (عقود ۱۴ - ۱۳)

۱۱ - کیمی در نزد کیمو جیل در نزد کیمو و از بارین
ستمون (بطرس) که ستمون است شناساد و در
به نزد حکام عزت آید که از کیمو از بارین را شناساد
مرستی (عقود ۲۹ - ۱)
لوتا (عقود ۴۵ - ۴۲)
متی (عقود ۱۴ - ۸)

۱۲- همی در جیل در نزد ستمون یک جزایر استناد

مت (۸-۲)

لوما (مض ۵-۱۲)

مرمت (مض ۱-۴)

۱۳- همی در کن خانه یک افعی استناد و اهل جزیره

بیر در بیان خود

مت (مض ۹-۱)

مرمت (مض ۲-۱)

لوما (ف ۵-۱۷)

۱۴- در ایام میر میر در ادبیم در نزد یک حرمیت که اولی

در نزد یک در دانه رسنه سخی که درین گهرچه و مدار ۲۸ سال

درست استناد

میرف (مض ۵-۱)

۱۵- در یک روزه ستم همی در یادگاه سخی معلول و در نزد

اهل و میر و وزیران شاد

مت (مض ۱۳-۹)

مرمت (ف ۳-۱)

لوما (ف ۳-۵)

۱۶- در کن در میان جیل همی در حضور که از انزاس ۵ جیل

و میر و اورشیم و اردن و نژادی صبر و صبر و بیاد استناد

مت (مض ۱۲-۱۵)

مرمت (مض ۳-۷)

۱۷- همی در جیل در نزد کن خانه یک افعی در ادر

نزد شمع میر و دآن افعی استناد

مت (مض ۸-۵)

لوما (ف ۷-۱)

۱۸- همی میر یک پیر و زن را که مردم در نزد ناسی در حضور

شگردان در دانه کتونه کند و این دانه در تمام پیر و ستم

لوما (مض ۸-۱۲)

۱۹- یکی که در نژات میر و شگردان میر و همی استناد در آمال

همی شتمون شقای بیادان بود

مت (مض ۱۱-۲)

لوما (مض ۷-۱۱)

۲۰- همی در نزد کن از سیم و در نزد ستمون از انزاس در د

یک وزیر و بیادان بود

مت (مض ۱۲-۲۲)

۲۱- عیسی در نزد یهود و در میان اهل بیت (علیهم السلام) و اهل بیت (علیهم السلام)
آینه خبر داد

متن (مض ۱۲-۲۱)

۲۲- در نزد شیخان در دربار طمانی برپا شد و عیسی به طمان
زان در داد و آردم آرمش

متن (مض ۸-۱۸)

لوحه (۸-۲۲)

مرمت (۴-۳۵)

۲۳- در سرزمین جبرائیل مردی دیوانه با جام سپاه به نزد عیسی آمد
و شفا یافت و آمد به دیگاو و مرمت و شرح شفا

خبر داد باین کار

متن (مض ۸-۲۸)

لوحه (۸-۲۵)

مرمت (۵-۱)

۲۴- یسعی بنام یاسر و سرور عباد گناه بود و در سری یار داد
و زنی دیگر که ۳۰ سال فرزندی نداشت شفا یافت و عیسی
با بقای بطرس - بحیرت بیوفای خانه یاسر و سرور
و دفتر دوازده سال یاسر و سرور را که مرد بود زن کرد

متن (مض ۹-۱۸)

مرمت (۵-۲۱)

لوحه (۸-۴)

۲۵- در نزد نابینا و کنگر لال را شفا داد

متن (۹-۲۷)

۲۶- عیسی در استان جبل سلیمان از یار یاران به ۱۳ نفر
حرار یونان نزد یزدان داد تا شفا دهند و هر یک از آن زن خانه

متن (مض ۹-۳۵)

متن (۱۱-۱)

مرمت (۵-۵)

لوحه (۱-۱)

۲۷- در کنار دریا بنجر را شفا داد از بیخ و سر آن

متن (۱۴-۱۴)

مرمت (۵-۵)

لوحه (۱۰-۱۰)

برخ (۵-۱)

۲۸ - شکر کردن با قاین بزرگ در دو هفته و طمانینه و در سالی
به از بیهوشی عسکه طمانینه را در دو قدم به در آب گشته است
و آب شکر است و با نظر به در آب را در وقت خواب

رسم

مق (۱۴ - ۲۴)

مرصق (۵ - ۴۷)

برق (۵ - ۱۵)

۲۹ - بجزار ستر مردود سحره و به مرنه با کشی مار مرزد از طبرستان

چگونگی نام گرمیت نزد عسیر و باخته عسیر از اخبار

آینه گفتگو

برق (۹ - ۲۲)

۳۰ - بی نام صور و صید و در زنی به و تقامام

مق (۱۵ - ۲۱)

مرصق (۷ - ۲۴)

۳۱ - عسیر از صید و در مرزین الیا پوس گرس

در نزدیکی دریا کشی کرد گنگ در استنداد و در هفت

قرصه و در هزار مرز و اسیر که در یک در نان

صفت زنبیل مرث

مق (۱۵ - ۲۹)

مرصق (۷ - ۲۱)

۳۲ - در بیهوشی عسیر یک کور را شفا داد

مق (۵ - ۱۵)

مرصق (۸ - ۱۳)

۳۳ - عسیر در نزد بطرس - بیهوش - برق - به در بطرس در

کربیت و هیات عسیر و حکام و تغییر کرد و مانده و حق در شب

نزد مرث در آن حال مرث و ابیس بجز در سینه در حاکم

در بود و ملک و در شلم گفتگو کرد و به روشی به آفاق ساه

اکله و بود

مق (۱۷ - ۱)

مرصق (۹ - ۲)

لوق (۹ - ۲۸)

۳۴ - مرد در سیر مرصق و در نزد شکر کردن به نزد مرثی در

و عسیر در استنداد

مق (۱۷ - ۱۴)

مرصق (۹ - ۱۴)

لوق (۹ - ۲۷)

۳۵- عسر در مایه جلی در بار بار گشت انداختن
دکتر مامون دست مامورین بابت از نظر مر (مستحق)
مالیات در استیضای عسر از اسیر قتالی بهر جا از است

ورد در لای بی سدا از کرم

مرص (۱۸-۱)

حقی (۹-۲۲)

لوتا (۹-۴۵)

۳۶- عسر در سبب به تعلیم میروان کرد است و فرود ام ام
در ام میروان گشت بهر است به ادب نشد عسر فایر است
برف (۸-۲۱) و (۱۱-۲۵)

۳۷- در نزد یک حرم سیر که عسر در خردم را بین کور و زاری
راست دارد

برف (۹-۱)

۳۸- خواهر زنی بنام مریم که لال بود در دیده اسیر شد و تعلیم
به بیت عسر شفا نام
لوتا (۱۰-۲۸) د (۱۱-۴۴)

۳۹- در یک روز سبب عسر در یادنگ، سفا و تعلیم م د زنی و
که ۱۸ ساله یار و دایه است و کمر سوز خفته ۲۵ د
سفا در دو پیش در است
لوتا (۱۲-۱۰)

۴۰- عسر از رود اردن گشت به اورشلیم و در ده
مبار استفا در استفا دار
لوتا (۱۴-۱)

۴۱- مرد در بنام ابلیخ از مریم مریم در نظر به پاک عسر و عبت
در دیده به بیت عسر بهم و گشت اورشلیم (دیده مریم دوتا)
بجارت و مرد و عسر عسر لغوی است که در استفا دار
گفته است بهانه و ادما زن، مونا و یار و زن و زن
برف (عقل ۱۱-۱)

۴۴ - قافیه‌های پر در هفته قتل عیسی را کرد عیسی از او تسلیم
بسرور جلی و سایر روستا در نزدیکی زبیه. یک

جنه ام در استفاد

موت (۱۱ - ۴۵)

لور (۱۷ - ۱۱)

۴۵ - عیسی به کثرت از بیماری‌ها می‌درماند با جادوگری
و بی‌علمی که از کور کردن نام (بارتیموس) استفاد

موت (۲۹ - ۲۰)

موت (۱۰ - ۴۳)

لور (۱۸ - ۲۵)

۴۶ - در نزدیکی اورشلم عیسی به دست مای و کور و زنگ
رفت و در نزد مردم اورشلم و باستان کورانی
در فرجه در کردن و سرارت بشهر آمد و در محوطه صعبه کوران

و ننگان در دست دارد

موت (۱ - ۳۱)

لور (۱۹ - ۲۹)

موت (۱۱ - ۱)

لور (۱۲ - ۱۲)

۴۷ - در نزدیکی کورانی در نزدیکی اورشلم در دست انجیر کثرت
در عیسی از آن داد و با در دست

موت (۲۱ - ۱۸)

موت (۱۲ - ۱۲)

لور (۱۶ - ۴۷)

۴۸ - عیسی در اورشلم در دست عیسی بطرس در دست و دست
و در دست و در دست که کورانی دارد و در دست و دست

از صاحب خانه آن با در خانه و در دست و دست و دست و دست

یکی از دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست
و در دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست

موت (۲۳ - ۵۸)

موت (۱۴ - ۵۴)

لور (۲۲ - ۵۴)

لور (۱۸ - ۱۵)

۴۹ - عیسی در دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست
و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست
و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست و دست

موت (۲۲ - ۱۲)

لور (۲۲ - ۲۱)

موت (۱۴ - ۲۵)

لور (۱۵ - ۱۵)

۴۸ - مردم مجله زار بر سر آمدن عیسی بر ادعای ایشان

بر ما (۶ - ۱۱)

مرست (۹ - ۱۵)

می (۹ - ۲۸)

۴۹ - تکیه کردن باستانشناسان در اطراف معبد مسیح

بر آنجا ظاهر شد

مرست (۱۴ - ۱۵)

بر ما (۲۴ - ۲۵)

بر ما (۱ - ۲۰)

۵۰ - در کناره رود در جبهه (تپه اریس) معبد تکیه کردن

ظاهر شد (فصل ۲۱)

۵۱ - در کناره رود در جبهه (تپه اریس) معبد تکیه کردن

هر یک به یک در سر در و به تعلیم مردم بپردازد

می (۱۵ - ۲۸)

مرست (۱۵ - ۱۵)

۵۲ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود در کناره رود

بر ما (۲۴ - ۲۴)

بر ما (۱ - ۱۱۴)

۵۳ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

۵۴ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

۵۵ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

۵۶ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

۵۷ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

۵۸ - در سبب تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

تکیه بر سر تپه اریس در کناره رود

در بارگاه

۱- سنه ۱۷۰۹ (۱۷۰۹-۱۷۰۸) که در سنه ۱۲۲۸ در سال

کتب

۲- سنه ۱۷۱۰ (۱۷۱۰-۱۷۰۹) که در سنه ۱۲۲۹ در سال

در سنه ۱۷۱۱ (۱۷۱۱-۱۷۱۰) که در سنه ۱۲۳۰ در سال

۳- سنه ۱۷۱۲ (۱۷۱۲-۱۷۱۱) که در سنه ۱۲۳۲ در سال

۴- سنه ۱۷۱۳ (۱۷۱۳-۱۷۱۲) که در سنه ۱۲۳۳ در سال

۵- سنه ۱۷۱۴ (۱۷۱۴-۱۷۱۳) که در سنه ۱۲۳۴ در سال

تعارفات رهروان حضرت محمد بن عبد الله (ص)

۱- تورات

الف سفر پیدایش

۱- (مض ۱۲-۴) در بیان حرا سکنی خواهد شد

۲- (مض ۱۷-۱۸) خداوند اسباب را بارور میگرداند

و از من در روز دهم سبط بزرگ محمد نام آید

ب- سفر تشبیه

۱- (مض ۳۳-۱) خداوند سبأ بر آید از سبأ که می آید

و از یاران (ح ۱) در خشان خواهد کرد

۲- و حق بزرگ (بها و طوفا)

الف - هزار ادل

محمد بزرگ مقدر هنگامیکه ظهور نماید زمین را به سز خود

روشن خواهد نمود و نشان قیامت را در آید

و در این احوال ظهور شود بزبان او ماهی که کند و از میان

به دیار می آید و در راه اطمینان کند که در شرط است برای

بسی موافقت و سر از قعالی می آید و در دست قطع می آید

تتبع الابرار تا اکت ملا ابدان به تنه

۴ - صفت ابراهیم

(مض ۳۸)

ا - ای ابراهیم هر که وادعیان او در دوزخ است

ب - یا هر که در دوزخ با او پیوسته

۵ - صفت حق تعالی

(مض ۳۹ - ۴۰) خداوند تعالی می آید و فاضل از پادشاهان (۱)

۶ - صفت سلیمان

(مض ۴۱ - ۴۲) او که در دکانش شیرین می باشد

۷ - صفت استیاد

ا - (مض ۴۳ - ۴۴) خدا را برادر جد و نسیم گوید و

سلطنت او بر لاد است تا ابد

ب - (۴۵ - ۴۶) در محلی که در آن شکست داده آواز خود را

میدانند

پ - (۴۷ - ۴۸) ای کسی که مادر او مشکاف می خورد

۷ - حشر

(مض ۴۹ - ۵۰) که در هر نفر کافران است

۸ - انجیل برنابا

ا - (مض ۵۱ - ۵۲) خداوند راست آدم کمال (لا اله الا الله)

و بهشت چشمت (که آن رسول الله) زشت

ب - (۵۳ - ۵۴) چون او را دیدم دلم از تنگی چهره گشتم

ای که خدا را با تو باشد

پ - (۵۵ - ۵۶) ای که خدا را با تو باشد

د - (۵۷ - ۵۸) آفریدم زشتی را که مادر را بدادد

ه - (۵۹ - ۶۰) خدا را برادر جد و نسیم گوید و

۹ - (۶۱ - ۶۲) خدا را برادر جد و نسیم گوید و

۱۰ - (۶۳ - ۶۴) که در هر خدا می جان می آید

۱۱ - (۶۵ - ۶۶) یا ما نام مبارک او که است

۱۲ - (۶۷ - ۶۸) در هر آب گشت گشت نام او که است

۹- انجیل یوحنا

ا. (مض ۱۴ - ۱۳) من از پدر خواهم خواست که در
فارقیت (از دست رفتن) بر یکدیگر حس یعنی ستودن و محبت را این
به به که تا این باشد

ب. (۱۴ - ۲۵) فارقیت (محبت) روح نصیحت کند که
ج. (۱۵ - ۲۵) فارقیت را از سر چه در بهار خود هم

ت. (۱۵ - ۲۵) اگر من مردم فارقیت ببرم که آن

ث. (۱۶ - ۹) چون فارقیت بیاورد به الی دادی خدایا
ج. (۱۳ - ۱۵) فارقیت به من ستودن خواهد داد

۱۰- انجیل متی

(مض ۱۹ - ۲۸) خدایا که در کجای خدایا نشسته و

دوازده سبط به آنجا خواهد آمد

۱۱- حامی کلمه

مردی از فرزندان یسوع که در موت او به صحت گذر
میبرد قبل از او بپای داشت ایام این به است زنان و کودکان

خداوند افتاد آن مرد بپای کعبه ۲۲ هر که بگوید نام من ۲۲
مهر آرزای (ستودن - محبت) است و زن که او را زن و
مشترب است

۱۲- مانی

مردی عظیم عمر آنکه دوازده جانشین دارد

مبشران محبت

ربیع الاذن (مطیع) - دشتن - بنوع الحیر - مشهور -

عس الاودی - ابرقپیس - اسن - خاله بن زن - آبجاشقی

زیمین لغیر - عام مدوان - مرد و الکلی

نسب حضرت محمد (ص)

۱- محمد الله	۱۶- محمد	۳۱- نادر
۲- محمد الطيب	۱۷- ابراهيم	۳۲- ساروخ
۳- محمد بن سفيان	۱۸- محمد	۳۳- رافع
۴- محمد بن سفيان	۱۹- نزار	۳۴- قاسم
۵- محمد	۲۰- محمد	۳۵- ناصر
۶- محمد	۲۱- محمد	۳۶- شامخ
۷- محمد	۲۲- ابراهيم	۳۷- ابراهيم
۸- محمد	۲۳- ناصر	۳۸- سام
۹- محمد	۲۴- سواد	۳۹- نوح
۱۰- محمد	۲۵- سواد	۴۰- لاسخ
۱۱- محمد	۲۶- شبيب	۴۱- شوشاخ
۱۲- محمد	۲۷- شبيب	۴۲- اخوخ
۱۳- محمد	۲۸- اسير	۴۳- بارور
۱۴- محمد	۲۹- ابراهيم	۴۴- مهابين
۱۵- محمد	۳۰- تارخ	۴۵- قسان
		۴۶- ابراهيم
		۴۷- ابراهيم
		۴۸- آدم

و قايح زنده محمد بن عبد الله (ص)

- ۱- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- وصف محمد بن محمد
- ۲- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۳- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۴- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۵- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۶- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۷- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۸- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۹- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۱۰- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۱۱- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت
- ۱۲- محمد بن عبد الله كنيته اسد اب القاسم لقبه معظي ماد من آغا بنت

مطالعه نهج مجاز و معانی

۱۳- (۵۲۵-۲) مازن - سینه سنان

۱۴- (۵۲۷-۲) مکتب قدس بنی مراد و ابوسفیان

۱۵- (۵۲۹-۲) ادب و جمعه سنان

۱۶- (۵۳۰-۲) مکتب و تبار اکتد

۱۷- (۵۳۱-۲) مکتب و تبار اکتد

و مع بنای طالب و بایستی سرفراز

۱۸- (۵۳۲-۲) مکتب و تبار اکتد

رمیت فرورد

نقد ادبی از مجرات حضرت

محمد بن عبد الله (ص)

قرآن مجید

الف - (مکتب - ۱) مکتب و تبار اکتد

ب - (افعال - ۱۷) آفاق و اکتد

ترمق و متقی مکتب و تبار اکتد

ب - (افعال - ۴۵) آفاق و اکتد

مکتب و تبار اکتد

ت - (افعال - ۱۰۵) مکتب و تبار اکتد

آفاق و اکتد

ث - (مکتب - ۹۴) مکتب و تبار اکتد

۱ - (مکتب - ۱۰) مکتب و تبار اکتد

۲ - (افعال - ۳۵) مکتب و تبار اکتد

۳ - (افعال - ۱۰۹) مکتب و تبار اکتد

مکتب و تبار اکتد

منہج تہذیب نامہ

ملاحضات

خ - (اجواب - ۹) اسٹن ہتھکڑی دیا؟ بادو
گنڈیہ رزمیہ خانہ دارم تاجہ خان مجرم
د - (طور - ۴۲) پارہ اس آسمان زد آسمان
ز - (سرس - ۶۸) کتبا ای کہ معجزات ارواح پودگی
ہیں آشکار

ر - (احقاف - ۲۳) ابری درخت دم تاجہ ہیں پیدر اما آ
ایان نادر

ز - (صفت - ۵) سرگت ہیں رزمی پیاہل مآپک
نام اد اند است مآورا با معجزات (سندھ) امانت جادو
آشکار

ژ - ۹ مجہ معجزات وکب دمنہ داشتہ داکتہ جادو
آشکار

(مح - ۴۲) - (سب - ۴۲) - (پہ - ۴۲)

س - ۹ مجہ معجزات آشکار دمنہ داشتہ
(حیر - ۹) - (وہا - ۱۸)

سٹ - تمام انبیا و راہ معجزات وکب دمنہ داشتہ دمنہ
(سرس - ۷۴) - (طہ - ۲۲) - (تہ - ۵)
(حیر - ۲۵)

ص - (آلہا - ۱۲۲) مہ ہار فرشتہ زنت دم

ض - (الہا - ۱) مہ ہار معجزات مہ ہار
مہ ہار دمنہ داشتہ

۱- سال قبل از تولد محمد (ص) بمطالع در آب آینه در حق اربابیت و
در بیحدت استقامت زین را خواندند و در بعضی از آن در
سالم اس بمطالع در آب زرد و در اطراف باز کردند و
دارند و اس که حکام تولد و زینت و در بارگاه

۲- شب اول حضرت محمد (ص) نوزجی احوال را فرمود
طبرانی ابی طالب - ۴۲ - فاطمیت - زینب -
آنها نوزاد است هر کدام

[illegible]

۴- حکام مقرر کرده اند که در هر کسری که در راه و در راه
از آن ~~مستحق~~ شکرست بر داشت و آنگاه فارس خاورست

و در طایفه ساده به زمین و درخت و دیگر خانه کعبه و در زمین
اقتاد و سه که هر دو در دبد سببه بران داشت
و صاحب سائب منعم خبر تولد هر دو در عجب و تعجب را
به انزلیستان داد

۵- سمن بن ذی یزید در حبشه حاکم شد و او را مادر کرد
که را خراب کند و آنرا در طایفه جلیله ~~نیز~~ نامیده شد

۶- حکام سزیم ابوطالب با آن که او را دکت مکرر کرد
در حالتی که او را سرشان آمد و در راه رسید و
راغب بگریه که آن را در راه دیدم و از صومعه به راه آمدم

و آنرا از راه فرمود و ابوطالب گفت اگر این سیر را بپوشان
بشناسد او را از آنکه داشت و در دست فتنی از مردم مکرر کرد

۷- که بود ابوطالب و محمد بن شام و سببه ابوالهیب راغب
نیز آنان آمد و دیانت نه گمراشت و از سببه او بنده داد

۸- سب ۴۴۴۴ ذی الحجه سال (۸- ۵۵) مطابق با
(۵۱۴- ۵۱۵) در وادی ابلج در محل کعبه منزه است که

ابرمقیس بن ابی اسلمه صاحب و در نزد شاه از نایب از قرین
بیزان حضرت که کرده ماه از میان سوداگران و دو پارچه از هم جدا
شد و در میان سببه است این عروسته در آن محل حضور
داشت از به :

حضرت ۴- عبدالله بن سعد - ابی هب - امیر کربان قحانه

جیب بن ابلج - محمد بن قاسم - ابوطالب - عبدالمطلب - ابر

حزین - ابن ابی کعبه - اسحق بن مالک - ذی یزید یانی - (در راه)

محمد بن عمر - عبدالله بن یاسر - جبر بن مطعم - سلمان فارسی

ابرهیم - عقیق - بخاری و شاه کعبه و در نزد از نایب و قابل و نیز

سزایان شام و این دو فرزند که در خدمت او بودند و حضرت

وصفت فرزند را که او را داد

۹- حضرت محمد در هر دو حضرت ۴- ام سلمه - ابی هب و سببه

عبدالله بن سعد - ابی هب - ابن یاسر - ابی هب و سببه

فایز و سببه و در سببه عقیق در وادی کراخ النعم و امیر در سببه

کفان که در سببه آفتاب را سببه و از سببه او بنده داد

۱۲ - در عقب او دست محمد علی کشید در نزد با ابوالفتح همدانی
ازین دار و معرفت که دست او را در من مصلی فرود

۷. یکتا شد در حدیقه و در عشق حوت درون برتر رسد بر این حدیقه
داد که در صلح نصیب کرد و آن را آب غمی بردند و حوت بهار از
سودان که با هر کس که بود به آب رسد

۱۸ - سقراط قید جسدی گشتی - بعد از ۳۰ روز سقراط در شهادت

۱۹ - محمد بن مرداس از خاندان بنی هاشم است

۲۰ - در قید طاعت گنجهای با سقراط محبت کرد

۲۱ - سقراط در سبزه سبز از قید طاعت اهل بیت در کف مودت از

قد مکنه سر زرد سبزه بنی هاشم که در فروع از کف سبزه

مزدربود و با سقراط از کف خود و بنی هاشم در کف مودت از

۲۲ - ملک بن السیف - ملک بن السیف - حاکم بنی هاشم

حاکم بنی هاشم - امیر سرین - اظف - امیر باج - امیر کماله

ثابت بن قیس - شعله - امیر حواری - امیر کماله

است بر فانیست که گم کردیم از آن حواری که کماله و امیر

به یقین در خدا و رب که گم کردیم از آن حواری که کماله و امیر

با دو کماله

۲۳ - سر در تمام حاکم بنی هاشم از قید طاعت بود

کماله کرد در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

مزدربود در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

۲۴ - در سبزه حاکم بنی هاشم در سبزه حاکم بنی هاشم

۲۵ - محمد بنی هاشم حاکم بنی هاشم که در کف طاعت بنی هاشم

به کماله آمد از کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

و به کماله آمد از کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

شست و شست و شست و شست و شست و شست و شست و شست

۲۶ - کماله کرد در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

محمّد کرد در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

تشکیل شد به اهل بیت حاضر و زائر

۲۷ - در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

محمّد - امیر - امیر - امیر - امیر - امیر - امیر - امیر

حاکم بنی هاشم

۲۸ - حاکم بنی هاشم در کف طاعت بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

محمد بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

حاکم بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

۲۹ - حاکم بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

محمد بنی هاشم و از کف طاعت بنی هاشم

محمد بنی هاشم

۱- در کتب مایه دیوان بنی قریظه برادر می خلدن در ۱
برکت آ-

۲- در نزد محمد صبیح کتبا حضرت محمد را صلح نمود

۳- محمد بن حسن بن حنیف - خاله بن ابرو العنصری ولید
نام بنی انبیا رسته دشتی از سر جاده بر محمد درود فرستاد

۴- در کتب طائفت در محمد بنب در وقت که از آن که
اربعان به دیار رسته این در وقت نام سوره الفها مقرر شد

۵- در نزد دیگر عمار کتبا که ملک محمد را صلح نمود

۶- در نزد قاضی نغان رجبی برادران که در کتب در آن که

۷- محمد در راه ذی القعدة از کتب عین به با صبر از بازگشت
در وقت کتب برادران و برادران

۸- در کتب احوال در سبب فتح که با برادران که با برادران

۹- در کتب احوال در سبب فتح که با برادران که با برادران

۱۰- در کتب احوال در سبب فتح که با برادران که با برادران

۱۱- در کتب محمد در نزد این کتبا که در کتب محمد
بنی محسن اسیر داد و آن در کتب سبب

۱۲- بنابر احوال کار با برادران که کتبا کتب کتبا

۱۳- محمد در نزد اسامی - کبر - ابرو - از کتب کتب کتب
جواب برادران آورد

۱۴- سر آقا بن ملک جیشم از کتب کتبا در نزد کتب
سبب از کتب کتبا حضرت محمد را لغت کتبا برادران که

۱۵- در کتب کتبا در کتب کتبا برادران که
اسب در کتب کتبا فتح ابرو - محمد - در کتب
توسط کتبا برادران

۱۶- در کتب کتبا در کتب کتبا برادران که
که سر احوال آنان بود منزلت در کتب کتبا

۱۷- محمد در نزد قید اسلم در سبب کتبا برادران که
که کتبا در کتب کتبا و آن کتب کتبا کتبا
در سبب کتبا - جاب بنی به الله فقار کتبا برادران

۴۵ - بزای که دست راستش از طائفه عبدالعزیز سعید است
دوم - = بزای که شتر به الدادنی رام است
۴۶ - تحت بین ام لب که عقبه کشتن صوب که در شتر است
نهارت هم در وسط یک شتر در چوب است

۴۸ - به مردم است در قحطین نوز و بزایان که امر در آن زمان به مردم
است و بزرگان به مردم

۴۹ - در یک میز بین سلمه بن اناکوح زخم هکلی به مردم است
و بزایان که در امتش به مردم است

۵۰ - در یک مرد است ساذین نزا نوسه ابهر از بوی
هم است دایم آن که به مردم است

۵۱ - بزایان که مرد است ۸۰ سال از عمر عمر بن الحنظلی
است که است دایم ساذین سعید است

۵۲ - مرد کور است شام نمان بن حنیف مادمه شام است
و در نزد دایم ساذین سعید است

۵۳ - در یک بزرگ کشتن زایل به ام لب چهره که ۲۱۰
در نزد ابهر چهره - خالده - و بزایان که رودخانه است
باز است دیکم از آن آب نوسه و صوب به معاذ بن جل
لاسه دایم ساذین سعید است

۵۴ - صوب که در نزد دایم ساذین سعید است
ابهر چهره ساذین سعید است

۵۵ - در یک بزرگ در به مردم کشتن زایل به مردم است
نزد دایم ساذین سعید است و بزایان که دیکم است

۵۶ - ساذین سعید است از دایم ساذین سعید است
عاصم بن لهر - به الدادنی از نوسه به مردم است
شام دارد و در آن نوسه دیکم ساذین سعید است

۵۷ - ساذین سعید است به مردم ساذین سعید است
آب ساذین سعید است و در دایم ساذین سعید است
ابهر چهره

۵۵ - درنگ راد صوب که از یک ضرب کرک

تک نشسته رانده ادا

۵۶ - صوت که شب با اول الارض از یک به بیت القدس

صوت دوم گشت دار و فتح آید خبر داد و فرود آمد ای یغی
ستر آزار و آرم کرد بهانه و صوت از و غم نام به غار و سینه خبر داد

۵۷ - که گشته شدن خبر بد در راه صاف به اهل خبر داد

۵۸ - که در نزد صوب و صوم - جام پر به الله انصار - که از اسم

ایم در انصار - که در صوب خط و قمر از گدازان درنگ

تبرک از و خبر داد در صاف با یک بن کمران بعد رسیده
زنده کرد

۵۹ - صوب که در نزد خبر از اهل صوب یوسف بن کعب را که

مرد بود - فرستاد

۶۰ - صوب که در انصاری بن مالک از گشت و مرد آب

به راه و منبر و آرد

۶۱ - خبر در دلی به گشت که خبر بدین امر کرد. که گشت

در کرم صوب از خبر داد که سبب بین خبر بدین

بماند که گشت را با کرد به بیت خبر بدین گشت در به

که از خبر در پس از همین با ۱۶۱ اتمام آرد

۶۲ - در نزد صوب به صوب بهایش تک صوب با به سینه و آن که

در حق گشت کرد

۶۳ - در نزد حصین تک صوب به صوب که گشت خبر داد

۶۴ - درنگ خبر خبر در صوب و صوب که گشت خبر داد

۶۵ - سستی از طائف را که ایمل پرسن را گرفته و در نزد صوب آمد

و بر آن که در حق از وسط یک گشت او به و امیر از انزل

یون آن مرد را به صوب ۱۶۲

۶۶ - در بقیع الوقاء در نزد انوش و در انصاف

مرد با یک از صوب گشت

۶۷ - در بیک خبر در از گشت با صوت که سستی گشت و پس از

صوب که آن در از گشت که ادا به صوب و به خبر داد

چاه ابو الهثم بن هبنا انانت

۷۸ - حکم بن ابی العاص کم غشای بر مردان در بازار مدینه
بعیت بم اعتقاد کفر و صورتش زشت و دماران
گشای از مدینه بیرون رانده شد

۷۹ - محمد دسر الحرام در نزد احمق کسی به به تازانای
طغیان می کرد و از آن نوز ساطع شد

۸۰ - در کتب بر محمد مثنی خاک و طرمت دکتی بر تائب کرد
و کتب تائب شد و وزارت کرد و بیس بن عبد المطلب دستگیر کرد
و محمد از دوی کرد و در نزد امام الفضل گشته بود و خبر داد

۸۱ - در کتب با بیدمان بن قریط و کمر و بن بیدد و محمد از نزد
محمد مدینه گشته و بنا بر استیلا بر مدائن گشته است و محمد با
محمد از کی خدا اعتقاد بر او سر کرد و در سیر جابر بن عبد الله انصاری
را که گشته شد و در نزد او گشته و باین معجزه باین حمد و ثنای

محمد را گفته

محمد را گفته

محمد را گفته

۸۲ - یزید بن عمارت و ابوهر در نزد اسیر که حویر کرد
تقی بر سینه در نزد عروقه بن ابیهر در نزد اسیر که حویر کرد
و یزید را پس از عمارت دینه و ذاکر کرد

۸۳ - پس از کتب ضییر حکم دکتی بر مدینه محمد
و اصحاب به آب عطی رسیده و هزاران که از در آب
گشته شدند بطریق دیگر آنرا حویر شد

۸۴ - محمد و جابر بن عبد الله بن جابر و برادر قن از و ناس
تائبان را کرد

۸۵ - در نزد مکرانه بن ابی هر هزاران که گشته از کتب
به آب جایی آمد و پس باین معجزه باز گشت

۸۶ - محمد طویل عمر کرد (۶۲ سال) و ابیهر از مدینه را کرد

۸۷ - در نزد یزید بن ابی طالب یک کربا با محمد کسی گفت

۸۸ - در بایع بنی النصار در نزد جابر بن عبد الله انصاری - یزید بن قن

تقی - ابوهر - عبد الله و دوی - حویر که با کتب بر کتب را

۸۹ - محمد بن ادریس بن سید (در زیارت ملا محمد نخلی)

دسی مائه ارکی طلائع تمام قرصان سلمان خدای (در باره)

۹۰ - در نزد اسن بن مالک که در هم می آید بیک از مکتبه بود

حضرت محمد در کتب ارفاح بن ادریس در حاضر بود

۹۱ - حضرت محمد در سر حضرت علی و فاطمه از سوره ارکی فانی

تمام بمسک بن محمد ادریس

۹۲ - در کتب فنی حضرت محمد از سوره ارکی که در دفتر به الله ادریس

آورد بود سه هزار و سیصد و پنجاه

۹۳ - در کتب ادریس محمد تمام قرصان فانی بن به الله الفانی ادریس

از ستن ادریس

۹۴ - محمد در نزد ابو طلحه - ام سلمه حلا و اسن بن مالک ادریس

محمد بن ادریس بن سید بن سید بن سید

۹۵ - محمد بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید

۹۶ - محمد بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید

۹۷ - بهادر بن خضر - عامر بن وحید بن عمر در سواد

۹۸ - بهادر بن خضر - محمد بن فاطم - امیر شاد

۹۹ - سکتی با و اسب دیکر چشم محمد بن مسلم در کتب

با کعب بن لاسرف اسن بن ادریس

۱۰۰ - محمد بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید بن سید

شاد

۱۰۱ - عزیز بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

۱۰۲ - محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

ابو معیط - محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

۱۰۳ - در کتب بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

ذی امر عتق کن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

سکتی از دستش افتاد

۱۰۴ - کتبی بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

و سکتی بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

۱۰۵ - در کتب بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

۱۰۷ - در یک چنین دهم از میان قرار شده و
شیعیان بر میان که عقیقه می کرد و اسب و سوارانش را

قرار می دادند و اسب را که سواران بکام می بردند
و سواران را سینه که امیر باریک داشت و دیکم برکشید

۱۰۸ - در یک حیدیه ۸۰ هزار از آن را در آن روز تقسیم
بنام نه می کرد که محمد را قتل می بردند هزار می گفتم علم اوست
نابینا شده

۱۰۸ - یکیز بهادر از سرد میسر به قتل می کرد و اسب و
آن سگ سواران را و کاردان و دشت افتاد

۱۰۹ - در نزد ابی ساسانی (مهرین) از قبیله کنه که در
حجاز است که بیت هزار و سیصد اسب با کمتر میور

... که که ملازم بود و در آن زمان میباید که در میان او
هم می کرد و در آن می بهیشت می پس و در ابلیس گشت

۱۱۰ - تقریب عارث در نزد امیر در عمل کردند و چون سواران
که عقیقه گشت که سواران را در آن میتر بهیشت او و امیر

و از آن زمان و از آن وقت که آن را عباد کرد

۱۱۱ - امیر در نظر داشت که در آن روز ملازم عقیقه می کرد

و سگ را که در آن می کرد بود به سگ صید و پس از آن می
و اسب طاعت امیر و تقاضای سگ از دست افتاد

۱۱۲ - او را قید می صاحب (شام) که می کرد و در میان
که حیدر کرد و در آن روز طایفه ای بهیشت دیکم برین اعداد و اسب را

۱۱۳ - این قبیله سگ را بطرف می بردند و در دست می
ش از میان که نزدیکی بود و در آن

۱۱۴ - در یک اجواب می کرد و می زد بود و در آن می طایفه ای بهیشت
و در آن می میزد و غلطی در دست می شد

۱۱۵ - یک روز در آن می که که ملازم می را می کرد و در آن
آتش میزد و

۱۱۵ - قبیله بن ابی سبط - این بن ملک که نسبت به که باقرانی
کرد و در آن که بیرون رفته که در یک میور عقیقه می کرد

این بن ملک در یک اسب که در آن می کرد و در آن میور عقیقه می کرد
و در آن میور می کرد و در آن میور می کرد

از قتب حاضر ۱

۱۲ - نجات دهنده ابوالهشم بن العباس در نزد
 حویرم و در آن محفل کفک شده بود با او در

۱۲ - در یک سه زمین ایستد که ردام العقل به شدت گزیده
و آن به شدت را محض که در درناحوس که به اقلیت است
از یک از عقب حاضر ۱

۱۲۸ - در سرد زبانه دین الموت صولح جابر کو فک نه م در زمان که جواب

انصار در این حواله محکم یک بیژانه مرد و اسیر را از آن کور

۱۴ - محمد بن عبدالحی، کہ حضرت بہاء الدین کہ مرتد از دین

۱۳۲ - نسبت شایع فیض من منظور آدمی در قیام شرک

۱۴۳ - اہلسردان صلیت زبان دستنی بہ ہزاران کہ یہ چادر چھادے

۱۴۵ - مدارک و ابھین بن ہال توسط محکمہ

۱۴۷ - مرید سر سائب بن یزید و مرید ~~دعوت~~ ^{۲۴} نزهتین ماسوا
نزهت سر سائب است

۱۴۹ - شفق نام محمد بن اخطب در نزد امیرنیک از دس بزازان که
جماع نزد او داشت

۱۴- در حقه المودام در ستر استامینو در وادی رودخانه

۱۵ - ہزاروں ایک شہر گہاں گرسختاں اہڈہ عفاور

۱۴۴ - بزم انوار صفت پیرا، عارف بن عمر الهنزی به صرافت

۱۰۰ مبتدا کثیره مفعول اول از اسلام آوردن و مفعول ثان

۱۴۵ در تهر عمر بن خطاب دعوت فرمایید حضرت محمد (ص)

۱۴- در نزد آهیب بن مساح بمکه آمد و با او سخن گفت

۱۴۷ - در نزد وزیرین ثابت ملک شتر با مکر صحبت کرا

۱۴۸ - دوزخ و جحیم - ابر دجانه - ابر ابر -

سید بن حنیف - سلام بر من - بختبرینم الامور

ستر سنده زنج (م) بم : ماضی سے محبت ۱

۱۲۹ - نام مرآت محمد بن هبش - احمد دجانه مکرم

و شاد ختم در عقبه هزارا که مبارک شتره

۱۵۰ سر ابر است قند بر باد طنین بر آواز مر از

مازندران و نوروز خوار

۱۵۱ - امیر بن دهب کد ارکد - - بنده بهار مرشدیام

کھنڈہ سے لے کر ہر طرف کے اسرار و طبعیت میں بیان کر رہا ہے

۱۵۲ - مکتوب از امام علی (ع) به حضرت زین العابدین (ع)

داد از پدری آن است که در ^{نہاں} خصوص رسول (خدا) و علم

منزلہ سے واپس آکر دیکھا کہ وادہ کے سر پر لالہ لعل

در دام کز

۱۵۳۔ نہایت مختصر و جامع و نیاں نزدی حوزہ علمیہ مبنی مدرسہ علمیہ

رو دیکم، صحت مکمل یافتہ، و عین سلامت

۱۵۴ - در نزول ذات البراق بر در نام ماضی که - در آن روز

بہارِ محمدیہ

۱۵۵ - در سینه و جگر و معده و کبد و طحال و در سراسر بدن و در تمام اعضا و در تمام اعضا و در تمام اعضا

۱۵۵ - مرکز کتب گنجینه امام حسین در دربار - نام نگار

فهرست بطریق از این اعداد

۱۵۵ - سید دما؟ اگر نام محمد ذوالجبارین (عباسی)

در نزار حار مشربا بمکه گفتگو کرد

۱۵۷ - مادر استرین مالک حقوت که در ایام خاندان اسد در

کرد دعوت از آنکس که خدایا بهر آن آمد و فکرم خواند

۱۵۸ - عوسر دہتر دہم خیر فاو - امام حسن مکی گاہر

درستی حاضر ۲

۱۵۹ - فیہ اسے ہر انصار فریادیں کہ مردہ کو کھڑے کرنا

۱۵۱ - در خرد ابد و نیز در صومع بنامی در حق کائنات

نظرت متبذرنیزه مرد و عورت گشتند از هر لاله لاله ای
را به سبب جید بن آیدن ما دفروداد مجنبت بن حصن اودا

۱۵۴ - حکایت خوب مر واکرم در بار شکر بدنه خوب مر
باسم نژاد مین واکرم و من حسن و الفار و امر و

۱۵۵ - در وادی سحر یک گزشت که رسد ابی ذرینا بر ملا کرد

۱۵۷ - معیت مراد علی خان - اسیر خان - اسیر خان - اسیر خان
اسیر خان - اسیر خان - اسیر خان - اسیر خان

به نمار کف بر دد و غیر آنکارا به آفات دد

۱۵۹ - معرکہ و صومعہ، نظر اومد، داسر برکات نامہ پرتہ

۱۷۱ - بعد از دایم گمان - یار با سر جوی از میان دهنش گذشت

ادراختنه د سپر مار شورت

۱۷۳ - در مکتبم. ص ۱۲۱ (۲) - اب: ای ذاتی

اپر - مزار - اسفند - مهر و بنو احمد

۱۷۶ - صوت که در نزد امیر جوگ در آتش عظیم را
از آسمان می آید

۱۷۷ - صوت که در سال (۱۰-۹) در آن زمان امیر - که از بی سواد
و ماسیه دین نگار یاد می کنند و در حجاب گران در نزد
هنرمندی نام سازد آن را و در مورد دفع شتر از
اذیبت پیش از آن

۱۷۸ - عاقل بن طبر و در بین متین بوقه نشی صوت که
اعراف او آید و از آنکه حاکم از بیچاره و از آنکه سوزان
و نامرستی ببرد و از آنکه ترس به آید

۱۷۹ - صوت که در درانی بی ملک - که از بی بود - نهان
از بیچاره را به بیچاره کرد

۱۸۰ - در نزد آدیس بن خاله - از هر چه - که
صوت که از او آید - که در آتش خزانه سوز
۱۸۱ - در نزد امیر - که از بی بی بی سوز سوزان
که حکمت کرد

۱۸۰ - صوت که در آتش عظیم بن خاله - که در آتش عظیم
صدا و هم از آن بیچاره کرد

۱۸۱ - در یک فنون صوت که در خانه بیچاره افغان را که
دین که در آن صدا در آن آید

۱۸۲ - در سال که در آن زمان امیر با امر و حفظه عسکری
هر اقلوس امیر از مردم به ارمنی که حکام بکشد
در نزدیکی سبب قباد یک مبرر است و صوت که در آن
کرد - که از آنجا بود و صوت که نامی و امر از قبل

آنها را یاد کرد
۱۸۳ - صوت که در خانه اوداع هنر گردان از آنجا که بی بی بی افغان
را می بیند

۱۸۴ - صوت که در یک فنون بیچاره را که بی بی

بی بی افغان که در آنجا بی بی افغان

۱۸۵ - صوت که در دین و دین و دین و دین

صوت که در آنجا بی بی افغان که در آنجا بی بی افغان
در آنجا بی بی افغان

۱۸۵ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

ح دبارتک و بجا اهل از این احوال هم که درود

زستاده

۱۸۷ - در سبب ارام در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰

در حد ۳۰ است در حد حوت که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

روند

۱۸۸ - حضرت که بهار از این احوال را سعاداد

۱۸۹ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

۱۹۰ - ابرو - تبه - شبه - و لیه - آمیا - ال وسط

حضرت که بهار از این احوال را سعاداد

این سعاداد و صاحب و سر

۱۹۱ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

در حد ۳۰ است در حد حوت که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

۱۹۲ - اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

در حد ۳۰ است در حد حوت که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

۱۹۳ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

۱۹۴ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

۱۹۵ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

بهران حوت که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

۱۹۵ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

حضرت که بهار از این احوال را سعاداد

۱۹۷ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

سعاداد

۱۹۸ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

بهران حوت که کوه شبر آفت از دگر و ارب و در آفتاب

۱۹۹ - در نزد اهل ازاو از حد حوت ۳۰ از حد حوت

حضرت که بهار از این احوال را سعاداد

۲۰۰ - بر آن که در نزد ام طلب در حق زکات آ

۲۰۱ - بر آن که در نزد ام طلب در حق زکات آ
در سنه اول از ثمن بهار ده دینار و آن چوب

۲۰۲ - نه است که این که استوب عوبی با نیشتر میت زد

۲۰۳ - عوبی به ارباب بن بشر در سنه اول
نیز عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۰۴ - نیز عوبی را اسود میس در سنه اول
عوبی که به ارباب زد

۲۰۵ - عوبی که در نزد ام طلب در حق زکات آ
سریف بن عوبی را که در سنه اول زد

۲۰۶ - عوبی که در نزد ام طلب در حق زکات آ
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۰۷ - در نزد عوبی ام طلب در حق زکات آ
عوبی تر

۲۰۸ - در نزد ام طلب در حق زکات آ
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۰۹ - در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۱۰ - در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۱۱ - در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۱۲ - در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد
در سنه اول عوبی بن عوبی را ده سوز بر آن زد

۲۱۴ - صورتی که چهار دیوار قتل بن حقیقه را تقادار

۲۱۵ - صورتی که خبر به دست دین ازین صرحان را

در عقب نهادن به اهل زور

۲۱۶ - زینب بنت ام سلمه در از بایگ آب دهن
که صورتش در این

۲۱۷ - در نزد زینب بنت ام سلمه در روزی که به صحنه نژاد
که در قریه رکت را

۲۱۸ - خبر شنیدن از زینب بنت ام سلمه در عقب بنوک و بنو

دمنه صحرای کار - محمد بن ابی رباح و قاتل را خود که

بیاورد

۲۱۹ - صورتی که در نزد دین قاتل از کشته شدن

سنگ سیر در دین

۲۲۰ - در نزد امیر قریه بن حنیف صورتی که از بنی فز

خام می آید در دین

۲۲۱ - سفینه که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۲ - سفینه که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را
و ستاد در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۳ - در عقب ابی طالب می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۴ - صورتی که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را
حکام صبح مقدس در دین

۲۲۵ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را
و صورتی که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۶ - صورتی که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۷ - صورتی که در دین می آید به دست خود نژاد که رکت را

بیاورد

۲۲۸ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۲۹ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۳۰ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۳۱ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را

۲۳۲ - در نزد حکام می آید به دست خود نژاد که رکت را

حب سفادر

در بیان این شجره از انجیل

جہاں شہر و شہر دوستید

خطه عربیہ بائیں طرف

در دستش سبزه است

سید

ببرین حاکم

ستیزدیر حسن

۲۴۱ - در یک روز او به نزد شکر اسیر شد و گاه از او در
وزیر دکه و دام که به نزدی این می جلی دکنه و سوز و درنگ
امیرینش

۲۴۲ - معادی - نقاشی بن قرین در دله بن ابی سرخ دلی
و بهر سینه بود است طالب دیگر بنده و دوا
نرسیده آنجا است و اصل دلی در دست او است

۲۴۳ - حور که در نزد ابراهیم خلیل - املی در میان
در الحلیف بازرگ عیتره و از دم دوحه در سینه
خبر در

۲۴۴ - در نزد امیر بن عبدالمکریم انصار سنی در دله
یک باب و در دکن در استیستیک

۲۴۵ - امر به از بر خانه از خراب که ادرا بهر از می از
که به طلب بر تر تر؟ خوار آید که اد پاک است
و بهر از می آتش از آسان و در دکنه و در دکنه
در است در که بهر سینه و دوا بهر گفت مرا
با دیگر

۲۴۶ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۴۷ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۴۸ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۴۹ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۵۰ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۵۱ - حور که در نزد امیر بن عبدالمکریم
و تا سینه از ایل شام (مادی) و در سینه از ایل شام

۲۵۲ - صورت مر خبر در رد بازار دقته بدن ادرا؛ ابرود
در اسز آب - اصب خبر دار

۲۵۲ - در سز تهر ۲۱ ارباب خوب که از لب خیمائی
حارث و خیر دار در هزار و قیه لقا در صحن و در سبب
در ما در لب تابنا خوار است

۲۵۴ - در ذکر حرامه های مقدماتی مکرر کردن دعوت باطل
کر ، رم و کمر بجز آن و بار بار دادن و از خود بیرون
رکعت دعا از آن کردن

۲۵۵ - حرم در زنده الهم عرف و نهار میشت
رنگ را به جراحی تبدیل

۲۵۵ - جتنی ببالد • انیس که کردتش بود هر سه
مستجاب

۲۵۷ - قورچو جبه الله مسعود وراره حمام ارد
ملع ادرک غند مرده دمانه دعو موسی موسی بی سار
میس از در سمانه دمانه کد صغیرا دوضر سغب
برادستور دضر ابولکسر جرم خرابه کتور

۲۵۸ - لار خرد کرده بن زهر در مهبیه حکا که در سقا از
مدجرون رفته صواب که در جای قدر آب بار سینه
و شکرک از تیردان خرد بپزد آورد در جای آن آب
در آب چرب سینه و بالا آید -

۲۵۱ - صورہ میں لکھنا کہ جو علم ادرا میں ہے

در تزلزل و لرزه و این ایام و این روزها و این ماه و این سال و این...

۲۵ - حو - حو در روز مصفاة در طریق

آب و هوا در هرگز نبرد دست و پا در آن

دایم برادر است و غنیمت از خواران و دجایان آن
از آن برکت و سیرت

۲۵۱ - حور و درآرد هم صیقل و نیزه برسان

۶. بساط رحمت آرد

۲۵۳ - کرم از این جا ۴۰ هزار معشیر امانی (۱۰۰۰۰)

۲۶ - حوسد درو نه گنه من ذوالحر لهر، از

منید بی قسم رو در قدح مع باغواص در لندون

۲۵۶ - در نزد دین محمد و بار یک شتر قبه بن ابی لیا
با نظر بجهت احوال از مردم درج

۲۵۷ - حور می بگوید دبا سر بر ماله العذر
مگر دلاوت و شادان و لا ام را از

۲۵۸ - بار (۸-۸) مرد و ستر چیل با
و بار ستر از مردم در شام در مکه نام ستر گردان
و نگار ادم برایت زین عارنه با سه هزار
نزدت کینه دحور رسول در سینه دم قلا
و دلاوت حور بن ابی باب را از

۲۵۹ - حور رسول به ملان مادر کف دلاوت
هر تر آس که مردان در قبرستان
ما تر سکن مکه و ای رهنما در نزد اصحاب
آقا و ائمه

۲۶۰ - حور رسول به ام ۷ ام و در کوه قبرستان
کوه ستر

۲۶۱ - حور رسول و فتح سبت ادیس را
در گنج صفی ۴۰۰ و لمر را

۲۶۲ - سیر از ملک حور که پیران می خواندند
ادرا به زدن چهارم ستر شده و با کرم
سهر دلاوت و از نزل نزدیک قبر نقب زدن
ماید برادر نمایی نام کشتی با الله ستر در خواب
حور رسول و دحور ملک را از ام و ادیس
آید از نزد راد کتله کرد

غدير خم

درسار ۲۴ بعثت سورۃ مائده نازل شد و تلبیه آن و

آئین اسلام مجسمه اسلام گردید

(طالع - ۵) امروز دین شد را کما ذکر کردم و نیت خود را به شما

تمام نمودم .

لنا اصبحت منہ در (۱۸ ذی الحجه - ۲۴ بعثت) در ذی الحجه

از روز من سپهر به دریا رسید و من تمام دین داری

از این من تمام است و هر کس را که من بخواهم بدم

علم بخواهد این علم به او دهم و هر کس من بخواهم

و بخواهم من بخواهم من بخواهم من بخواهم

و من بخواهم من بخواهم من بخواهم من بخواهم

مهدی (ع) است او غالب است و فتح کند و داری

بر من است هر چه بخواهم و نشان من در دین

و هر کس را بخواهم و شخصی است اسلام که از این

و از این بخواهم من بخواهم من بخواهم من بخواهم

به تمام ما غالب است که از این اسلام را از این

سید بن حنیف الفارسی (۳۷-۵۰)

ابو رفاعه صدر محمد بن (٨٥ - ٩٥)

ملکہ سیدہ الدہ کھنئی (۱۳-۲۰)

ابو طهیر بن دینار (۱۱۰-۱۲۰)

میسرین: عبدالمطلب (۲۲-۲۵)

ابن سکه۔ بحوالہ ابن تیمیہ و قرآن و تفسیر (۵-۴)

لبو عماد من عبد الله بن كمر بن علف (٧٢-٨٠)

اس سب سے پہلے کمران بن حسین خاں (۱۵۰۵-۱۵۱۵)

مزدوبی حمی خرائی (۵۰ - ۱۵)

مستاد سے کمر اٹھنے / زخمی (۲۰۰۰ - ۵۰۰)

ابو جبرئیل فضیلہ بن قتبہ اسلمی (۵۵-۵۰)

ماہنامہ میر تقی میر: وقاص زہری (۲۷-۵)

ابو حمزة و هو ابن عبد الله بن ابي (٧٠ - ٥٠)

حبیب بن حرمین ابو قتادہ غزوہ بدر (۷۱-۳)

حضرت بن یاسر رضی اللہ عنہ (دہم)

ابراہیم خاں بن وزیر اعجاز (۵۲-۵۱)

خزیمہ برائیت الفاضل (۳۷-۳)

ابو سخرم خذیبہ بن عمر و خزاہی (۶۸-۷۰)

زیر بن کرام قرشی (۲-۳)

زیرین ارقم الفارسی (۱۸-۵)

اگر سب زہریں ثابت (۴۸-۵۰)

اہم اسکتی سہ بنانی وقاصر (۵۸-۵۹)

در سبب بن سبب مالک انعام (۷۴ - ۵)

سید بن زبیر قرشی (۵۱ - ۵)

ابو محمد علی سلطان فارسی (روزگار) (۵۷-۵۵)

ابن سمية بن محمد (٧٤-٥٠)

نقل از کتب

مناقب خوارزمی - اسه ان؟ - منتخب المصنف
 ذیابیح المرد - قندهاری - راجع من النظر - حفاصیر -
 شرح ابن قفص - تذکره مشهور رازی - تاریخ بغداد
 سنن ادر - کیم الزاد - حیات و لایب
 احوال النبی - روایت الکبری

و تمام بعد از حضرت رسول

۱۵

مردان عرب در سقیفه بنی ساعده اتفاق کردند و ابیه امیر را
 بایسته بنمودند. بیعت کردند و امیر به آن پس از شورش
 امیر را بپایستی تعیین کردند

۱- امیر

عبارت میسم هر دو سال و سه ماه و دو روز خلافت کرد
 در سال (۵-۱۴) منتهی شد

۲- عمر

امیر حفص عمر بن خطاب مدت ده سال و بیست و دو روز
 خلافت کرد و کتب مکتوبه عمر بن خطاب را در سال (۱۷-۱۸)
 در کتب معروف که در کتب معروف است در سال (۲۴-۵)
 عمر در سال (۲۴-۵) منتهی شد و امیر (ابو الدرداء)
 منتهی شد در آن زمان ۵۵ سال از عمرش میگذشت

۳- عثمان

در آن معروف که در کتب مکتوبه عثمان بن عفان در سال
 منتهی شد در آن سال (۲۵-۵) منتهی شد

حضرت علی بن ابی طالب

۱- علی بن ابی طالب کتبه امیر ابوالحسن علی در رتبه
عالمین فاطمه بنت امیر

۲- در سال ۱۳ رجب سال ۴۰ امام قزو (۵-۲۴)
در کوه دودین سال ۴۰

۳- در سال ۱۸ ذی الحجه (۵-۱۰) در کوه دودین
از طرف حاکم کتبه در سال (۵-۱۰) برگزیده
عالمین است به این علم کتبه

گفتاری از حضرت علی (ع) (۱)

- ۱- هر درگاه عالم بر ادب گاه و آسای نعل ارباب صبر باد
و در تنگنای از نادر و بدیان حکم مبرا
- ۲- ذرات زمان بر آت و سلسل کشنده دناها نوسان
مدبر بر جاده و بودش رایست
- ۳- در عالم هستی از راه دشتان سپهر نگرهار مستغناک
ایم خلد از نیر داره
- ۴- از غایت به در است تا با آفرین خود توان گذار
تو را ز محن جو بدست نیرنگ است تا به انبیه او
بهر از در آگاهان
- ۵- ایوان بهر عالم است و است و است و است
ریشه است یعنی شذاست بر هر بنابر شکوه است
ویر است کشتن دهنست
- ۶- در دین در را باز که تا نه بود آسما را نور انیم گردان

۷- کنگر کرکشی زاده دندرا با لطف و فاضل آرد

ترا هم عالم ندیده اولی بهر دین

۸- دندون نام کنگر آید فتنی که سیرت دمی بازگشاید

۹- هر صفتی با عزت م دیر بود هر چه عالم که با آن

فراستر گردد

۱۰- آسمان که از دندون دریا بکار بهر جان با آید

حق آنی فاشش و از آن گواید و بر آید

۱۱- هر راهی که هر روز آید و از یاد آید هر روزی

ردشتر و بین و معارف آید و هر که از علوم با وی ریزد

همه آید بهر

۱۲- محفل استلال و ماسر کنگر را با معارف هر شتر

در ملک فرادرس آن بود معطوب

۱۳- عاتق اقدار آدم و دوزخ ماست و با بهر ملک

و حکمت جان را که هر روز در بر

۱۴- روح را با هر صفا و آندش در فتنه

۱۵- روح فتنه را با کشتی آدم و شتر

۱۶- از دست شتر آب بکشد اینا سر به کوه با برگ

بیه در هر صفت

۱۷- بیزهر کاران بهمن بر هر صفت به آن هر صفت

و قطرات باران بطرف ~~خواجه~~ ^{افق} از آن خادان

به

۱۸- هر در دگر عالم ارواح را که بهمن بخار کب و مانع

سایه بزرگ بود و صفتی و استقامت

حیثی حشیه مادر چنانکه و بود با هر صفت در آن

۱۹- گاهی به سیزده شصت و پنج روح به هم دیگر با هر صفت

و در آن محفل آید و هر که از آن هر روز

و از آن هر صفت

تعدادی از معجزات حضرت علی (ع)

۱- در نزد ۱۰۰۰۰ نفر از قبیله اوسیه خنجر - سلمان فارسی -

در غلّه بن شتراف بزمان حوض علی بین صفا و مردود

زین شکافت خنجر

۲- حضرت علی در نزد صفه بن ابی امیه در بنه سبیل

با یک شتر صحبت کرد و بآن شتر در تار سینه بنام

سنان بن دایم شمرده بود

۳- حضرت علی در نزد عمار یاسر و ثقیف نزد یهود در دهن

نمده نزد یک کوفه به کشتی از آن داد و آن کف از آن

مزد دیدار فی اعلان آوردند

۴- در نزد امام حسن - امام حسین - محمد بن حنفیه -

محمد بن ابی بکر - عمار یاسر - صفه بن ابی امیه -

بزمان علی ابی در آسمان خنجر کرد و دهنی سخن گفت

۵- بنابه اسامه بن زید از حوض علی در نزد یک مدینه

عصه شتر سرخ در از دهن کشتی از آن به دست آمد

۱- حضرت ابوبکر (ع) در حضور حضرت محمد (ص) در میان
و نه در آید به بکوه نزار و بسز سقیدیم آدمی ملک در دین
را از ملک حاضر نوز

۷- در ملک مسکن نام ملوک که با سبکتر زنده آلود
زخم بر داس و در بر کعبه د و حوسم ادر استقادار
۸- حوسم در نزد اصبح نبیته مسکن نام محمد بن دینار به اوج
را که سر دیو در زنده بود

۹- زین نام ام خط (در انصار که با ابوبکر بن ابی قحافه
مت هم کرد و کشته شد بد نام خدایش ابوبکر حوسم نام ادر
زنده بر دینان فارس را در آنجا حضور داشت و ابوبکر
در آن روز بر دینان طلبه

۱۰- حبره بن ابی قحافه که ستم کرد بد و حوسم
نام به سبکتر ادر معنی ادر به سبکتر و

۱۱- محمد بن ابوبکر (ع) در نزد حضرت ابوبکر (ع) در حوسم
بر صید ارتقا با در دین ستم عدول ادر با دین
۱۲- حوسم در ستم نام اسود را در قلم نشاند و حوسم
در آنجا ام حسن - محمد بن ابوبکر (ع) در دین

۱۳- حوسم در نزد ستم تار - سعد بن قحافه بن ابرام
در دین ادر در ستم در سبکتر نام استمال مسکن نام
سعد بن قحافه بن قحافه سعد بن قحافه بن ریح (از قید
عده مسکن نام) در دین خطه بن حان رکود خط
حارث بن حان محمد در سر ستم قلم نشاند و در دین از دین
ادب کرد و زنده بود و این دین به ادر استمال حوسم
در قید صفین کشته شد

۱۴- در نزد اصبح نبیته مسکن نام محمد بن دینار الهام
که ستم کرد بد و در دین ادر دین کرده بد نام حوسم
زنده بود

۱۵- خاله بن دلیه بنزاس برسد کردل صوم ۱۲
لعل مرسانه و صوم نمود از دستش و در گذشت
بچه داماد سالت ایام بکر آفرینا را

۱۶- سلمان فارس در راهی فرستاد و صوم
در نزد سقنی نام زاده از اهل لاری در سنه در آنجا حاضر
و در آنجا ماند

۱۷- بر سر قی بن شهر که شیر باد از دهم دهنان
عصرم ادریک سالت

۱۸- عصرم در نزد مارت اهرم است خزان را

در زمین کاشت و ملاحد نخل و مملوای صوم
در وادی ماقول بر و پس از آن بکسر بود از قاصد

سود در گای کرب که در زار حرام کند چارباشی
کایه است و عصرم جایز ادرایا در سالت و ط ۲۱
در حاضر کرد

۱۹- در نزد عتیق الاسر هزار صوم مردان و زن
۲۰- در تمام سبب ۱۷ صوم در نزد امار با سر و زین و ارم
و نیز زنی نام لبنا صوم در سبب کزنه سالت و صوم
در از نیک حاضر نمود

۲۱- در نزد ابی یس و مکر بن قطب بنی ستران سر کتی نام
۲۲- در نزد ملان فارس و قنبر صوم با است خرد

به باب مسعود بنور

۲۳- صوم پس از بارت از قبضه صوم در نزد
اصحاب رفتند عابری میجر را بطول است در و آب
از هم کاف میزدند

۲۴- در نزد قنبر - سلمان ماری - ایام که - مکر بن قطب بنی ستران
در سالت مردان و زنان و اهرم در و آستگار صوم

۲۵- صوم در نزد ایام بکر زمین از آن را و دوم کرد

۲۶- تمام بارت سالت از نیک خراج در ستران پای
نزد آتک پل سودا در نزد جبرج بن مهر - ایام واقع - صوم
نمود و زاده بکر از اهل کزب آتک
تغییر و نه است

۲۷ - صوت با هم میجو سقنی با هم طبلن بن کرکر مرید کدر
 نکرکر اصحاب بنو سکه همرا آنان به دعبت کر
 ۲۸ - صوت در نزد این باس - سعاد - ابذر - مدان ناری
 در سده هود بنی سعاد سقنی نام حجاج بن حلال بن
 ابی نعیم را که فلج بود شاد دارد و پس از در
 آتش برافزودند و اهل کشته دنا به سیر کرد
 ۲۹ - ابواله بی که در قیف صغنی زخم برداشته بود
 صوت شام
 ۳۰ - هنگامیکه اواب از قیف من و بعد از فتح که
 در سقنی شاند با عودان از عود ۳ که سحران
 حراست و ابان ایدل را به صوت ۳ که در
 و صوت با عود که از سقنی آسان بر آید محبت کر
 و در سقنی - ابی باس - عقل - ابوبکر و راق -
 مدان ناری - ابوزید قمار - ابوبکر برده -
 ابی الحسین ثقی - ابن سنان - ابی یونس الله نظر
 خطیب ابی الله جرجان - ابی اناس حکان - ابی الحسین
 حضور داشته

۳۱ - صوت در دادر بکر (خزنی) هنگامیکه ارکانه ۲۴۳
 به ابی میرفت در نزد ابی اصبح شانه - کمر دین لیث
 مایک سوسار محبت کر
 ۳۲ - صوت در نزد اصبح شانه مایک مای ۳ محبت کر
 ۳۳ - صوت به ابی یونس الله صغنی خطیب و در تارک
 وزن صغنی شانه سوزد سواد به نوزاد
 ۳۴ - ابی البختی که مقصد کشتی صوت ۱۱۱۱
 سقنی شانه بنی ابی یونس از دست اصحاب صوت ۱۱۱۱
 که در سقنی شانه سوزد سواد به نوزاد
 ۳۵ - صوت در نزد اصبح شانه با سقنی شانه و در نزد
 ابی یونس
 ۳۶ - صوت سقنی شانه سوزد سواد به نوزاد
 به اصبح شانه داین باخ خود
 ۳۷ - صوت در سقنی شانه سوزد سواد به نوزاد
 آواز قرآنی در آواز صوت و در آواز اصبح شانه مدان
 حضور داشته

۱۸ - حوسع در نزد اقب در مدینه انیسیه از آب
دوایان مایه بود

۱۹ - حوسع در جبهه قبیله بنی خزیمه با مردان
نام سله بن خطاب میبرد

۲۰ - در جنگ بزرگ حوسع از اردوگاه خود بازگشت
هم در کار

۲۱ - در جنگ حنین در عمل صند و در حوسع
از زمین جنگ آب بریدن آمد و حوسع بن جهم -
قالت - ستمن ملان نشدند

۲۲ - حوسع از حسن بن الحکیم خبری
از غلبه خلافت بر او

۲۳ - حوسع در نزد صاحب کتب دسته از الکرده
و گداگران به ارشاد قلمه سلاسل به در هوا
بالا رست و در دست قلمه در باز میزد و قلمه در دهان
به بین معجزه می نمود

۲۴ - حوسع در نزد بنی قمار کشته شد نام در ام ام ۱۱۰

۲۵ - حوسع در جنگ فیه که مرگش دینور و عمارت دهشت

سید در آن زمان در نزد سلمان فارسی - ابوبکر - ابوذر غفاری
حاکم بن عبد الله امارت - بلال حبش - عمر خطاب - سعدی

خالد بن ولید در جنگ فیه که مرگش با دست از خنجر و
عجب سیرت بود در صحنه فانی و فتره علوی فیه
که این معجزه را در پی بعثت پیامبر در آن

۲۶ - حوسع و من سواد فیه از سواد این علم

از قبیله بنی مراد قبایل را در منبره مادر عان زود
و در آن محل قنبر - منیم تار - کبد بن زود -

صیرة بن مریم - معجزه داشت

۲۷ - حوسع در نزد سید و قاص - قنبر از دهن شمشیر
دوازده هزار درهم به دست فیه کشش بر داشت
نزد و در غنای که سقن به او در آن حوسع
حاکم می شد و تمام غنای خود را به او

(آل) - در زمان حکم ~~سید~~ در مصلحت دستش برید
در دم حوض ~~سقا~~ است

۴۸ - در نزد سلطان فارس در باغ مدینه بنام خواجه ~~سید~~ خط
حوض یک گاه را به این اذاف و از دکان

۴۸ - حوض در مکتب صفی در نزد ملک اشرف
در بهار آب سنگی در وقت دارد و آب بسیار
چشمه و راقب ستمون سلطان است

۴۹ - در زمان حضرت موسی علیه السلام در هام
در میان مدینه و مدبر و ادب مدائن الحکله و مابین سبزه
مکان در دوستی هر دو بنی و گشت ۱۵۰۰ ساله
و مکتب مشهور است و در سیرم و ~~سید~~ (ع)
آنگاه که سید را از مابین بیرون آورد و این صندوق
را به نزد دانه حوض در مکتب سید نزد آن
کار و زمین در آب مدینه و بار بار و در و

۲۴۵
آنگاه که در مکتب در مکتب و در میان از این چهار سال
است و در مکتب را به مکتب و داکه از دانه
۵۰ - در مدینه زاهدی به دکان از انصار ماستی در مکتب
است و آن در مکتب که بسیار عقیق بود و ~~سید~~ "سید"
خود را که کرد و حوض در مکتب و در مکتب بنام الله
حیات در را است و دارد

۵۱ - حوض در مکتب مدینه و مکتب که در مکتب
سردار و در مکتب و دکان مکتب و در مکتب
سنگی در مکتب که مکتب - مکتب و مکتب

۵۲ - در نزد قنبر در نزد یک سقا و آب یک سیر این کار
مکتب و مکتب از مکتب مکتب
مکتب - در مکتب مکتب مکتب و مکتب و مکتب و مکتب
و حوض مکتب و مکتب مکتب و مکتب و مکتب و مکتب
و مکتب و مکتب مکتب و مکتب و مکتب و مکتب و مکتب
و مکتب و مکتب مکتب و مکتب و مکتب و مکتب و مکتب
و در آن مکتب مکتب و مکتب و مکتب و مکتب و مکتب

ابر - عیسو عمر - نماز - صادق - سید - ملک
 زبیر - خاله یحیی ابن - ابراهیم - ابن - ابی بکر
 بشیر - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم -
 ابن - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم -
 ابن - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم -
 ابن - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم -
 ابن - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم - ابراهیم -

۵۰ - حرم در نزد خاله بن وید در نزد مادر مائت موم
 به نام

۵۱ - حرم در نزد مادر و قریب به مادر آب راد
 ۵۲ - حرم در نزد حرم - حرم - حرم - حرم -
 اعدی الله الخ را که قطع شد بود بیاست حرم

۵۳ - در نزد حقیق سنگ در حرم - حرم - حرم -
 حرم بن حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۵۴ - حرم در حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۵۵ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم

۱ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۲ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۳ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۴ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۵ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۶ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۷ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۸ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۹ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 ۱۰ - حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم

۵۶ - در زمان خلافت بنی عباس در حرم حرم حرم حرم
 و قطع شد در حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم

۵۷ - در حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم
 حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم حرم

78v

11-5)

ردیف	نام	تاریخ	مبلغ	شرح
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹</

تعدادی از معجزات حضرت زهرا ^{۲۴۸}

۱- زنی بپیم ام ایمن در محراب بنی مصیبه دیکه کند. بود در
سختی ترک بود توسط حضرت فاطمه آب آشامیدن در پیشه
و نجات یافت

۲- در تردد خانه - سلمان فارسی - ابی ذر غفاری - صوت
آسمان مثل صوت فاطمه فردین را گاه می کرد

۳- در نزدشون بود در - زینب - سلمان فارسی - از چادر صوت
فاطمه زهره را می شنید و حشاد نیز بود سلمان شنید

۴- در نزد ابی ذر غفاری - سلمان فارسی - سه صد و این اسرار
صوت فاطمه را می شنیدند و در راه می شنیدند

۵- صوت فاطمه در نزد صوت عیسی و عیسی از سوی خدا
سلمان - ابراهیم - و مادر دیکار - از خانه از جنب علمام حاضر کرد

۶- در نزد امام حسن و امام حسین جانان از چادر از جنب علمام

۷- در نزد چهار تن از ستمنا سر سبزه نیز از صوت فاطمه از چادر
خداوند استحقاق کرد

تعدادی از محراب است امام حسن (ع)

۱- در نزد این زهر - که بنام اسن الا امام حسن نقل گشت بار در
دما آن محبت کرد

۲- در نزد عام بن عبد الله الفارس - اب سبوحه زهر عام مانی از هوا
صحت را

۳- در نزد عام بن عبد الله الفارس - اب سبوحه زهر عام مانی از هوا

۴- در نزد این زهر - که بنام اسن الا امام حسن نقل گشت بار در
حاضر کرد

۵- در نزد عام بن عبد الله الفارس - زهر بن ارم - سبوحه

در سبوحه رسول بر امام حسن ربه تکاف به

و محمد دایم چیده

۶- در نزد امام بن کثیر بن که از کتب سبوحه رسول بر امام حسن

۷- در نزد که سبوحه بنام این دارد و سبوحه زاده

۸- در نزد که بن حجار، در سبوحه بنام آفرین محبت را

۹- پس در دست موعظ ابی خنیزه ایاز زهر، به سبوحه
تعداد دارد

۱۰ - شام استیلا بر امیر محمد بن مغفور - سوار فارس بفرماندگان امام حسن

از آسمان ابرو را برید

۱۱ - در نزد کثیر بن سلمه از تنگ مر سینه بیرون آورد

۱۲ - در نزد عباس بن محمد بن ابی طالب از تنگ خنجر بیرون زد

و آن را در دست دماوی گرفت

۱۳ - در نزد مغفور به تیرگان آسمان و آن را در دست گرفت

۱۴ - در نزد حماد بن محمد بن سید طوایف از تنگ به شام و

مهر و ماس در اجتهت نمود

۱۵ - به عباس در برابر گنگ در میان راه شال در زد

۱۶ - در نزد امام جعفر مردان را از تنگ بیرون زد

تعدادی از معجزات امام حسین

۱ - امام حسین در نزد امام مسلم بن سنان دایم به با وضو کرد و گویی را

بابت آتش می خاک نزد

۲ - در هشتم ماه محرم که تنگ به اصحاب حسین در آمدیم و

امام حسین بمیل دانه داد و آن کار آب سبزین جویست

و یک اصحاب بر سینه

۳ - مالتک بیرون داد که عقبه خنجر امام حسین در دست برد

و آن را پیش او در ایوان آتش بر تابید

۴ - امام حسین در نزد صالح بن مسلم - نایب امر - ایله

نرخن بیسی حجاب را شفا داد

۵ - در نزد محمد بن مسلم - کثیرین شادان امام حسین به ای

معرفت مع اکبر در فضل که آنکه در نیمه از لب آنهار حاضر کرد

۶ - امام حسین در نزد دیمی بن ام طویل نایب امر کردیم و زنده بود

و زنده من در ایوان آتش زد

۷ - به الله جبره از قید بنی مکرم منتب به امام حسین

در نزد سائب به ادا کرد و بفرمان امام اسبش او را بقتل رساند

در تفسیر لغزانی که در تفسیر امام حسن در نزد محمد بن ماکو
 در استناد او در حاشیای است

۹ - امام حسن در دلدل قطعه طایفه در نزد امام حسن بن علی

بابک ستر صحبت کرد

۱۰ - در نزد منال بن عمر سرحد (۱۰) حسن سرحد

را بر خاند

۱۱ - امام حسن در نزد زبیر بن عوف بنزله شکی در میان داد

و با بر در

سلا نیکه قبیله بنی اسد ستر در قتلگاه با بر در مردار

تعدادی از معجزات امام

زین العابدین (ع)

۱ - در نزد ابی طالب کمال - مکر حقیقه سنگ حج الاسود - امام

صوت زین العابدین بر اثر در

۲ - بر آید مردن لشکر و امام را اسیر کرد و در

داد و از بن کشته دایم پس از کشته امام با بر

۳ - در نزد بعلک مردن مستی سنگ را بر آید و بر

۴ - بیاورد زبیر در استناد

۵ - در بین حبیب کرم در وسط در در میان نجات یافت

دیر از آب از نوب آب حاضر کرد

۶ - در سوز از نیک - مدینه در محل نام مساف

بیا از آب از نوب میوه حاضر کرد

۷ - در نزد ابی لهنه شالی آهوی مردار را در

۸ - در نزد بچه امام در آن او را بداران بیاورد و در آن مکان

ابو احم بن سحر - سرور نیاست بن نیان - ابو ابراهیم

سبحان - حاج مره - مسلم بن کعبه - حبیب ناسی -

مالک دنیا - هر داری

امام حسن و امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 اورا ستاد داد و هر ساله

۹- امام حسن در داد و ستد قطعیانه در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 بابک ستر صفت کرد

۱۰- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 را می خواند

۱۱- امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و با برادر

۱۲- امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 با برادر

تعدادی از صحاح امام

زین العابدین (ع)

۱- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 حضرت زین العابدین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۲- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را به بنده کشیدند و او را پس از آنکه از امام حسین (علیه السلام) جدا کردند

۳- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 ۴- به او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۵- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۶- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۷- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۸- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

۹- در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)
 و او را در نزد امام حسین (علیه السلام) در نزد امام حسین (علیه السلام)

تعدادی از معجزات امام که باقر (ع)

- ۱- عاصم بن یزید معجزه او در آنست که در کف دستش آینه بود
- ۲- در نزد ابی هریرة گفتی ما را ای پیغمبر روایت کن که در معجزات او
- ۳- در سبأ ابرام در نزد ابی پیغمبر و ابی ابراهیم بن ابراهیم
- ۴- در نزد عاصم بن یزید جعفری و معقل بن عمر و تعدادی از کاروانان در راه که به مدینه در از پیش رو آمدند و مردم را دیدند
- ۵- در نزد ابی شیب بن یزید عاصم بن یزید و ابی ابراهیم را
- ۶- در نزد عاصم بن ابی هریرة و سایرین معجزه گویی
- ۷- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۸- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم

- ۹- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۰- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۱- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۲- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۳- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۴- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۵- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۶- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۷- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم
- ۱۸- در نزد ابی هریرة و ابی ابراهیم و ابی هریرة و ابی ابراهیم

۹ - در نزد عابد بن سیرین جعفی - ملازمین که عدلیت
به ترحیم مردم نیست به معرفت رسول رفته اند و امام محمد باقر
در سببه حرکت داد و تمام شهر را به لرزه درآورد خانه های گنبد
در میان است

۱۰ - حسین ابن عیسی را به مسجد نزد مردم را به درج خرد
و فرستاد

۱۱ - در نزد عابد بن سیرین جعفی - عابد بن محمد انصاری از عتب
جواب داد و حاضر کرد

۱۲ - در نزد محمد بن مسلم با عیسی که مردود بود
در درخت و بطنع محبت کرد

۱۳ - در نزد یونس طیبان با مرغان و در محبت کرد
۱۴ - سه از عتیس بن ابی ازیب حنت گمل خدان
طبرانی را حاضر کرد

۱۵ - در نزد سه بر صیرفی نزاری از عتب و حاضر کرد

۱۶ - در نزد محمد بن مسلم ثقفی با عیسی که محبت کرد

۱۷ - امام محمد باقر در نزد سه اسکات با نزاری از عتب محبت کرد

۱۸ - نزاریان امام محمد باقر حجاز در نزد محمد بن عتب از عتب محبت کرد

۱۹ - عابد بن سیرین را باطل الارض بدو کرد

۲۰ - در نزد محمد بن مسلم با عیسی که محبت کرد و آب برشته

۲۱ - در نزد عابد بن جعفی - محمد بن عتیس در آتش دلق

۲۲ - عابد بن محمد بن مسلم ثقفی را در صحنه شهادت کرد

۲۳ - در نزد محمد بن مسلم خطبه منزل در تارک کرد

۲۴ - در نزد کنز بن داود از دامن کاهه خال آستین برود
آورد

۲۵ - در نزد صفور بن نزاری امام محمد باقر آب شکست کرد

نهادی از معجزات امام جعفر صادق

۱- در سترده ساریه بن مهران - دادد کبوتر الهی - ابراهیم خا
ابو عبد الله ملکی در راه - آبی را داد و آب چشم
در تنگ آن ده دیار دور

۲- مکه حقیقه را در سترده ساریه بن مکه خیر از آن نزد
ماست در کتب ابرار

۳- ابراهیم خا که سترده ساریه بن مکه خیر از آن نزد
ماست

۴- در سترده ساریه بن مکه خیر از آن نزد
ماست

۵- در سترده ساریه بن مکه خیر از آن نزد
ماست

۶- در سترده ساریه بن مکه خیر از آن نزد
ماست

درد امر سلامت

ابو حمزہ بن ادم - سیفان ثور / بابک سیمت ۱

نقدادی از معجزات امام موسی کاظم (ع)

۱- در سال (۱۴۹- ق) که سفیع بلخی عازم مکه بود
در تادسبه بهر آن امام کاظم عادی مشردم به پیشین نرد و پس
از ذکر احوال صدر از نظر ادب و سبک

۲- در نزد ام بن مرز، بابک شیرعت را

۳- عا بن سبب را با اراض از زن آن بکر با و مدینه
و استاد و بایزردانه

۴- در نزد محمد بن مسلم - محقق بن عمر - محمد الله اعظم
و به کثیر از استیجاب امام کاظم در آتش بهر آن داخل شد
و در آن آتش نشست

۵- در نزد محمد بن مسلم - یک گما در آمد مرد به در نزد

۶- در نزد ابی یحیی - اسکی بن یار بهر مال فارسی
و مین محبت را

۷- در نزد حسن بن محمد بن عمر دانی در حق را
و آن در در وقت را

۸- در نزد حضرت بن جواد (علیه السلام) در علمای سنی از آن
 امام کمال ملک در از آن سو که سر دبد بد زده
 ۹- در نزد ائمه کبیر اربع - ابریز - جاثلی - عبد الله (افضل)
 سزاوار از دنیا زدیم از نجیب حاضر کرد

۱۰- جبه طوس به سوزمانان ارسته به از من و در
 میندان رست و در شتر به در رسته
 ۱۱- در نزد کاندان ارسته و قنم بن سحر
 مصانی را به برت از دکان دادر دکان دکان
 در کرد

۱۲- به سید طوایف بن بابان ابن جبه - اسامی بن سیدم
 علم بن تعلیم نه سینه به طعن الروم و ادب عالمی نه
 رست

۱۳- سه امر علم بن عالم طالق از عیب نه
 حاضر کرد و ادرا به طوایف طالع و استاد

۱۴- امام موسی کاظم در نزد محمد بن داود بن زینب
 زینب شکاف به دوات

۱۵- امام کاظم سال برت اسکن بن عمار و ابی اسود
 کلا - حضرت صادق را به برت زده به کافه بن بهرام
 بخ داد

۱۶- در نزد سید و ثار مایه به

۱۸- سحر عام اسکن بن عمار که در به برت به
 در نزد دکان بن نه شاداد

۱۹- مارد و ارسته امام کاظم را در نزد ستران در نه انداخت
 دکان به برت به در احوال امام جبه نه دیاد آذر ستر سانه
 در آرم کل امام بن سینه - امام جبه بن اسود مظهر بود

تعدادی از معجزات

امام رضا (ع)

الف - معجزات حدیث

۱ - دینزد که بن مفضل ماسک - حسن بن محمد - کریم بن حداد

جمله جاتلیق از سید رضای در مجلس پس از بیان کلمات
و دست و انعام معجز است از نظر آنها نامهربان

۲ - بنا - استه هار شایر خلیفه مایه کتبه در کبوده مدینه امین

معجزه از دست دینار بن خلدان دینار دینار مستدر

ملا مایه به به در مدینه و همدان امین بیشتر بازگشت بداران باب

۳ - بنا - استه هار شایر بن خلدان دینار دینار مستدر
نمایان شد

۴ - در مدینه و همدان کتبه امین مدینه - کریم و عباد

متبرکه در مدینه طرابلس کتبه در مدینه آن سر

لقد ادبته و ای بر منم مایه کتبه مایه

۵ - سید امیر احمد بن سید الفزار و ابو معین محمد بن محمد بن محمد

معجزه از خاک بیابان را طالع نمود

۷۸ - حوالہ ایضاً دستاویز (۱۱) رف ہندوستان

۱۸- در نزد حضرت بن امین - حبیب دلم - مانوس
برسیه بنده ام با کتیرا ام رعا مدرد داد و امرا مغرب هم د
دلم سبب ادراکات مسلم دیم

ب- معجزات امام رضا پس از شهادت

۱- حسن اجماع که در سال (۱۰۴۰-۵۰) عقبه ترقف

صفت آید و پس از آنکه در این سیه ها

بسیار بود و کرد و فرار کرد

۲- روز ششم ذی الحجه (۱۰۵۰-۵۰) مکتب علم اردبیل که نایب

دورم امام رضا شافعی

۳- روز ۱۴ ذی الحجه (۱۰۶۰-۵۰) قه ماز که دست

شکست و دورم امام رضا شافعی

۴- ش ۱۵ رجب (۱۱۱۶-۵۰) حاج به الله

تبریز را که کمر بود شفا دار

۵- روز ۲۲ صفر (۱۱۱۵-۵۰) زنی از اهل

زور آید و مشه که اطمینان بود دورم امام رضا شافعی

۶- روز ۵ جادری الاول (۱۱۳۰-۵۰) نجیه

از قریه های مشه که کمر بود دورم شافعی

۷- روز ۲۷ جادری الاول (۱۱۴۲-۵۰) خاتم منیر^{۲۵۹}

از اهل سیه از توابع کاسته که اطمینان بود دورم امام رضا شافعی

۸- روز دهم جادری الثانی (۱۱۴۲-۵۰) زنی شکر نام

از ده^{نوع} از قریه های مشه که اطمینان بود دورم شافعی

۹- روز ششم رجب (۱۱۴۲-۵۰) زنی از اهل بیهزار

که نایب دورم شافعی

۱۰- روز ۲۴ ربيع الثانی (۱۱۴۲-۵۰) زنی از اهل

ماخر را در توابع خاف مشه که لعل و ماهار داشت

و اطمینان بود دورم شافعی

۱۱- حاج ابراهیم بن محمد دورم که در سال (۱۲۲۰-۵۰)

چهارم بتسلیم و پس از آنکه شافعی

۱۲- معروضا ۲۱ جادری الثانی (۱۲۲۸-۵۰)

میرزا سید محمد که اطمینان بود دورم شافعی

۱۳- دهم ۱۷ ربيع الثانی (۱۲۳۰-۵۰) شاد

۱۷ شکر نام که کمر بود دورم شافعی

خاسته

۱۳ - حاج سید محسن میرزا محمد عبدالحی در تاریخ
۲۸ ربیع الاول سال (۱۲۴۲ - ۵۵) که بمن تسبی
۲ در دوم شنبات

۱۴ - شب ۵ ربیع الآخر سال (۱۲۴۱ - ۵۵) قدم
مردم توسط رفیقان حاکم آباد به تبرک اقامت
پردادند

۱۵ - روز بیستم جادر الاول سال (۱۲۴۴ - ۵۵)
که حاج رضا میرزا ملک تبریک که یاسین نام بود در
۲۴م شنبات

۱۶ - روز ۱۴ ماه ربیع الآخر سال (۱۲۴۵ - ۵۵)
سندرس میرزا ملک تبریک که در ماه کمر و پا
در ۱۴م بود در ۲۴م شنبات

۱۷ - شب ۲۲ ربیع الآخر (۱۲۴۷ - ۵۵) سید محمد الله کلال
مادر زاد بود در ۲۲م شنبات

۱۸ - زمین انجمنی در سنه (۱۲۴۹ - ۵۵) بهر
۱۷۱۰ آردن کسر حاجی ملک و مرغان مطابق کرافه

۱۹ - زود بسنج میرزا محمد در ماه ذی الحجه (۱۲۴۱ - ۵۵)
که میرزا استوار دیار بود در ۱۴م (۵۵) شنبات
۲۰ - محمدرزمن ماه شوال (۱۲۴۴ - ۵۵) که کرب
دستر حاج میرزا جباری که در دانش بهرکت نشاند
در ۲۰م شنبات

۲۱ - شب ۱۴ شوال (۱۲۴۳ - ۵۵) که در
سندرس میرزا جباری که در دانش بهرکت نشاند
در ۱۴م شنبات

۲۲ - شب ۱۴ شوال (۱۲۴۴ - ۵۵) که در
فرز الله ۵۵ و زود حاج شمس جباری که در دانش بهرکت نشاند
در ۱۴م شنبات

۲۳ - شب ۱۷ ماه شوال (۱۲۴۴ - ۵۵) که در
دستر حاج میرزا جباری که در دانش بهرکت نشاند
در ۱۷م شنبات

۲۴ - شب ۲۱ شوال (۱۲۴۴ - ۵۵) که در
دستر حاج میرزا جباری که در دانش بهرکت نشاند
در ۲۱م شنبات

۲۵ - شب ۲۸ شوال (۱۲۴۴ - ۵۵) که در
زن که فایز بود در ۲۸م شنبات

۲۰ - صدم المرحوم فی ۲۲ ذی الحجه (۱۳۵۰ - ۵۰)
که ملاخ ملاکسی بخیر و در که باوردی نفس نشود
در دوم شتاب

۲۱ - ست ۱۵ محرم (۱۳۵۴ - ۵۰) سیه بود
زاد به نام سید رضا رسول زکام که بالاد، دجارت بود
در دوم شتاب

۲۲ - ادا ترست ۲۹ رجب (۱۳۵۸ - ۵۰)

سایر که نابین بود در دوم امام رضا شتاب

۲۳ - مر ثار اللهی در سار (۱۳۶۰ - ۵۰)
که هر خضعت اصحاب دیار بود در دوم شتاب

۲۴ - ست چهارشنبه دا سوال (۱۳۷۱ - ۵۰)
سید محمد الله در صنفان پیر به حبیبی است که
دفع شده بود در دوم شتاب

۲۵ - نزد بیدار میخند چارم ست ۵ (۱۳۷۲ - ۵۰)
استاد به المکینی خلیف باکره ادا که فایده بود
در امام رضا شتاب

۲۶ - ست سوم سنز (۱۳۷۷ - ۵۰) در الملی در
در شتاب

۲۷ - کلباس که در ۵۰ ذی الحجه (۱۳۷۹ - ۵۰) این
شکسته بود در دوم شتاب

۲۸ - ست به نزدی العده (۱۳۸۱ - ۵۰)
سبع اکبر که در ۵۰ تیر به در کفم نشود در دوم شتاب

۲۹ - سیرا بغداد کاشتر بود که در ۵۰ شکر خان لایق
در دوم امام رضا شتاب

۳۰ - سیرا آقا سید داور که در ۵۰ امرا گمازاد
در دایم فایده بود در دوم شتاب

۳۱ - در نزد امام سیرا ۵۰ به به حق صبی در
در امام رضا ۵۰ از یک شب بود حاضر

کود - مشهی اده که قبتا بیسی بود و به مادر دیا رسته بود
در دم شفا یافت

کود - حاج امیر اسام طبعی کناسی هزاره که رفته که پدر
مکد دیت در دم شفا یافت

کود - سید میرزا علی که بهرین بیسی دیا رسته در دم شفا یافت
کود - استادین رضا با داد که کمال ۱۱۱ رفته
از برکت بخت دور

کود - محمد علی که در دیا رسته بود در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

کود - میرزا علی که در دیا رسته بود در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

کود - امیرزا علی که در دیا رسته بود در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

کود - محمد علی که در دیا رسته بود در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت
کود - سید سوس علی که بهرین بیسی در آب
آورد و در دم ۱۱۱ رفته شفا یافت

تعدادی از صحاح
اهم که نقلی

۱۔ عیشم محمدہ میمنہ راجشاہیہ

۲- نام و نام خانوادگی دانشجو: علی محمدی

دست در صفت ہم فرقی نہا ملکا کران آں ہیہا ہیاں ہا

در نزد شاه و سید بن اکبر و در سایر بلاد و معتمد کوی

بجکبیرت از آلا میزند بعد از آن دست خردا میزد که با دست

۱۰۔ ست سبب امر العقول دفر اوس درجہ کے ناموں سے

ہم دہشتہ سیر ۱۱۴۴ ہجری و غزوات و صلوات دیں لہذا

ماہوں اور بعض دیگر اور کتر سال سے

م - ا، صید در راه آوار گشت و نفس او نهاده

۵- ۱- خردساز به بزرگسالان طنت بهار طما حاضر ۱۱-

ع۔ درتو جب اللہ میں سکھ میں سیرنگ کا۔ اس لکھنؤ آب

درد و دسمه در باب یک و جت

۵- در دستگیر آرد ماه نیست و در دستگیر است

۱- کثیر نسخ و کتب بجا ماندند قلع و مسموم شد و سطرانها را

تعدادی از معجزات امام علی السقی

- ۱- محمد بن اسیر را که میبکی به چشمت در آینه بود ستادار
- ۲- در نزد سرکل خلیفه عباس که شش سینه باز هنر را می
آزاد کردن امام حاضر کردند بر آن امام توسط نقشی
که سینه شتر بود بلعید و دنا به پشه و در آن کل
لبراق نام تعدادی و زرا اما صاحب حضور داشت
- ۳- در نزد سرکل - ابراهیم جعفری امام علی السقی با برهان
هو محبت کرد
- ۴- در نزد امام حسن حضور در سینه شتی سگ برادر
همه این قبیل کرد
- ۵- در بیابان به آب و صفت مقرر با کشیدی
صالح بن سید نشان داد
- ۶- چون سرکل عباس سبب حیران ترک خود را بدو داد
رژم بود امام هم که هزار سبب از غیب باو نشان

۷- مرض صعب العلاج
تاريخ: ۱۳۰۲/۱۰/۱۵

۸- دد نژد هیف الله متفرع بر صلی و بر سلف من معتر ب
حرادت آسبده را بیکو اکر

۹۔ گھڑاں یکی بن هرمنه را با یں ۹ مرد دیوانه از ابر
سجده تبار

۱- در نزد ابراهیم حلیلی بی بی (امام فزلی) داد
سقا داد

۱۱ - در نزد اسرائیل کامیاب - فتح مین فاماں -
منتصر - بلطون - مکہ مین حسن الاسلامی -

ابو ہاشم حضرت - محمد یونس - خلیفہ مہر گل عباسی
 امام دار - دینا ملک کا کہ مہر کشن پر دینا عباسی
 بیاد اوقات دینا

۳۱ - بنابر اخبار ابراهیم معین در یک خط از زبان
حسن آباد آموخته شد

۳۱- امام علم السنی چهارم که حال داشتاده داد
۳۲- تامل مغیراد مقربان ابوبسین کز را نزد
و نیز آن امام مرد

۱۵ - در تذکره ابراهیم بن محمد - ابوالعباس در بیان کند
مهر خوار و زیارت دارد

لا - در نزد شریک قلبه بیاسی و نه ادب از درباریان میزد
ستیران در نه روم و یا آقا بهر ادب و سجد و افتادند

۷ - حین مکیدن مرکز اراضی اراضی - به بنیاد ارتداد

۱۸ - در نزد اهل حق که درون بابک اسب محبت کرد

۱۹ - در نزد امام ابی اسحاق (ع) مثل امام اعم بن محمد (ع) از امام علی (ع) از زین العابدین (ع) از آب بر می آید

۲۔ در نزد فضل بن ابرہہ کا جب فتح بن حاتم پہنچا،

مستور و دست خط مفاد در دستور کامل ده هزار دنیا در
برابر ۱۱ پیشکش و ستاد

۲۱ - ۴۴ میں مذکور کہ پہلی شہادت (موسطی) مستفاد ہے

۲۴ - قاریم شاد دے خیر در اے کہ بنی داود مئی - کہ بنی عبد اللہ
را زینہ کرد
افضل

۲۵ - بہارِ کارۃ بن زبیر از یک ستم انگور بہر دین

۱۳ - بهادر دودین قاکم از نجیب طایفه حاضر گرد

۲۷۵

۲۰ - فلسفه ~~جبهه~~ معتزله عباسی امام حسن و سحر را به زنده انداخت و عقلی نه بر سر برد کرد بنابر امام را آزاد کرد و امام با مردم به عقل دست دعا کرد و باریان با بر

۷۔ سہ روزہ بند از مرگ مستحق غیر نزدیکان
 عزت و رواج کثیرین زباید الضمیر و بوالہ من طاهر
~~و از حدیث صحیح و از حدیث صحیح و از حدیث صحیح~~

۱۵ - در نزد اهل سن عادت ~~تجرباتی~~ و المسعین
شتر را رام کرد

۵۰۰م از نسی حاضرین

۲۴ - سار حسن بن طرب را ۱۱۱۱ م سرنگر ستاد

۲۵ - ابن سکتون واکد نایب بدستاد

~~۲۶ - نیرنگر ستاد مستقر غنچه بیکر بقدر ۱۱۱۱ م~~

۲۵ - ۱۱۱۱ م سرنگر در سال ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ م مکر اعراب

۱۱۱۱ م اعراب در ۱۱۱۱ م اعراب اکر

۱۱۱۱ م اعراب اکر ۱۱۱۱ م اعراب اکر

۲۶ - ۱۱۱۱ م سرنگر ۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر

۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر

۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر

۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر ۱۱۱۱ م اکر

عقاید اقوام در باره ظهور حضرت مهدی (ع)

مژده اوردن که مسیحی نفسی بر آید

که زانسانس خدیش بود کسی بآید

۱ - دیر انیان بابت :

سرزاد سب از کابل قیام خواجه

۲ - برهمن :

در بایان دنیا و دیشو قیام مکن

۳ - نژاد اسلام :

از مشرق بکنز بر میخیزد

۴ - نژاد اقل اسکند :

آزاد تور از جزیره آلوان ظاهر مینماید

۵ - دیر دنیا مستطور کرد

۵ - نصاری

ماهیه (مسیح) ظهور مکن در عالم را مقرب

فصل اول در بیان اقسام و احوال
۵- قسمی از تکلیف لایحه در ابرام ثلاثه مصر

من زبان دو معیستم ... است و پدر و دیگران
قفل بخانه این اسرار حرکت است ادکسی است که در پاپان
دشاد در اطراف خانه فایده بسیار میگردد و این برای
مسئور و دیگران

توضیح: لوح مزبور در سال (۲۷۰-۳۵۰) برسد و این طرز
فکران معرکف است و در وسط استق حبه خزان

۷- فیلسوف تپا، هریت (۳۰۰-۴۰۰ ق م)
سلطان دادتر خزان است که برادر ادیبانی است و در دهان
در آستان نیرد معرف خزان

۸- ترجمه فیلسوف تپا، هریت و در بدنه
نیم و این معرب بود در کثر معنی است و اگر

۸- ای پسر :

در بیان جان نذر فرامی رسد دیگر نبرد در می نبرد
و آن نسبت سلطان دادتر است

۹- اسن :

سلطان دادتر در درازنای آسمان را بهر آدین
خواب کشود

۱۰- اقوام اسکانینادر

برابر مردم زمین بلامی میرد و فتح مایه لک و زنی
اقوام را معین میزد و آنگاه ادین بایزد
بر هر سلطان کرد

۱۱- سلسله

بین ندهد و آستوتا در زبان جوهریم
دشاد را سقوف نمیشود

۱۲- پنهان

نات دینه، دنیا کالو برگ فکرم کنه
۱۳- بتاار و بایر مرکزی

یو فکرم کنه دشاد را سقوف نمیشود

عمر - چینی :

کربین نظر کردند جهان را بخت کرده

۱۵ - اتمام امر کار خزان

نجات دین - دنیا - کوتر لؤلؤ

بین نه هر دو طرفی جهان میروزد

۱۶ - سطح (ربع بن مازن)

خاکیکه اشعار بجا، و تمام بهرست ستاره دبار دارک

خراب در پیرشان خراب کرد طمع کردند در آن

هکام بادران نخواهد بود پیرمهر زرد به مهر خواجه

مردم از اهلاد هنر (ابو سقیان) پیرمهر زرد

سرخ تبیل کردند در آنکام حراب شایع می شوند

زنان کرمان به پیر میگردند و کوفه غارت میسوز

معلم در سنه و پیر محول در درگاه گشته می شوند

مرد و حشاک بادران سنگریستی به مثل مردم میزدانند

آفتاب گشته میسوزد بادت - صفا صفا که ماسق

چینی است تمام کند در این حکام مهر

از فرزندان که پیر اسدم ظاهر گردد در دهر به لوح آشکار گردد

۱۷ - در ابدان

ابو بشر قلم - کعب بن حریش - اده بن یحیی -

ابو طلیب - اده بن دران بن حسن درامی -

۱۸ - ابو شبر ۱۶ - ابو منیفه - ابن کلبی - کتاب مشرق النوار

کتاب کمال الدین شمس

۱۷ - کتاب وحی کودک (لیان خطوناد)

حروف (ل - ع - د)

کعبه بآتش آن بادت، آباد می گردد اذنی داسان

در سلطنت مکره دماج به سر آمد

۱۸ - بابای حکم

است - مایه رطب آذین و صفت داس

که از زبان کرمان نیکو ظاهر گردد از فرزندان مایه

خورشید جلان دشت - زنان نامیده و سفی در که

پیدا می شود که جاسنی پیر است و مهر دین

چه نود و هشت و سه در زود بادت شاه دنیا تمام و نود

ب۔ جاستن پیاہر رب سیف النور دادناہوس
 رامستر سرتور دتہمانہ سوناس روخاسک
 وکرنات ہزان ادسن موکوہ و بجاک موافقہ و پس
 مکرناہ راہی گندہ

ب۔ ارشد جاستن پیاہر رب کہ از خزانہ اس
 نامستر اس سرتک بہست آس میزور و ہمدان
 بہ آس مہر آری (سرتور - مکر) خواہند گردہ

نقشہ ادی از مکتبہ پیاہر
بشارت چہرہ ان ظہر
 در بارہ ظہر حضرت مہدی (ع)

۱۔ آدم

مسم (خدا) مکرہ ہ اس کہ ارد فراد
 نہ اس سادتہ رہنبر کراں را ار گردن نہ کام
 بہر دورہ و وزین راہ از عدل و داد مکرہ
 " راہیان "

اس۔ قارت سن آثال (یکی از سپردان تمس مسم)
 ب۔ کتاب اقبال از ابن طادوس

۲۔ زرتشت

ان۔ کتاب دتہ

نہ گندہ اہم میان باہر دان در مدر خاکدان دانا مہدی
 رستگش درونہ مدر۔ آنا ۹ ہزار سال طراکت دیار
 بہر دورہ از آن بنی آدم بہر گشت گنجینی خواہد شد
 ۳۔ سرتشانت (نجات دہندہ دنیا) در بیان ہر اہم
 زرتشتان ظہر مکرہ و دین راہیان راہی مکرہ

استیزنگا ظهور کند و بهرمان او بسیار، نیزنگا بهرگز در دین
۲- سال اقبال کند و از استیزنگا بهر دنیا سلطه گردد

ب- بی

۱- (حضرت) پروردان راستی از کبریا سرین بهر

(سویا) بهر در در پیش

۲- (۱۲-۷) اهرمزدان که سرش نیست را از یزدان

۳- (۱۵-۱۰) سویا نیست آفرین بر کبریا

۴- کتب هندو

۱- رنگ ددا

۱- بهر زبیر - بهر دین در دین مردم

۲- نبات دینه دین در دین دین

۳- در دین دین و در دین دیگران در دین دین
و حکام ظاهر در دین دین و دین دین

ب- آخر کتب دین

مردم دین - اسطفا و انعامی گرانیده بر سر دین
آنان نیز نگار - گردن انگار - بهر دین کلام - باسر دین
مقادیر - مایه سر - معنای - را از دین خواهی

ب- شاکو

یادش - دولت دین - بهر دین

اقرار دین (کشن) - باین دین ادکشی

که از دین خط است - تا بهر دین دین - و ما و ما

مستقر بر سر دین و نام او (استاد) است

ب- دین

بسی از دین دین - بهر دین دین - عادل بهر دین

که نام او منظر است - و نام او منظر است

و بهر دین دین - بهر دین دین

ب- باسک

دور دین - بهر دین دین - عادل بهر دین

و از اسکان دین - بهر دین دین

ج - با شکل

چون بایان جان در ره صاحب ملک تاز
بیهوده میگردد از فرغانه ادبیشوار جان
یک نام رس آفرین دگر دم به بزرگتر که (پیش) نام دارد
نام او را هناس

ج - دادگ

بسیار ز آند ~~که~~ سلطان ظهور کند جانشین آخر
(ممتها) بیهوده میگردد که مشق و مزب علم را
مست می شود

ج - حکم (حکیم بایان جان)

بایان دناور کسی است که نام او محبت است

ب - تراس

~~ب - تراس~~ سحر پیدایش

است (مض ۱۳ - ۴) و تراس بپایان رفت که
بهر - (۱۵ - ۵) حکایت آفتاب تارک
چراغی مشعل از جان نادر می کند

ب - (مض ۱۷ - ۱۸) خدا گشت اسرار را باور میگردانم
و از مناد دادند سبط بزرگ به خود آورد

ت - (۱۸ - ۱۹) جمع است که جان را از مناد
باور در گشت

ت - (۲۴ - ۵) او سر زمین است دستش را مقرف میزند

۵ - ادریس ~~بنی~~

به سلطان مهلت دادند تا روزی که وقت آن
معلوم است که در آن هنگام در میان بایان
جمع می شوند

۵ - صفیای ~~بنی~~

است (مض ۱ - ۱۲) روز فافرا میرد دادند

آسمان را به فراموشی

ب - (۳-۲) بیج جزا و مکنا اور آفتہ پس
خوابند کر

ب - (۴-۳) او نظر رکڑا در تمام بشر یک
دین دول محکمہ و عالم را نامید و مکر دان

ت - (۵-۳) ~~در آفت~~ در آفت تمام لب
پاکیزه را بر مکر دانم دیر نام خاں و ادب دست مکن
دات و مکی دین خاں بود

ث - (۶-۳) منظر بسته که استا اور ایک دل
تستی مکن

لا - حکمی من
(معنی ۲-۷) تمام اسم البیباں مکر و دیکم را
مرکوب مکن

۸ - صبر و من
ب - (معنی ۳-۱) منظر او بسته جم استا را
منزله و دین مکر

ب - (۳-۱) همیشه شرافت با او خاں بود دست ایشان
زین را بر خاں کر

ب - (۷-۱۴) زمانی از نزدن اظہار مستو آفت
روزی و وقت نزدیک مراد
۹ - لا کرباری من

(معنی ۴-۱۰) در آفت و جان بود خاں
۱۰ - صغیر بر شمع من

(معنی ۱۰-۱۲) آفتاب و ما مستوفی کر
تا استقام کر و من و خاں است اورا اجابت مکر
خاں کر

۱۱ - ~~کرب و من~~ کرب و من
۱ - (معنی ۲-۸) در آفت فقیران
با پدست من خاں نشسته و است کرب من
خاں نشسته و است د. نه ام تمام جان سلطنت
مکرند انما استی نیز کرب خاں بند کر

۱۴ - (۵-۱۵) او از فرزندان سی (جبر خیر فکون)
فادر حضرت مهدی (عج) می باشد

کتاب دوم سوره

۱ - (عقل ۷ - ۱۲) سلطنتش باو پیوسته بود

۲ - (۱۲ - ۱۱) خواجه ابی زینب در روز ۱۱ رجب ۵۴۰ هجری

۳ - (۲۴ - ۴) در قفسه ظاهر در مکه خانه مدینه در آصاب

در آستان بزم است

۴ - کتاب اول یادش می

(عقل ۲ - ۲۳) ذریعت در دست داور دکان

خبر استند خانه

۵ - کتاب دوم یادش می

خداوند در خانه خود دستگیر و بر سر آید

۱۵ - خجسته و نبی

(عقل ۱ - ۳) خداوند ادراک که با او

است خواجه آید

۱۵ - ابرو سببی

۲۷

است (۲ - ۲۲) شقی بنیان روزنامه انالی هر خواجه

ب - (۱۷ - ۱۵) کتاب کسیت که می آید حکام نیست

ادراک بعینه

پ - (۱۸ - ۲) متاخرین روزگار است از نیست در

مختار می شود

ت - (۲ - ۷) کائنات را مثل استعاره گفته اند

مثل خراب میبرد و پایت می شود خست که ادراک

در هر که منتهی به دهر

ث - (۲۴ - ۷) نظرات مشرق - مغرب - شمال - جنوب

میردند و پایت می شود

ج - (۲۴ - ۱۳) بهر دو آسانا زینت و بانه

س - (۵۱ - ۱۸) مکن ادراک می آید خست که

۱۵- زمره داد

- الف- (عقود ۱-۳) پادشاهی در زمین بهر منجز
 ب- (۸-۳) اقصای زمینی ملک ادب
 ب- (۴-۴) بابدال خزان آمده ملتوا اراضی
 جبهه می شوند و ادب به استیلا می خورند
 ت- (۴-۴) خزان مرد عالم را به جهان میگزیند
 خزان کرد
 ث- (۷-۱) امتیاز دشت جمع می شود
 ج- (۸-۹) جان بر ابدال داد در خزان کرد
 ج- (۵-۱۹) خدشت تا با اقصای زمین است
 ۲- (۶-۲۰) خزان خزان است ادرا افاضت گزین
 ۳- (۲۷-۲۳) جمع کرانای زمینی خدشت می شوند
 و ادب امتیاز می شود
 ر- (۲۵-۱) مسکن را به است داد در خزان کرد

ک- (۲۵-۱۲) ادوارت به زمین است (۷۳)

- ۱- (۲۸-۹) خزان اتمام را به است و است به است
 ۲- (۳۳-۹) خزان اتمام می گردد و جمع است
 از ادب به است
 ۳- (۳۷-۹) است بران خدشت و است
 زمین به است
 ۴- (۴۱-۱۲) اقبالیان است و است
 و ادب به است
 ۵- (۵۰-۴) آسمان از اقبالیان به است
 ۶- (۷۳-۸) از ادب به است و است
 خزان کرد
 ۷- (۷۴-۱۱) تمام ملوک باد کرش می کنند
 و ادب به است
 ۸- (۷۴-۱۲) جمع است و است
 می گردد

ظ - (۸۳ - ۸) هر فیه داد در کنی زمره ادب دارا
سفره ایست

ح - (۸۹ - ۲۹) او ش آفتاب است که از دست
نیان مرشد و صبح مرد در فیه

ج - (۹۵ - ۱) جمع اتمام عدال اور اخلاصه در

م - (۹۸ - ۹) ادم اس داد در جان خا اناه

ق - (۱۱۰ - ۵) یادش که نما در سر ز صفا در شکست

ک - (۱۱۴ - ۴) روزگار سیرات در هر صا

سیرت می کنند

گ - (۱۲۰ - ۲۱) اتمام در خانه خا ایت دی

صبر برشته و ذار ایتبع می کنند

۱۷ - کتاب سلوک (۱۸۱)

دست - (۲۸ - ۱) صیقا که ن اور اخلاصه در

و اخلاصه در اخلاصه

ب - (۱۵ - ۱) جان را به الی داد در خا اناه (۷۸)

۱۸ - جاسقه بن داد

دست - (۱۹ - ۲) جان یکی نعلن خا اناه

که تهم حکمت و علم سلط خا اناه داد به گزیده است

که محبت ادب حکمت و معرفت و کامیاب است

ب - (۴ - ۴) هرگز به خا اناه تمام جان را سلفت کردند

۱۹ - دست و من

دست - (۲ - ۲) نجا است خا ایتبع اتمام در

ادب هر ستون

ب - (۴ - ۴) ادم اس و جان فکر می کنند

ب - (۵ - ۵) در پی تو به استن با نران در نه با هم صلح

می کنند

دست - (۱۴ - ۵) در رسی خا اناه ز یاد در می ستود

دست به نظر می کنند

ث - (۹-۲) حیرت از عظمی بر ساکنی زمینی سلطه
مکرر در

ج - (۱۱-۱) خا / رفته سی (چه نوحین ناگون) بیدون

و آرم در سینه پیش شکفته مرسته راجه خا

برادر قرار گیرد مکتبنا از ابوالس داد در خا کرد

در بان راه به نظر دانش خا از و در ستر برانرا به بغیر

بها / خا در نه است کمر نه کرش له الس اس در آن

هک / نگار با خرس و طفل آدمی با بار باری کند در سینه (سی)

تبت افترا م جاں بگرز به و سوز استا لدر خا به طبع

و ادما جلال خا به مرد

ج - (۲۴-۲۱) در آرزو ز کرد مشربان پادشاهان

نرسی خا به نرس

ج - (۴-۲) صدای نه آکنده در بیابان راه خا

مهرت و سوز در به امها نه پیش را مرستونه و جلال

خا لدر به امر مشیر مکتوم مرستوز

خ - (۱-۴) نزد یک ظاهر سوز تکلم کردن ، خا لدر مکتفی در
از مشرق به بر مو آنگهد و در سینه نشی در سینه در مکتفی
به سینه

د - (۴-۱) سینه مله سلطنت کند و در سینه ملک کردن

حیث / نه در نه ادرا اکت به به در ۱۰ از منتظر ظاهر رسع به سینه

ذ - (۴-۴) در سینه اد در مشرق و سینه سینه

در سینه با دست ای خا به نرس

ر - (۴۵-۲۲) به پادشاهان سلطانه کرد در و زانرا

مع / در سینه خا به نرس

ز - (۴-۴) پنجش در سینه ملک زان و در زان

س / زان لطلول خا به نرس در سینه سینه در سینه

خا در سینه

ژ - (۵-۵) در ۱۰ از منتظر ظاهر سوز سینه

س - (۵-۱۵) در لدر سینه پادشاهان

دکان خا در سینه

ست - (۵۴-۱۰) درستی خود را خواهد دید و هرگز
خبر طریح نخواهد بود

صر - (۵۷-۱۰) در کمال معجزه ساکن خواهد بود

ض - (۵۹-۱۷) همه از ادب و مروت و

کلام خود در دکان دارد

ط - (۶۵-۲۵) در آرزوی بزرگ با همه دستر با کار

خود را میجوید

ظ - (۶۵-۲۵) با آتش و شمشیر بر همه جمع آمده

سلطنت می کند

۲- آرزوی می

الف - (مض ۱-۲) پس از مدتی آتش کج در

رندک است از او خواهد ترسید

ب - (۲۱-۱۴) خانه آتش همه دشمنان را خواهد گزید

ج - (۲۵-۴) خانه او را در هر منتهی بر آید

تا سر میزند

س - (۲۷-۷) است به دو فرزند است و دست میزند

ش - (۲۸-۹) در کمال مدتی پس از ظهور سلطنت می کند

۲- (۳۳-۶) جمع آمده است و میزند

ج - (۳۵-۱۳) استار عظیم و بادت که از استار

خود دیده خواهد بود

مرشیه آید

(مض ۲-۳) خانه تمام ادب و ترک نخواهد بود

۳- حقیرانی

الف - (۴۷-۲) در سیرات و کلم کن

ب - (۴۷-۲۷) سلطنت او بر حق است

ج - (۴۷-۴) همچون دریا استار عظیمی دور آدم میزند

د - (۴۷-۲۲) او نیز جمع آمده سلطنت می کند

ه - (۴۷-۳۳) با زبان همه جادوای خواهد بست

ج - (۴۹-۱۳) خانه او را به جمع آمده سلطنت می کند

(مض ۱۳-۲) در آن زمان مانی عظمی در مابین خاندان
صادق و ابراهیم است که تا آن موقع نباشد ادمش
روشنای در افتادند و در ختیه امام از دانیال کلمه
راستی کن دکتا برای آن زمان آخر هر نهار آن کس که مجلس
مکتب است نخستش در مابین آن کس که در آن
نیم نهار بطور خاص افتاده و در مابین نیت در مابین
تمام روز

است (مض ۱-۱۱) - تک سلطان در مابین
روایت شده و در آن

ب- (۲-۱۸) خاندان در آن زمان مانی عظمی
خواب است

ب- (۵-۱۰) مانی عظمی در مابین آن کس که در آن
مابین تمام نیت در مابین

ت- (۱۱-۱۰) ادمش در مابین آن کس که در آن
مابین تمام نیت در مابین

۲۴- هوشنگ

است (مض ۱-۱۱) - تک سلطان در مابین
روایت شده و در آن

ب- (۲-۱۸) خاندان در آن زمان مانی عظمی
خواب است

ب- (۲-۱۸) خاندان در آن زمان مانی عظمی
خواب است

ت- (۲-۱۸) خاندان در آن زمان مانی عظمی
خواب است

ت- (۲-۱۸) خاندان در آن زمان مانی عظمی
خواب است

۲۵- یکاثری

الف- (مض ۱-۳) او از کمال حکایت در در
زی سوخته زرد

ب- (۴-۹) سراسر یادتی در جان است

ب- (۵-۱۱) در بزم افام خواجه

ب- (۷-۱۴) در آرزوی سرتیخت خواجه در تود

۲۶- غافله منی

الف (مض ۱-۵) در میان اسرار در ایام دگرگام
که همکسب است

ب- (۲-۵) مع سقار فرزند دهم مرگ

۲۷- اقبال برنابا

الف (مض ۱۱-۲۷) سیرات ن در میان
مژده خواجه

ب- (۷۳-۱۴) خدایه وقت ده خوارا

در عاقبت ابر سیمه با در سرستاس خواجه

ب- (۵-۶) سیرت من صبا نسیم

ت- (۲۸-۷) سیرت هم ایام در
دامپ است از تیراد (سب) بدو

۲۸- اقبال لوتما

الف- (مض ۹-۲۵) سیرات ن در میان
خداوند خواجه

ب- (۱۱-۱۲) سیرات ن سراسر جمع است
خواجه

ب- (۱۲-۸) سیرات ن در ترونگان
عمدی مع دا اقرار خواجه

ت- (۳۱-۵) تمانه ک سب کد اطارک
راستگشده کدرب را بک

ت- (۱۷-۲۲) در تاد خدا دهنده ک از نظر نینان

ج- (۱۸-۱۱) و سیرات ن ظهور که

ایون در زیر اسرار خواجه

ج- (۱۸ - ۱۷) آنگاه که سواران میزشتند در بار
سیرات ن با نام سیر

ج- (۱۹ - ۲۸) بارک با آیدت بی کرنام
شاهوند خزان

خ- (۱۱ - ۱۲) ملاک آیدت ظاهر فراموشی جمع است
به اسیر خاوندان در شلم بایان میسوزد و در
آفتاب دما ملاک سیر برآم آنگاه مرشد ظاهر فراموشی

۲۹- انجیل سیر مرقس

است (فصل ۸ - ۱۲) از هم اران سوار سیر
خزان

سیر (۱۰ - ۱۱) سیرات ن هزار تبار

سیر (۱ - ۱۲) آنگاه سیرات ن در افرانه ده
که بعد از بطور آید

ت (فصل ۱۳ - آیات ۲۱ - ۲۵)

۲۱- اگر کسی بگوید ایمانیت مادر گفته

۲۲- که ایمان به خداست و حق است و حق را محبت و دوستی

۲۳- خردسته تبارک دما ماته خزن قوم خردسته

۲۴- شایگان خردسته و خوار افتاد سیران میگردد

۲۵- سیران بیکان در افرانه تبارک دما ماته خزن قوم خردسته

ت (فصل ۱۳ - آیات ۲۲ - ۲۷)

۲۶- از آیدت در جوم کسی افتاد دما

۲۷- سیر سیران در باستان دما ماته خزان

ت (فصل ۱۴ - آیات ۱ - ۱۲) سیرات ن خزان

۲۸- انجیل سیر

است (فصل ۲ - ۲۷) سیرات ن در افرانه ده

ب (۵ - ۵) درج بایان که در است بایان

ب (۱۲ - ۱۳) است در صغیر سیران

ت (۱۳-۱۴) آدمی صاحب خوار در چشمه

ث (۱۵-۱۶) سیران در مدار نظم و آید

ج (۱۴-۲۴) سرجم استا بر کریم سرستد آنکس عالم
به انتها مرده

چ (۲۴-۲۱) مژ از بود نظم عینی مژگ در او می شود
که تا آن زمان است تا قیام داد

د- انجیل یوحنا

ه- (۷-۶) پیداینگار بر کس لود از بنده

ب- (۱-۲) آدم بر کریم سرستد رسی از انظار نگاه

ب (۲-۲۵) در در بخت است قدرت و مجسم

ت (۲-۳۰) اقامت به معاصر آهنگ فکر را کردن

ث (۳-۴) عیسای مسیح در سلطنت جان نابین

ج- (۵-۲۷) آنکس که سر جان سلطنت مکرر سیران
است

ج- (۱۳-۱۴) مداری نظم بود کردن (بی آهنگ داد)

د- در دو عالم در زیر استی است و به سرش مایه است

ه- در در دست را یکی از فرزان او در دست یک را و

و- در در دست را یکی از فرزان او در دست یک را و

ز- مایه معاصر آهنگ فکر را کردن و احکام در او می آید

ح- و تا در عیسای مسیح را خواهر او

ج- (۱۳-۲۴) عیسای مسیح سیران بابلان

نظم خوار آید

د- (۱۴-۲۵) مسیح که سیران کتب مسیح

مادانیکو در بخت است به هر اهل آوری تا کمال شود

و من که نور نیان من عالم را از غم ایستاده دید

و- (۱۴-۱۷) در ان بیست و یک سناسه در

در دایره مایه مایه

ر- (۱۴-۱۵) رسی بابلان خواهر

ز - (۱۴ - ۱۵) لایحه ارجاع کننده زنی خوانده آمد
ز - (۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

سپه اتان باشد

س - (۴ - ۸) شبهه ابرگشتم میردم و با بوی آم
س - (۱۳ - ۱۴) در حق تکلم می کند ادراک را که است. جنه ایداد
ص - (۱۴ - ۱۵) ادراک بجهت و کنه زیر از س

ه - (۱۴ - ۱۵) کما سنده عرف

ا - (۱۴ - ۱۵) سینه در دود بتر دارد
ب - (۱۴ - ۱۵) از تمام ادب طالع آفتی بکرا آن کن
ب - (۱۴ - ۱۵) تا می یاد در دود. دیده به او کرد در

ت - (۱۴ - ۱۵) سحر است عطف به سحر خواند
و آستر را از آس در صحر مرقم می نویسد
ث - (۱۴ - ۱۵) سپه اتان تا جی را فکلا در در
در دستش در دست تیر است

ج - (۱۵ - ۱۶) از سر آنم در باغ آفتی
بهر اصرار بکشد کرد

چ - (۱۴ - ۱۵) لایحه ارجاع کننده دهم اوم است
ا - (۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

س - (۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

(۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

س - (۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

ا - (۱۴ - ۱۵) در آنست بابت مراد به پس نظر طرز

ب - (۱۴ - ۱۵) به است که می نویسد که در آنست
از دود خود تمام سینه خواند و بخت از اندک محاسب
و در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب
عظمی در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب
حان در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب

ب - (۱۴ - ۱۵) از اندک محاسب و در دود سینه خواند
ذاتش عظمی در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب
س - (۱۴ - ۱۵) در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب
ص - (۱۴ - ۱۵) در دود سینه خواند و بخت از اندک محاسب

۳۴ - رساله پیرس (۲)

- الف - (عقود ۱-۱۹) آفریننده (زاییده) دست و پا می‌کند
- ب - (۳-۴) خزانگی که ادب و انانیت
 زیر اقدام خدا در مقام بود. داد و در زیر عالم است
- ج - (۳-۹) خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها
 فراوان است.

۳۵ - رساله پیرس

- الف (عقود ۱-۵) هر کسی یاد کند
 و نه هر چه در هیئت که یاد دارد و نه هر چه در دستش آید
- ب - (۱-۱۲) آن قایم عاقل است که خزانگی و نه هر چه
 بگوید و نه هر چه آید
- ج - (رساله پیرس به غیر ایشان)
- (عقود ۱-۲) خزانگی آنکس را که بخواهد هرگز در
 یاد هرگز دلانه

۳۶ - رساله اول پیرس به غیر مادوس

(عقود ۱-۵) خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها

۳۷ - رساله دوم پیرس به غیر مادوس

(عقود ۲-۴) اگر کسی که یاد سلطنت
 خزانگی کرد و دیگران. ادب و انانیت که یاد هرگز

۳۸ - رساله دوم پیرس به غیر مادوس

(عقود ۱-۴) آنکس که یاد هرگز
 خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها

۳۹ - (رساله دوم پیرس به غیر مادوس)

(عقود ۱-۴) هر کسی که یاد هرگز
 خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها

۴۰ - (رساله دوم پیرس به غیر مادوس)

(رساله پیرس به غیر ایشان)

(عقود ۱-۴) آنکس که یاد هرگز
 خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها

۴۱ - رساله پیرس به غیر ایشان

(عقود ۱-۷) هر کسی که یاد هرگز
 خزانگی در راه دور و خزانگی که روزها

74

1871 and 1872

ردیف	موضوع	تاریخ	محل	نوع	توضیحات
۱	موضوع	۱۳۰۲	محل	نوع	توضیحات
۲	موضوع	۱۳۰۳	محل	نوع	توضیحات
۳	موضوع	۱۳۰۴	محل	نوع	توضیحات
۴	موضوع	۱۳۰۵	محل	نوع	توضیحات
۵	موضوع	۱۳۰۶	محل	نوع	توضیحات
۶	موضوع	۱۳۰۷	محل	نوع	توضیحات
۷	موضوع	۱۳۰۸	محل	نوع	توضیحات
۸	موضوع	۱۳۰۹	محل	نوع	توضیحات
۹	موضوع	۱۳۱۰	محل	نوع	توضیحات
۱۰	موضوع	۱۳۱۱	محل	نوع	توضیحات
۱۱	موضوع	۱۳۱۲	محل	نوع	توضیحات
۱۲	موضوع	۱۳۱۳	محل	نوع	توضیحات
۱۳	موضوع	۱۳۱۴	محل	نوع	توضیحات
۱۴	موضوع	۱۳۱۵	محل	نوع	توضیحات
۱۵	موضوع	۱۳۱۶	محل	نوع	توضیحات
۱۶	موضوع	۱۳۱۷	محل	نوع	توضیحات
۱۷	موضوع	۱۳۱۸	محل	نوع	توضیحات
۱۸	موضوع	۱۳۱۹	محل	نوع	توضیحات
۱۹	موضوع	۱۳۲۰	محل	نوع	توضیحات
۲۰	موضوع	۱۳۲۱	محل	نوع	توضیحات
۲۱	موضوع	۱۳۲۲	محل	نوع	توضیحات
۲۲	موضوع	۱۳۲۳	محل	نوع	توضیحات
۲۳	موضوع	۱۳۲۴	محل	نوع	توضیحات
۲۴	موضوع	۱۳۲۵	محل	نوع	توضیحات
۲۵	موضوع	۱۳۲۶	محل	نوع	توضیحات
۲۶	موضوع	۱۳۲۷	محل	نوع	توضیحات
۲۷	موضوع	۱۳۲۸	محل	نوع	توضیحات
۲۸	موضوع	۱۳۲۹	محل	نوع	توضیحات
۲۹	موضوع	۱۳۳۰	محل	نوع	توضیحات
۳۰	موضوع	۱۳۳۱	محل	نوع	توضیحات
۳۱	موضوع	۱۳۳۲	محل	نوع	توضیحات
۳۲	موضوع	۱۳۳۳	محل	نوع	توضیحات
۳۳	موضوع	۱۳۳۴	محل	نوع	توضیحات
۳۴	موضوع	۱۳۳۵	محل	نوع	توضیحات
۳۵	موضوع	۱۳۳۶	محل	نوع	توضیحات
۳۶	موضوع	۱۳۳۷	محل	نوع	توضیحات
۳۷	موضوع	۱۳۳۸	محل	نوع	توضیحات
۳۸	موضوع	۱۳۳۹	محل	نوع	توضیحات
۳۹	موضوع	۱۳۴۰	محل	نوع	توضیحات
۴۰	موضوع	۱۳۴۱	محل	نوع	توضیحات
۴۱	موضوع	۱۳۴۲	محل	نوع	توضیحات
۴۲	موضوع	۱۳۴۳	محل	نوع	توضیحات
۴۳	موضوع	۱۳۴۴	محل	نوع	توضیحات
۴۴	موضوع	۱۳۴۵	محل	نوع	توضیحات
۴۵	موضوع	۱۳۴۶	محل	نوع	توضیحات
۴۶	موضوع	۱۳۴۷	محل	نوع	توضیحات
۴۷	موضوع	۱۳۴۸	محل	نوع	توضیحات
۴۸	موضوع	۱۳۴۹	محل	نوع	توضیحات
۴۹	موضوع	۱۳۵۰	محل	نوع	توضیحات
۵۰	موضوع	۱۳۵۱	محل	نوع	توضیحات

بشارات اسلامی در باره ظهور حضرت مهدی

الف - قرآن مجید

۱- (یونس - ۸۴) جنبه های الهی را از زین سپردن خواهم آورد

۲- (ق - ۴) در هر گوسفندی الهی را از حق را می شنود

و از دایره شریک خداوند

۳- (اسراء - ۷۲) در هر مردم را با ما می دانم

۴- (هود - ۸۸) هرگز نباشد خدای غیر از خداوند

گروه من با من است

۵- (بقره - ۱۰۴) خداوند را در هر خدای و دین

۶- (هود - ۴) در هر قدر هر ساله روح و دین

بهر آدمی از او می شنود

۷- (انبیاء - ۱۰۵) زین را به گمان شایسته بشارت می برده

- ۸- (کتاب - ۵۸) برای کتاب به نیت عیسی ^{قادی} ایان
- ۹- (سوره - ۱۳) شایسته است آن نزدیک باشد
- ۱۰- (سوره - ۲۱) اگر آید باشد به مردم عزاب نازل بر شود
- ۱۱- (سوره - ۷۷) زانی و در بار او خواجه دیر
- ۱۲- (سوره - ۳۹) کسی که علم باو علم شد، اسعاف می شود
- ۱۳- (کتاب - ۱۷) به زود شد تر خواسته شد
- ۱۴- (کتاب - ۵۹) خدا آردی در میا در کرد دستش ^{درد}
- ۱۵- (سوره - ۲) قسم به زود در کرد شد
- ۱۶- (کتاب - ۹) و من غریب خدا به نیت عیسی ^{شاه} ایان
- ۱۷- (سوره - ۱۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- سراسر به نیت عیسی

- ۱۸- (سوره - ۵۱) به زود به نیت ایان ^{۲۹} کرد شد
- ۱۹- (کتاب - ۱۵۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۰- (کتاب - ۱۰) ماته آید که نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۱- (سوره - ۱) قسم به نیت ایان
- ۲۲- (سوره - ۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۳- (کتاب - ۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۴- (سوره - ۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۵- (سوره - ۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۶- (سوره - ۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۷- (سوره - ۱۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۸- (سوره - ۱۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۲۹- (سوره - ۱۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۰- (سوره - ۱۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۱- (سوره - ۱۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۲- (سوره - ۱۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۳- (سوره - ۱۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۴- (سوره - ۱۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۵- (سوره - ۱۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۶- (سوره - ۲۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۷- (سوره - ۲۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۸- (سوره - ۲۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۳۹- (سوره - ۲۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۰- (سوره - ۲۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۱- (سوره - ۲۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۲- (سوره - ۲۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۳- (سوره - ۲۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۴- (سوره - ۲۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۵- (سوره - ۲۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۶- (سوره - ۳۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۷- (سوره - ۳۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۸- (سوره - ۳۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۴۹- (سوره - ۳۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۰- (سوره - ۳۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۱- (سوره - ۳۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۲- (سوره - ۳۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۳- (سوره - ۳۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۴- (سوره - ۳۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۵- (سوره - ۳۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۶- (سوره - ۴۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۷- (سوره - ۴۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۸- (سوره - ۴۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۵۹- (سوره - ۴۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۰- (سوره - ۴۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۱- (سوره - ۴۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۲- (سوره - ۴۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۳- (سوره - ۴۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۴- (سوره - ۴۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۵- (سوره - ۴۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۶- (سوره - ۵۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۷- (سوره - ۵۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۸- (سوره - ۵۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۶۹- (سوره - ۵۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۰- (سوره - ۵۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۱- (سوره - ۵۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۲- (سوره - ۵۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۳- (سوره - ۵۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۴- (سوره - ۵۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۵- (سوره - ۵۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۶- (سوره - ۶۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۷- (سوره - ۶۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۸- (سوره - ۶۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۷۹- (سوره - ۶۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۰- (سوره - ۶۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۱- (سوره - ۶۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۲- (سوره - ۶۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۳- (سوره - ۶۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۴- (سوره - ۶۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۵- (سوره - ۶۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۶- (سوره - ۷۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۷- (سوره - ۷۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۸- (سوره - ۷۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۸۹- (سوره - ۷۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۰- (سوره - ۷۴) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۱- (سوره - ۷۵) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۲- (سوره - ۷۶) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۳- (سوره - ۷۷) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۴- (سوره - ۷۸) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۵- (سوره - ۷۹) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۶- (سوره - ۸۰) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۷- (سوره - ۸۱) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۸- (سوره - ۸۲) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۹۹- (سوره - ۸۳) نیک و در بار او خواجه دیر
- ۱۰۰- (سوره - ۸۴) نیک و در بار او خواجه دیر

۱۱- (سزا - ۳) بیت دعا گردان فایده مند
۱۲- (سزا - ۴)

۱۳- (محل - ۴۷) زان که خانه ظاهر است

۱۴- (محل - ۱۵) فی راه انچه گویند

۱۵- (محل - ۹۱) در راهی که شهر را میگویند

۱۶- (ص - ۱۸) خانه را کامل بگویند

۱۷- (ص - ۱۲) لغت خانه تدبیر است

۱۸- (ل - ۱) مترتب که حکایت بر سینه است

مترتب بجمع هکار که بداند

۱۹- (محل - ۵۴) و کتب مخطوطه از اسناد اعیان میگویند

۲۰- (الحرف - ۱۲) سبک آن گفته می شود

تألیف که بر آن نوشته می شود

۲۱- (فتح - ۲۸) دین رسد اسم تمام ادا می شود

۲۲- (درایه - ۲۳) خانه را در زین مانده

سخت کسی که در دزد

۲۳- (دوم - ۳) در در معین با پدر و مادر

سخت

۲۴- (نور - ۵۴) خانه را که از آن در زین

۲۵- (نور - ۷۰) زین به هر چه در در زین

۲۶- (نور - ۱۰) آن بود که در زین است

سخت و زین

۲۷- (نور - ۱) قلم بر آن

روایات اسلامی درباره ظهور حضرت مهدی

۱- حضرت محمد

الف - مهدی تمام معجزات پیامبران را دارد

ب - مهدی تمام وکایه‌ها را با حق برآورد و مشرق و غرب

عالم را سفره گردانند و هیچ بیعتی بر سر مهدی نماند

ج - مهدی ولادتش بنابر آن است که در آن روز غائب

گردند و سپس ظاهر گردد

د - نبی از من است که از آن فرشته بود و کلام او حق است همیشه

اول آنرا با آنکه از مهدی است

ه - به روزی که من بمردم می‌نویسم که ولادتش بنابر آن است

و اما این عجب است که طوایف مشرق و غرب عالم را پس از ظهور

سفره گردانند

و - ولادت مهدی مانند ولادت عیسی است و بیعتی با او نیست

و اما این امر ادعای طوایف است

ج- محمد در سال ۱۲۷۰ در سن ۱۰ سالگی فوت شد.

خ - منزهتک نظم و مدح سبزه دار کلمه پند رحمتی نهاده و
کلمه ترانه باب اس

ذ- محمد (رند) سغه اسماء استی در سن نام مخفی او
او و نام ظاهر استی محمد و کنیه اسد ابوالقاسم و شریف
عالم را معروف در سن و

۱- مترادف ظاهر و ظاهر کرمانجی و اردو و سرائیکی زبان هر دو
دردان زبان هستند و آنها را نیز در صلب و سب
مترادف و هم به سبب مترادف

ز۔ سبب ن در دنا محبت گهر دین را در مستقص و مروت۔

س۔ مسرعت اسلام راتہ جگہ

ص - قبر از قلعه مهر در حال مرأی در نزد خواجه ربیع
ص - متبرک از قلعه مهر از ادب و آواز با آواز مرستی
خواجه ربیع

ط - تعداد ۱۵۱ نفر به دستور بنی المرام

ظ - ومن تمام ما می آید به یاد ۱۴۱ متر با اوست
۴ - خیر از نظر مردان زرد در میان مانده کبر سیر
کربان و درختان می آید

ادویں {

جغزاسم - ۱۱ سن - ۱۱ جبر - ۱۱ زير اسباب

۱۴۸ - صحر ماردن - ۱۴۹ - سوسک کافور - ۱۵۰ - ف - ۱۵۱ - م - مودیت

الحمد لله العزى - ۱۱۱ - صریحاً - عورت و العظمی

کتاب مربوط

مکتب معانی - مکتب الادب - روضه الکام - ابن سعید کنایه الله
 و تاج المعانی - کل الادب - نزه الاعیان - مکتب الافاضل
 مکتب الشراعی - مکتب الادب - مکتب المعانی - استاذ -
 مکتب الادب - مکتب الافاضل - مکتب المعانی -
 مکتب الکرام - صوامع - صمیم - اسعاف الراحین
 سن - محامدة الامار - مکتب طرک - کانی -

کتاب مربوط (۱۵)

۲۱۵

در لوح مکتب ادب اسم بود که اول تمام آفرینا
 و مکتب الادب و مکتب الادب
 مکتب الادب و مکتب الادب و مکتب الادب - صبر ادب
 (را امان)
 ام صبر - ابو یوسف - اصحاب - سید بزرگوار - ابو خلد
 کتاب مکتب الافاضل

کتاب مربوط

اب - مکتب مکتب ادب و مکتب مکتب ادب
 و مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب
 مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب

ب - مکتب مکتب ادب و مکتب مکتب ادب
 و مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب
 مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب

پ - مکتب مکتب ادب و مکتب مکتب ادب
 و مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب
 مکتب ادب و مکتب ادب و مکتب ادب

(رادبان)

سجده - ابو بکر - مجاز بن سلف - عبدة بن جبره
طلحه - کلثوم - ثعلبة - کتاب نفع الدرد -
کتاب کجی اراسته

۵ - امام زین العابدین

مهر معجزات پیامان دادار و دادگر
و دادار دین است

(رادبان)

امام کاف - امام معز صادق - امیر - کتلی - زاره
اسکندر - امام بکناس - امام بر حبیب
ملا دین محمد - ابو یحیی

۷ - امام محمد باقر

دین - مهر دادار معجزات تمام پیامان
و کرم خرد دادگر که درین عالم را خدایان در گذرد
و مردم را در هر حال موینه و ما نزلان اراد • تبعیت گرفته

ب - مهر نام تمام من و هفتین هزاره سال
سجده - ضمیمه سر داشتند زنا و کزنا آید گردد و دست
کلور خرد است

ب - اگر تمام نام و ده است نه انگیز را زنی که است
ت - مهر بر یزدانی و تمام بهشت کرم
ج - قلمت و علم موسی مهر کیم الامت از مهر

(رادبان)

امام صادق - ابو یوسف - ابو یوسف - امیر - کتلی - زاره
ابن ولید - یحیی - حارث - ثعلبه - عبدة بن جبره
سیر رجب - حسین بن علی بن عمر بن یزید - مسلم بن سالم
سجده - یحیی - یحیی - یحیی - طبر - کلثوم
علاء محمد - مجاز بن سلف - محمد بن یحیی - کتلی - محمد بن یحیی
محمد بن یحیی

کلمت نر و نر

نیت - کلمه آرزو - کلمه آرزو - الهی بیف در
ارح دلم

الف - صدر دہلی اور معجزات پناہراں اس دردمند اور
میں بیٹہ دل بہ سال دردمند معجزات

ب - صدر از نظر بنیان بر سر شد و ہم کسی اور اندر کرد مانتہ آگند
تمام سامان ان را کثرت مانتہ

ج - حکایت کلام محمد معجزات حسن بہ ارگردہ لای
آن نام اس

د - روبرو از آسمان اور ابیم قام امرا و دین

ت - در زمان صدر اسلام کتب (الله اعلم)

نیاہ

(رادمان)

صورت بہ العلم - ابن ماسر - امر الخلاب - ابن ابی کھر

عشام - ایر طین - معجزات کھر - قہر ان العین

سیر مرقف - سیر مرقف - سیر مرقف - سیر مرقف

صورت ان مردان - محمد اللہ لہزم - مدالہ مہر - معجزات شادان

معجزات سلم - معجزات بن الیر - معجزات کتب - معجزات کھر
کتب مرقف

محبت نفاع - الہدیر - تقیہ صام - تقیہ زدار -

رد حقہ انکام - محبت - کثیر العزائم

۹ - امیر سر کاکلم

قام دہلی اس معجزات اس حادان دکر دست ظہر

اور در زمانہ اسلام کتب

(زادین)

امیر بنو خور - ایوب باہر - یوسف مہر - حسن شابر

۱۰ - علی بن موسی الرضا

اب - سدر مراد بر ذره سراس که داد از تمام معجزات

بیان آن است

ب - سدر مراد حضرت بر جگانه نام ادرابر که ظاهر است

(در بیان)

ای بابو - این کتاب - ایوب بن یوسف - ترمذی

لا عمل خردی - ریاض بن علی - حسن بن محمد

سید بن صفی - شیخ صدوق - یحیی بن ابراهیم - کلبی

کتاب مربوط

مدرسه الیه - بنیامین المرد - کمال الدین - نیت -

۱۱ - امام که تفر

۹۱

سدر مراد که در این معجزات حاضر است

و زید را بر آمدن و داد گوشت و لاشه بنیان و نیتش طهارت

(در بیان)

ای بابو - شیخ صدوق - کلبی - کنایه نیت

اما - امام علی الرضا

• فائز بن مراد مناس و ذریه لاد که

که در نظر ما شب سر و دست کسی را بگردانند

و در این معجزات است

این امر است - ای بابو - حسن بن علی - که بنی ابراهیم

کتاب

کمال الدین - عماد الدین

۱۴ - امام حسن مکتوب

الف - کسی که است فرزندم که سپهر نیکو است آنگاه که
مانند کسی است تمام مایه آن را نگارده است فرزندم در آن
عین است که مردم ثابت قدم بایم جا برمانند

ب - فرزندم در آن سخن است که در آن عین و نیز
بسیار از فکر مردم باین صفت مستفیض گردیده
و بهم بنزدای پس از فکر فرزندم قادر متعبد بادر است

ج - فرزندم رسمی را بر آن نهاده و داد و که

را دیان

دی با او - اندیشه ای - ابوامام - حبیب بن مهران
مقارن بن سید - مایه هزار - سید اشترک - موی بن حویر

سید - ابراهیم کوفی - سید خادام - معز بن سفيان

کتاب

میرزا الاذری - کمال الله بن صدوق - کن با الازر - مجاهد بن

تاریخچه ولادت با سعادت حضرت

مه دی ماه

مهر حسین خاتون (ملک)

مادر دو تن از اولاد الهی است

۱ - مادر حضرت سید امام ذی القعدة بن عام که از بنو دین بود

ثابت - ایران

۲ - مادر حضرت مهتر بن مهر بن مهر بن خاتون (ملک) دین بود

در سال (۲۲۰ - ۲۵۴ ق) که در آن زمان سید سلیمان و

در میان دین و سید سلیمان (۲۲۸ - ۲۴۹ ق)

تحت ترین اوقات قاری و فرزند

سید عیسی که سر آید و از آن فرزند دین و سید سلیمان

بر دین و سید که در فرزند ابوبکر انصاری بود و سید

کتاب

در دین و سید که در فرزند امام علی بن ابی طالب و سید سلیمان و سید

تشیخ و علاج و تفتیش و تفتیش

دعا از سر بهر و یک کسب کسب ۲۲۰ کسب کسب

تسمیه کرد و یادگشت که به یادگار و در سر پیر و اسب و کسب کسب
عالم اسیران غز که کرد به کسب کسب کسب کسب کسب کسب
کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

در اسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

ای کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب کسب

کردم نه دهنه بجز خداست نه و مخلص آرد است
پس استقامت کنم در طلب حق تا ببار آید
مرد دل نیت اتفاق آید و مخلص هم در آید
هم با ملت بهر حال بهر حال است من نیز
مانده تر ام با سبب سالک بعد از آنکه در ام ناکسب
شده و خایم در دایم چه که صورت عیسای و مکتون
و مراد دهنه آید دیگر در وقت هم اجماع کرده و در میان
مکتون بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال
که هر سال بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال

اگر در دهنه سن بخور است و در دهنه سن بخور
فرام آید و ام و ام و ام و ام و ام و ام
عسی به ستم نکت

شراعت بهر حال آید با او و عصب سواست کن آید
اگر در دهنه سواست عسی بهر حال سواست
و عصب سواست بهر حال بهر حال بهر حال
میج و در ام و ام و ام و ام و ام و ام
دایم سواست بهر حال بهر حال بهر حال
در ام و ام و ام و ام و ام و ام
ام و ام و ام و ام و ام و ام و ام

مهریت بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال
در ام و ام و ام و ام و ام و ام

مهریت بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال
دایم بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال
بهتر است از دهنه سواست که ام و ام و ام
و ام و ام و ام و ام و ام و ام
سواست بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال
بهتر است و ام و ام و ام و ام و ام
مهریت بهر حال بهر حال بهر حال بهر حال

دست خاتون بیاید را راکنه و بر مکتب الکارد
 در بار چیز که سب از سب و اما اثر سبست به او گم
 سب ام ام اسر بکام در هر که حزام صوب
 (مکتب فائز) را نزد در جادود که مکتب دوم که اس
 را ام ام اسر و در مکتب را نزد مکتب در انقضای
 مادر سوزک و بر اسر از سب و در مکتب
 مکتب فائز را ناظر بر سب - مکتب - حفا
 در ام ام اسر که اندام سب ام ادو در جس مکتب و زدن

تذکره حضرت مهدی (ع)

حضرت مهدی (ع) طبع مغز مدینه ۵۵ است
 (۲۵۵-۳۵) به نثرانه کتب اسر ابراهیم لقب او مهدی
 و ام ام اسر او که نام مکتب او اداس در مکتب
 کتب است که در ذکر ام در حوزة اداس و مکتب
 مکتب آسب و الکارد است

که جو به الله مکتب او مکتب فائز که ام اسر
 رد است و در مکتب او از مکتب فائز
 آج مکتب مکتب او در مکتب او در مکتب او
 مکتب مکتب مکتب او در مکتب او در مکتب او
 اسب فو مکتب

مکتب مکتب مکتب او در مکتب او در مکتب او
 مکتب مکتب مکتب او در مکتب او در مکتب او

۱۱) سن گذر روزی به بیستم ماه ربیع الاول (۲۵ - ۵۰)
 در شهرت مر. م. سید زهر فلبه صحنه یاسی که در
 و زهره فلبه سیرت مبارک از نهادن نام سر گذر
 از دنیا به بد دعوت مهر حکام نهادن
 به دست پیکار آمد که در آن تاریخ ماه ذی
 قعد که در مکتب هزار در مشرق است
 و در سال (۲۱۰ - ۲۱۹ هـ) که در آن
 مکتب مهر بود و در میان که به اب چارگاه
 حاد و در دین به سیرت مبارک از آن که در

۱- امیر کوشان بن سید محمد که چهار پنهان کنده است
 تمام خود روغن و دست و پا دارد آن گفته و در سال
 (۱۰۵۰ - ۵۰ هجری) در کتب دستبر داده در میان تمام
 سینه ادا

۲- امیر صغیر که بی پنهان کنده در ادا و
 (۱۰۵۰ - ۵۰ هجری) در کتب

۳- امیر قاسم که بی پنهان کنده در ادا و
 (۱۰۵۰ - ۵۰ هجری) در کتب

۴- امیر الحسن که بی پنهان کنده در ادا و
 (۱۰۵۰ - ۵۰ هجری) در کتب و از تمام کتب
 کبری (۱۰۵۰ هجری) صورت گرفته است

بسم الله الرحمن الرحيم
توضیح بابت

توضیح سترده زیر عین از دماغ همان که سحر
از نام سترده سحر و سحر سحر سحر سحر
نماح (تبر) صادر شده

بسم الله الرحمن الرحيم
يا علي بن محمد السيمري اعظم الله اجر
اخرايك فيك فانك ميت ما بينك
وبين شقة ايام فاجع امرك ولا ترمس
الى احد فيقوم مقامك به ونامك
فقد وقعت الغيبة التامة فلا
ظهر الا به اذن الله تعالى ذكره
وذا لك به طول الامة وقسوة القلوب
وامتداد الارض جودا وبيان من شيعتي
من يدعي المشاهدة الا في
ادي المشاهدة قبل خروج السفيا
والصبي لم يكن اب مفتر ولا جمل ولا فرة
الا بالله العليم
(جلد ۱۴ بحالوار من ۹۸)

[illegible]

سام خاں بخشہ مہربان

ای مع پیر محمد سیر / خاوند اج پادشاه نو را در مصیبت تو بهر آن
بر سبب تو بنیشت در دگر خا هم مرد ار خورده ام کن و وصیتی بکسی
نکن که جاستی نرسود که بخت آگاه (کبری) به از دست تو
آنان نرسود و طهر از غم بهر آنکه بدست تو رسد و دست و پا
تو بهر آنکه از تو رسد و دست و پا تو بهر آنکه از تو رسد
مراد دانا کنه آگاه باسن بهر کردی (مر منظور مشهور به افتخار طرب)
مراد دانا کنه آگاه باسن بهر کردی و آگاه باسن بهر کردی و آگاه باسن بهر کردی
و افتخار بهر آنکه از تو رسد و دست و پا تو بهر آنکه از تو رسد

تعدادی از معجزات حضرت مهدی

۱- هنگامی که حضرت مهس مولد شد سیم هزار ساله بود
در آن زمان حکیم خاتون میفرمود که حضرت مهس در دین مکتب مانده
و بصورت مری پیکر آن عالم - آنست

۲- امام اعمی که در سن ۱۱۱ سالگی در اصفهان درگذشت
فردا صبح که در آن زمان حضرت مهس در آن شهر بود
و در آن روز که در آن شهر حضرت مهس در آن شهر بود
و در آن روز که در آن شهر حضرت مهس در آن شهر بود

۳- حضرت مهس پس از آن که تمام اهل بیت را دید که در آن شهر بود
و در آن شهر بود - امام رضا (ع) - عثمان بن عفان - کمال بن ابراهیم
و در آن شهر بود - محمد بن و علی بن عثمان - کمال بن ابراهیم

۴- هنگامی که حضرت مهس در آن شهر بود
و در آن شهر بود - عثمان بن عفان - کمال بن ابراهیم

۵- امام رضا (ع) در آن شهر بود
و در آن شهر بود - عثمان بن عفان - کمال بن ابراهیم

۵- از بزرگواران است که از دست خداوند بزرگوار
خوب می رسد به سال بود خورشید شرف شاد و خوش
در روز و عمر و کثرت بود با آن که گذرد

۶- سید بن ابی طالب به خانه ادب زامی رسد و
سنگ آید حیات و از امام حسن مکرر به خواب رسد و در
ادم سر سار به بزم می رسد در آن که به ادا فرما
کرد و در آن امام حسن مکرر خطی را می آید که در
مهره است امام شریف او خطی را می آید که این
به آن مدال و حرام نام می رسد و به سکه است و امام
به آن آید تا به سید رسد و معونت عابدان را می
ببیند و از آن راه می رسد و در آن آید و از آن
وقت به وقت است که آن را می گذرد

۸- عاقل که خوب می رسد و در آن سال و سال و سال
که در آن امیر و ادرار و مالک متوجه و معطر
در آن امام حسن مکرر سان و در آن امام حسن مکرر
در آن روز گذرد

۹- امام لایق خادم امام حسن مکرر می رسد و در آن سال و سال
و امام حسن مکرر می رسد و در آن سال و سال و سال
به امام حسن مکرر می رسد و در آن سال و سال و سال
از آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
صورت و عاقل - حضرت که است احزاب عاقل با آن که گذرد
مکرر در این سال • خوب می رسد که خطی می رسد و ظاهر
و در آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
و در آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
و در آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
آن سال و در آن سال و در آن سال و در آن سال
مکرر می رسد و در آن سال و سال و سال و سال
سید عاقل نامیده می شود و در آن سال و سال و سال
خادم امام حسن مکرر می رسد و در آن سال و سال و سال
وزیر که به آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
که در آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
۱۰- معطر و عاقل می رسد و در آن سال و سال و سال
در آن راه می رسد و در آن سال و سال و سال
در منزل می رسد و در آن سال و سال و سال
شده و آن را می رسد و در آن سال و سال و سال

۱- احمد بن محمد الدمشقی وزیر ابن یحییٰ دیراسی در سال
(۲۷۵ - ۵) حضور ممد سرفراز و علمای کرام در
سانت

کتاب ۱ - در، ذی القعدة (۲۸۱ - ۵) معجزین مرید

۱۵- ابراهیم صبر بن محمد قرطبی (اتذنیخ سنه) سال ۳۱۰
بر حین حجر الاسود را به ~~سید~~ ابراهیم (۷۵-۵۵)

۱۹ - ابن عقیب در سال (۷۱۶ - ۷۵۰) متولد شد همان

که سر سواد صحیح و فعالیت در وسایل دستیابی
بسته در آسودگی دارد و باید عمل هر اثر الجبار در تمام دارد
و دیگر را که در دست ^{ادرا} بجهت تمام خوب صاحب به آن در دست
ادرا است دارد

۱۴ - حرعالم در د. متر اردیبهشت سال (۱۰۹۷-۵۰) ششصد
 و پنجاه و هفت اکتوبر در د. متر اردیبهشت سال (۱۰۹۷-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۰۹۷-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۰۹۷-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۰۹۷-۵۰) در سال آنجا

۱۵ - میرزا محمد سیستانی امیران در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۱۶ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۱۷ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۱۸ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۱۹ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۲۰ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

۲۱ - میرزا محمد سیستانی در سال (۱۲۸۵-۵۰)
 در د. متر اردیبهشت سال (۱۲۸۵-۵۰) در سال آنجا

دستور و کتاب یکایک آوار دارد دارنظرشان نمیرسد

۲۳۷ - مکه جده و مدینه در سال (۱۹۴۰ هـ) (در عهد)

امام حق صوب مسر را حد و تقاضا در مدینه

و سیر مونت مسر مظهر در سال (۲۹۵-۵۰)

مکه در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

۲۳۸ - سنج عالی شد قهرمان در تمام سبب ۱۷ ماه مبارک

رمضان سال (۲۹۴-۵) در محاکم منقأ نام

مسبه قهرمان مسدود و در زندان تم نباشد

صوب مسر را حد و تقاضا در مدینه و سیر مونت مسر

۲۳۹ - امام الحسن عقی در سال (۲۹۸-۵۰) بیای

از قهر و مسر مونت مسر مظهر در سال (۲۹۸-۵۰)

در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

که ادب از آن غیر مذکور است

۲۴۰ - در سال (۱۳۰۰ هـ) امام جواد اعم قهرمان باب

رود در مدینه امام حق صوب مسر را حد و تقاضا

و سیر مونت مسر مظهر در سال (۲۹۵-۵۰)

مکه در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

۲۴۱ - سنج اوج امام در سال (۱۳۰۰ هـ)

در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

که ادب از آن غیر مذکور است

۲۴۲ - مسر مونت مسر مظهر در سال (۱۳۰۰ هـ)

در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

که ادب از آن غیر مذکور است

۲۴۳ - امام جواد اعم قهرمان باب

در آن سال بر او طعن کردند و دهنه خانوگان در رابا دادند

که ادب از آن غیر مذکور است

که ادب از آن غیر مذکور است

۳۹ - امراعیاس داسمی در روز شنبه ۲۹ ارجب
(۶۴۴ - ۵۵۵) ارواب خوب مهر شاد و خوشامد
که از ادم آید امر با خبر شود

۴۰ - سه شنبه طالع در روز پنجشنبه
چهارشنبه سیزدهم ذی القعدة سال (۵۵۸ - ۵۵۹)
خوب مهر و ادب داشته در این روز

۴۱ - سه شنبه قاهر آدم در تاریخ جمعه ۱۷ بهار آذر
سال (۵۴۱ - ۵۵۰) درسته خوب مهر
در ادب که دوستی و محبت دارد

۴۲ - غلط همه غم (اسود) که در شنبه بود در سال
(۷۱۱ - ۷۲۰) برسط خوب مهر شاد و
خوب مهر که شاد و خوشامد در سال (۷۲۰ - ۷۳۰)
برسط خوب مهر شاد و خوشامد

۴۳ - امیرنهار در سال (۷۴۴ - ۷۵۵) در بهار شاد
۴۴ - مهر خوب مهر شاد و خوشامد
برسط خوب مهر شاد و خوشامد

۴۵ - در سراسر اردیبهشت (سرخ ۹۹۲ - ۱۰۰۰) در بهار شاد
مهر بدام فیض الله در روز شنبه خوب باک
و باره از ایشان در روز دوشنبه خوب مهر و ادب
و شاد و شاد

۴۶ - میرزا محمد آیدر (سرخ ۱۰۲۸ - ۱۰۳۰)
مهر طالع فتنه کبه خوب مهر و ادب
از آنکه در روز شنبه از آنکه در روز شنبه
مهر بدام در روز شنبه خوب مهر و ادب

۴۷ - سه شنبه قاهر آدم در سال (۱۱۸۵ - ۱۱۹۰)
مهر خوب مهر شاد و خوشامد
برسط خوب مهر شاد و خوشامد

۴۸ - سه شنبه در سال (۱۲۸۰ - ۱۲۹۰) که مظهر روز است
مهر بدام در روز شنبه از آنکه در روز شنبه
مهر بدام در روز شنبه از آنکه در روز شنبه

(۲) - مرسه بنایی در سال (۱۳۸۵ - ۱۳۸۶) مرسه
هو - مرسه بنایی

۴ - کمره سیدار در روزبه دهم جادر اسال
 سال (۱۲۹۵ هـ) در سام. صوت مهر دا
 در آب و مفریو

۱۴- حاج میرزا یحییٰ قزوینی (۱۷۸۳-۱۸۵۰)
مدرسہ عربیہ اسلامیہ

عمومی اسم سر نام هنر در سال (۱۹۶۴ - ۶۵)
 تعداد کتب و صورت کتب در کتابخانه
 و صورت به آن هنر یادگار کتب و صورت
 وزارت یادگار و کتابخانه و صورت کتب

۴۵- ستیغ سقیه در آخر صفر سال (۱۰۴۰ هـ) اجواب
عمره در روز شنبه در است که در سائش حل شده
که در معینه خلیفه عباس سقیه بنام در استین در ماهه در ماه رجب در

{ ۱ } - ابراہیم میں ممدان درخزنگ جہ بنیاد و دعوت
میں دانت سکر دیوانہ وقت سہ ماہی

اعطای بی دقت به این امام من عجب گرامی بود و خود هر
بار در مجلس بیرون می آمدند و می گفتند که آن دو بزرگوار چه فزایدند

۷- ابا سوره زبور؟ دروم ۱۱ صید و نیز در نرنگ مهر علقه
مخبر حضرت مادر ~~مستعد~~ مستعد است و اقله شفا بود
طوالا در مس - برای (کتاب) رفته دعوت ~~و~~
پیامی را برای ~~طاهر~~ طاهر رازی و چون نزد مادر را با مادر کرد

۴۸ - که بجز ۱۰ تا ۱۲ از جوار حوت مدیترانه
ببرد و اندک سبک میزد که در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

و ۴۹ - علم من که بکسری از ده پیر کرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۰ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۱ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۲ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۴۹ - جعفر بن محمد متقی ارواح که بکسری از ده پیر کرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

و در ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۴ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۵ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۶ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۷ - ابرام بنی بابویه وکیل عرب مدیترانه
ببرد و در آب است که خزان
ببرد و در آب است که خزان

۵۸ - قاسم بی ۱۷ سی در سن ۸۰ سالگی نابینا و عمی
سده قبل از مرگش بیباگر و از این سر هضم صورت ممد و حبلاً باد
خبر داده بود

۵۔ سید عثمان گھڑی بہ بہتر صورت صدر مہاراجہ
قبر پر تیار کرواؤ! دفتر مزار و مہاراجہ دلال
مرکز دہلی اسلام آباد دہلی نئی دہلی

۱۰ - علم میں سیر اور سحر و جادو - علم ہی اللہ
وہی ہے جس نے اللہ جل جلالہ کو علم میں بنا کر رکھا ہے
دوسرے لوگ اس کی کتب منقولہ و نقلیہ دیکھ کر

مک - بهادر احمد خاں اربع درینا درویش محمد

رد - اہم سیمینار کے ارغواں کردہ منظم
نہ جوتہ ہوا پھر ان کو صوبہ میں رستہ پر لے کر
کشتہ شد

۱۸- اسم الکس بن ابی السفل کاتب در کاغذین کن در ضمن حوض
مهر را علامت و سبب معرفت نمود در نایب جنت

۶۹ - پنج صدون معاصر در اول کرد و جواب مثبت است
بعلو الله ابو جعفر هم را اثر از او دارد و این
صورت مهر صورت است

۷۰ - ابورافع جامی که در میان صفی و کاکم قلم او را
مغز و سبک کرد مهر صورت مهر او را نشان داد

۷۱ - حسین دلال که سبلا به قلمش در وسط صورت مهر صفی است

۷۲ - سیالدین اردبیلی معبر مهر صفی از قید کهنه
به مهر صفی نزاران مهر و در آنجا مهر و
توسط مهر صفی است

۷۳ - مدآورد اردبیلی در مسجده کوفه توسط مهر صفی
با پنج صائش مهر و نادر است

۷۴ - سید حسن حر عاملی در سن ده سالگی توسط مهر صفی است

۷۵ - سید جعفر سید سید باقر آملی در مسجده کوفه

صورت مهر صفی است و سی صورت از نظر در نایب است

۷۶ - علامه محمد سلیم در مسجده کوفه صورت مهر صفی است
و صائش با نادر است و سی صورت از نظر در نایب است

۷۷ - سید جمال آزاد در این مسجده صورت مهر صفی است
در مهر صفی صورت مهر صفی از نظر در نایب است

۷۸ - صورت مهر صفی که در مسجده کوفه است
و قطب داشت در کافه به دو آکب بسته بود صورت صفی
رسته او را از مهر

۷۹ - شیخی یاقوتی که در مام روف مهر صفی است
مهر صورت مایه مهر صفی که در مام روف مهر صفی است
مهر صفی است

۸۰ - حبیبی حسن بی زب در مسجده کوفه صورت مهر

کعبه از در است مهر صورت مهر صفی از نظر در نایب است

۸۱ - اردبیلی در مسجده کوفه مهر صفی است
مهر صفی است مهر صفی است مهر صفی است مهر صفی است
مهر صفی است مهر صفی است مهر صفی است مهر صفی است

۸۲ - ابراهیم حایق کوفی عنہ السلام از قزوین

۱۳ - مکہ بن حسن بن عبد اللہ مکتبی در صحرائ اربعین

۸۶ - شیخ قاسم درودا. مکتب سرگردان است. بهر توسط حضرت

۸۵ - علاج قلع در کربلا و حرم مطهر حضرت محمد صلی

۵۵ - سنج سرد و گرم که نایب سرد دهم (۱۱) حسن

۵۷- حسن بن وهب و فضی در الحاد و غیره

۵۸ - راستہ ہواخ دریا بان مکہ مکہ دعوت پہنچا

۵۹ - اسامی برقم در ترکیب دبی نقل کرد و صوت هر

5. - طار صبه: رب الله تبارك "درم" صبی عوبت مادی

۱۵ - سرزمین؟ دون بهمان یا فدیہ بہ بیگار مرد

و از قضا استیصال مردان در دستش که عورت مسرور

۵۳ - ابرام بناد که ۸ مد دست فلاد از این بادستر گزیده بود
و یک از ابرام آن در وسط حوضت نهادند و آن سبب می آید
برگشتن

۵۴ - ام قی بر آواز سبب صوت مدر و خلق را
در رودخانه افتاد و عین ۱۱ از حسی بر آید در دست کرد
در یافت کرد

۵۵ - علی بن مهزمار ابرام در سبب دیگر گزیده بود
در سبب ابرام و در سبب بنی تا سبب قنبر سبب و اندامات
و بابت تا کتات (که با سبب) رفته اند و در نزدیکی
کو طالت حوض صوت مدر سبب قنبر و صوت
کلیک و ظاهر و وضع دافند و ابرام و در

۵۵ - ابرام سوره سبب زید؟ در مد حیرت فقر سبب کوی
حوض صوت مدر سبب و تا سبب رفته و سبب سبب
گرم سبب کردن و در نزدیکی کتات با صوت مدر از این
آب سبب سبب و در سبب

۵۶ - آست اند سبب سبب دنیج بپا در آست سبب

۵۷ - از صوت مدر در است که در آست سبب از این دست

۵۸ - سبب قنبر در سبب سبب سبب صوت مدر سبب

۵۹ - سبب سبب در سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
و سبب سبب سبب سبب سبب سبب

۶۰ - با قنبر در سبب سبب سبب سبب سبب
مدر ابرام سبب سبب

۶۱ - سبب سبب سبب سبب سبب سبب
مدر سبب سبب سبب سبب سبب

۶۲ - صوت مدر سبب سبب سبب سبب سبب

۶۳ - در سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب

۶۴ - سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب

۶۵ - سبب سبب سبب سبب سبب سبب
صوت سبب سبب سبب سبب

۷۷ - سترین کمره. نه چهار سترین دات سترین
صدر ~~صدر~~ در سترین سترین بر این است

ستاق

۷۸ - ابرو دلی در سترین صدر و ابدان در سترین
در سترین سترین سترین سترین سترین

۷۹ - سترین. سترین سترین سترین سترین

ستاق

۸۰ - سترین سترین سترین سترین سترین
سترین سترین سترین سترین

۸۱ - سترین سترین سترین سترین سترین

و سترین سترین سترین سترین سترین
سترین سترین سترین سترین

۸۲ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین

۸۳ - سترین سترین سترین سترین سترین
سترین سترین سترین سترین

۸۴ - سترین سترین سترین سترین سترین

۸۵ - سترین سترین سترین سترین سترین
سترین سترین سترین سترین

۸۶ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین

۸۷ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین

۸۸ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین

۸۹ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین

۹۰ - سترین سترین سترین سترین سترین

سترین سترین سترین سترین

۹۰ - صوت زبانی که پنج هم در وسط حرف مد در مقام

۹۱ - مکرر ناری (افرا کبر) در میان ذرات نزدیک

بهت بود در وسط صوت مد در تحت مام

۹۲ - زیت اند مد در مع کتاب را که تزیین می نماید

که کشیده در یک لحظه از صوت مد در امساک

۹۳ - هم بن اند معنی زبانی و مانع از ده که ده اند

بسیار از آن تا هم بود در وسط صوت مد در مطلع نش

۹۴ - صر ابله که میزاند بن ابله است در مقام

قرسی در وسط صوت مد در اندک دستمالی

نجات مام

۹۵ - صوت مد ۵۰۰ دینار قرص که می خورد

بسیار از آن از نوبت به الی عاقل را

۹۶ - سنج حاجی میگوید که گنگ منشی است در وسط صوت

مد در مقام

۹۷ - محمد بن حسین ۷۲ در صوت مد از دستبرد

قبیل حظه نوبت دارد

۹۸ - امیر ارم علی که در وسط میان صنف معز و سینه بود

نصف صوت مد در مقام

۹۹ - مداد طباطبائی سیه بر العلوم در وسط صوت مد

در صنف سیه کرد - سیه مد با حروف اول و حروف سینه

۱۰۰ - مداد بر العلوم در نوبت از صوت مد

میان صنف و در نوبت در ادوات

۱۰۱ - اوتق در دربار هنر کرد در طمان در وسط

صوت مد در نجات مام

۱۰۲ - از دی در خانه کعبه در طوط صوت مد

زیتان در ادوات مام در کتب طمان

۱۰۳ - امیر ابراهیم که مابین بود در نوبت که می خورد دستمالی

نصف صوت مد در مقام

۱۰۴ - صوت مد در سینه ۲۰۰ صنف و در مقام

از صنف طمان عاقل کرد

طوال عمر حضرت مہدی (۲)

- ۱- چنانچه قدرتاک (خدا آفرین) در درخیزد به سبب رهاست
 ۲- از استی سیرم به شکل هر سال مایل می شود و قادر به سیرم بود
 ۳- بدون متوجه می شود در یک کالبد به سبب ناسال زنی که گفتم
 ۴- به سبب از آب منی موزان به طول عمر افزود
 ۵- رعایت به است و اسعاد از انچه به سبب گنای
 ۶- و فاسد خلدن و اسعاد از بهر آن که است و به طول عمر مایل
 ۷- ترک کباب گوشتی طول عمر را افزاینده بود
 ۸- در درون سال ماست از داد طول عمر را
 ۹- رعایت از سبب بهر که ماست از داد طول عمر را
 ۱۰- در کوه ها و صیقل ها و قفقاز دستخ هم و شام
 ۱۱- معتدل سردی و گرمی طول عمر تا ۲۰ سال دیه به
 ۱۲- از سبب دقت به سبب سیر روز مزاج طول عمر
 ۱۳- هر چه از آن سال افزاینده بود
 ۱۴- به سبب تنه به روح از کالبد در یک کالبد موزان
 ۱۵- به طول عمر افزود

روایات درباره ظاهر حضرت مهدی^(عج)

روایت است که تا ظهور حضرت مهدی^(عج) در میان
تجربج مدائن ظاهر شود که این آید مدائن بهتر از ابراب

۱ - ظاهر شدن سقیت نرنگی ادرار و نه لعل

۲ - به تبارش از اسب که هر روز در پیشوا او را

۳ - ظهور آلاء بکم و بجم آسمان

۴ - آفتاب زمره و ماه زینت می شود

۵ - بر آسمان زینت شود و ستاره

۶ - فتنه و فساد و طغیان

۷ - مردمان شته زنا و در آوازه گوشت

۸ - آفتاب از آسمان بر زمین می افتد

۹ - آب سرد است در اوقات گریه و بیاد می ماند

که در دست که با هر زخمی در می آید

۱۰ - از سر قند سقیت بر آید و بوی می دهد

۱۱ - سقیت در دست می آید و در دستش کش می آید

۱۲ - سقیت از آسمان می آید

۱۳- بین دو طاق از محم خیردستی در مکه

۱۳ - ستر و اطراف آن قسم از دست و حرم دم سپردم و

وصف و زار ممکنه

۱۵ - مکتبہ از زمین قیام کو

۱۱- سفید و زرد

۱۷- در بند در یاد می نمود:

۱۸- ملحق به دفتر میزبانان و کتبخانه

۱۱- سر برم دستم محکم دستم

۴۔ دیالوگ مقررہ :

احمدیہ (رسالہ اور عقیدہ - ۲۲)

(۴-۵)

رسالة رقم (١) - (عقود ٧ - ١)

کتاب دیوان (مترجم - ۱)

رسالہ پوسٹ بک بریک (صفحہ ۹)

۲۱ - در ناظر مکاتبات بنده مستحق در آمد

۵ - نشانی از عدم طوبی و امان

- ۲۴ - سینه مدد و خافین شش و جبد العذر سرورانه در شود
 ۲۵ - سرز شام و جهان مگر در
 ۲۶ - بنه داد و جهان در شود
 ۲۷ - و بی در بهر بهر از سرور
 ۲۸ - در هر یک مسموم در شود
 ۲۹ - که زند تر سوا عیشا لغز در شود
 ۳۰ - چنگ بر آتش و مالک در روی کبر
 ۳۱ - کت رو حشنگی حریت کتبه در آتش کند
 زین نام در هر کتبه
 ۳۲ - و یادگار من سرور آتش و شعله در آتش در آتش در آتش
 ۳۳ - در آتش آتش کلام هم عجب به به آتش در آتش
 ۳۴ - سرور شش در آتش در آتش در آتش
 ۳۵ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش
 ۳۶ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش
 ۳۷ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش
 ۳۸ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش
 ۳۹ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش
 ۴۰ - در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش

۴۱ - سینه با کت از آتش در آتش در آتش در آتش
 که در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش

- ۴۲ - صورت مسموم در شود
 ۴۳ - اصحاب کتب به به آتش در آتش
 ۴۴ - صورت حرور ابدا در آتش در آتش
 ۴۵ - صورت هر به به آتش در آتش در آتش
 در آتش در آتش در آتش در آتش در آتش

از خواب برخاستم و بیدار شدم و ملک این دایره
را بستر کردم و چون در بر آید احدی حاکمیت
و امانت داشته باشد ببار عمارت عید کرده

ملک رکنک دستبرد نزل حرم مهر ازاره
شب ۱۵ استخوان سال (۱۳۴۲ - ۵۵۵) بمباران
معجزه ابر عظیم در دروازه

شاهزاده شریف حضرت مهر در حاکمیت نایب
مهر نام دارد - میراث و زمین کشاورز احوال
نه در ماطع حوضه مکرر به مهر منظره آفرین
ماه سپید بخت بر داشتند و صورتی نسبت بخی
مجاالت میرزا و ارگانه به د و س با و نام ازان
استمداد مکرر و مکرر

مادر زمان ادرکنی

دو نفره دار از خواب برخاستم و در پی خود رفته و در
گشتن و مانده گشتن ادکسیت در این آینه در ایدام
نه انصاف بکارم و با خود میگردم که تا سر حد امکان
رو بدم و ... باز بپرورم و با دستان عابد را

مسکون کرد و میخواست مارد آن مهر منظره
شب ۱۵ استخوان سال ۱۳۴۲ عمارت

در خواب بیدار بمان و حضرت مهر را در این
مهران و مهر کرد با ملک است بسیار در سوس
دویم و اوستانی از این منظره و مهر
سال ۱۳۴۲ عمارت

در خواب بیدار بمان و حضرت مهر را در این
از دیوان آن در حوضه که در آن به بنای یک کف
به د و ادرکنی

ماهر کسی دارد و در این وقت بهر مایه
عبدالدارم

از خواب به خاستم پس از آن سی هزارم که تا سر قمارگاه
است بماندم

سال ۱۲۴۵ هجری ستمی در آذربایجان
کنار دریاچه است و قافله در حال حرکت است
مردم می آید که آن قافله معطل به موجب ستم
سیرت بهر ستم دوم یکبار. حرف ممدل حال
من ظاهر است

سی ستمی زیبا و مردان و بسیار خوش اندام و چارست نه مرد
و نه ستمی به سر گذارد و عیار بهر آنکه بهر ستمی
و قمارگاه است که رنگ که یک بقیه بهر ستمی که یک بقیه
مطلبان با رنگ از آن دور. منتفی است قبادیه بهر ستمی
میرت در آن و بار آمدن بهر ستمی که یک بقیه
من پس از خواب است که بهر ستمی که یک بقیه
عالم بهر ستمی که یک بقیه که از آن بهر ستمی که یک بقیه
آمار ستمی که از آن بهر ستمی که یک بقیه

حرف ممدل از خواب

بله و بهر ستمی که یک بقیه

سال ۱۲۴۵ هجری ستمی در آذربایجان
بهر ستمی که یک بقیه

ست ۱۵ است سال (۱۲۴۷ - ۵ سنه) در عالم خواب
به هر ستمی که یک بقیه

ست ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه

ست ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه

ست ۱۵ است سال (۱۲۴۱ - ۵ سنه) در عالم خواب
به هر ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه
ستمی که یک بقیه

که منظورم صوت مدخل به درسی است آن دریم و بطور
 رسیدن از سبیلان که در کتب دریم جواب ~~صحت~~ ^{صحت}
~~صحت~~ ^{صحت} صدق است که گفت
 بهرگز سلطان دستش با درختان و ریشه

ست برود ۷، ۱۰، ۱۴۹۹ - ۵ سر ۱۵۱۰ عالم
 در این معرعه در این وادستان دربار
 صحت و جودت این امر در دیکر عالم سرآورد
 آمد در این وادستان

بما نظر که کتب صوت در این وادستان
 ت نه کنست که هم السرا عالم در آن
 است که است و هم این وادستان است در آن
 و در

من از این وادستان سرآوردیم به جواب من
 در این وادستان

بما نظر که کتب صوت در این وادستان

و سبیلان نام به برشند از آن وادستان نام به نام نیا
 البته آن در وادستان که در این وادستان است
 به است که در این وادستان است

بما نظر

به ۱۳، ۴، ۱۲۵۴
 است ۱۵۴

در این وادستان

که منظورم صوت مدخل به درسیب و آن دریم و بطور
 رسید از سبیل که در کتب دریم و اب ~~ص~~ ۱۵
~~سحر~~ ص ۱۵ سینه آمد گفت
 بهرگز سبیلان دستش باد بخراشید و سب

ست مرد ۷، ۱۰، ۱۴۹ - ۵ سر ۱۵، ۱۵
 در این معرعه در این و در این در این
 صحت و جودت در این و در این علم سواد در این
 آمد در این و در این

بما نظر که در کتب و در این و در این
 ت نه کن نیست که در این و در این
 سینه است و در این و در این
 و در این

من از این و در این و در این و در این
 در این و در این

در این و در این

و سبیل در این و در این و در این و در این
 البته آن در این و در این و در این و در این
 به این و در این و در این و در این و در این

بما یان

به ۱۳، ۴، ۱۲۵۴
 سب ۱۵۴

در این و در این